



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

طرح پژوهشی

رویکردی پیکره‌ای و ساخت‌بنیاد به طبقه‌بندی معانی واژگانی در زبان فارسی

مجری

رامین گلشائی

آبان ۱۳۹۳

به نام خدا

حقوق: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

طرح پژوهشی «رویکردی پیکره‌ای و ساخت‌بنیاد به طبقه‌بندی معانی واژگانی در زبان فارسی» پیرو قرارداد شماره ۳۳/۱۷۰۸۳ مورخ ۹۲/۸/۲۸ میان پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (کارفرما) و رامین گلشنائی (مجری) اجرا شده است. این گزارش و تمامی حقوق مادی آن بر اساس «قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان» مصوب سال ۱۳۴۸ و اصلاحیه‌های بعدی آن و همچنین آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون متعلق به پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران است و هر گونه استفاده از تمامی یا پاره‌ای از آن شامل نقل قول، تکثیر، انتشار، کاربرد نتایج، تکمیل و مانند آنها به صورت چاپی، الکترونیکی یا وسایل دیگر فقط با اجازه کتبی پژوهشگاه امکان‌پذیر است. نقل قول در حد هزار واژه در انتشارات علمی مانند کتاب و مقاله با درج اطلاعات کامل کتاب‌شناختی، نیازی به مجوز پژوهشگاه ندارد. صحت مندرجات گزارش بر عهده مجری طرح پژوهشی است.

رویکردی پیکره‌ای و ساخت‌بنیاد به طبقه‌بندی معانی واژگانی در زبان فارسی

مدیر طرح پژوهشی: رامین گلشائی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
نشانی: تهران، خیابان انقلاب، چهارراه فلسطین، شماره ۱۰۹۰، طبقه ۳، اتاق ۳۰۹
صندوق پستی: ۱۳۷۱۱۳۱۸۵ تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۴۹۸۰
وبگاه: www.irandoc.ac.ir
رایانامه: golshaie@irandoc.ac.ir

چکیده

در این پژوهش با استفاده از رویکرد پیکره‌بنیاد، به بررسی افعال مرکب فارسی با جزء فعلی «خوردن» پرداخته شده است. در فعل مرکب، جزء فعلی نظیر «خوردن» که به آن فعل سبک نیز می‌گویند با عناصر غیرفعلی متعددی نظیر «ضربه»، «غذا»، «زمین» و غیره همنشین می‌شود و این همنشینی در افعال مرکب مختلف سبب می‌شود که فعل سبک «خوردن» معانی مختلفی در کنار اجزاء غیرفعلی داشته باشد. آنچه مدنظر این پژوهش بوده، استفاده از روشی داده‌بنیاد برای طبقه‌بندی معانی مختلف فعل سبک «خوردن» بوده است. برای انجام پژوهش، در پیکره‌ای ۵۰ میلیون کلمه‌ای که به‌صورت تصادفی از پیکره همشهری نمونه‌گیری شده است مورد استفاده قرار گرفت. با استفاده از نرم‌افزار تحلیل پیکره‌ای AntConc عناصر غیرفعلی فعل سبک «شدن» استخراج شد. سپس ۳۵ فعل به‌ترتیب بسامد پیکره انتخاب و برای هر فعل ۲۰ نمونه کاربردی از پیکره استخراج و با استفاده از روش تحلیل نمای رفتاری، مشخصه‌های ساختارهای نحوی و معنایی آن برچسب‌دهی شد. سپس جدول نمای رفتاری افعال با استفاده از تحلیل خوشه‌ای سلسه‌مراتبی در نرم‌افزار R تجزیه و تحلیل شد. خوشه‌های معنایی به‌دست آمده از تحلیل خوشه‌ای نشان می‌دهد که معانی بر اساس بافت کاربردی افعال به خوشه‌های متمایز تقسیم می‌شوند و افعال مرکبی که اجزاء غیرفعلی آنها به‌لحاظ حوزه معنایی مشترک هستند، در خوشه‌های مشابه و نزدیک به هم جای می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی پیکره‌ای، فعل مرکب، تحلیل نمای رفتاری، زبان فارسی، تحلیل خوشه‌ای

فهرست مطالب

فصل اول کلیات پژوهش	۱
۱-۱. مقدمه	۲
۲-۱. بیان مسئله	۲
۳-۱. ضرورت پژوهش	۴
۴-۱. هدف پژوهش	۴
۵-۱. سوالات پژوهش	۵
۶-۱. محدودیت‌های پژوهش	۵
۷-۱. اصطلاحات تخصصی	۵
فصل دوم پیشینه پژوهش	۷
۱-۲. مقدمه	۸
۲-۲. چندمعنایی	۸
۳-۲. فعل مرکب و چندمعنایی	۹
۴-۲. رویکرد ساخت‌بنیاد به معنا	۱۲
فصل سوم روش پژوهش	۱۷

۱۸.....	۱-۳. مقدمه
۱۸.....	۲-۳. چارچوب نظری
۱۹.....	۳-۳. پیکره زبانی
۲۰.....	۴-۳. نرم افزار پردازش پیکره
۲۱.....	۴-۳. روال انجام پژوهش
۲۹.....	فصل چهارم تحلیل داده ها
۳۰.....	۱-۴. مقدمه
۳۰.....	۲-۴. تحلیل خوشه ای ساخت های فعل سبک «خوردن»
۳۳.....	۱-۲-۴. خوشه اصلی (۱)
۳۴.....	۱-۱-۲-۴. زیر خوشه «بلعیدن»
۳۹.....	۲-۱-۲-۴. زیر خوشه «سوگند»
۴۴.....	۳-۱-۲-۴. زیر خوشه «اندوه/تاسف»
۵۰.....	۲-۲-۴. خوشه اصلی (۲)
۵۰.....	۱-۲-۲-۴. زیر خوشه «دریافت حسی»
۵۵.....	۲-۲-۲-۴. زیر خوشه «اتصال»
۶۱.....	۳-۲-۲-۴. زیر خوشه «اصابت»
۶۷.....	۴-۲-۲-۴. زیر خوشه «حرکت/تغییر شکل»
۷۳.....	۵-۲-۲-۴. زیر خوشه «دچار آسیب شدن»
۸۰.....	۶-۲-۲-۴. زیر خوشه «اثر و رد نوشتاری»
۸۵.....	۷-۲-۲-۴. زیر خوشه «فریب»
۹۱.....	۸-۲-۲-۴. زیر خوشه [نامشخص]

فصل پنجم نتیجه گیری	۹۲
۱-۵ مقدمه	۹۳
۲-۵ پاسخ به پرسش های پژوهش	۹۳
۳-۵ پیشنهاداتی برای پژوهش های آتی	۱۰۰
منابع	۱۰۱

فهرست جداول

- جدول ۳-۱. نمونه‌ای از فهرست واژه‌نما برای بن‌واژه «خورد» ۱۸
- جدول ۳-۲. گزیده‌ای از برچسب‌های آی.دی نمونه ۱۹
- جدول ۳-۳. اجزای غیرفعلی به‌دست آمده برای فعل سبک «خوردن» از پیکره ۲۳
- جدول ۳-۴. برچسب‌های آی.دی به‌کار گرفته‌شده در پژوهش ۲۴
- جدول ۳-۵. جدول برچسب‌های آی.دی جمله ۱۳ ۲۷
- جدول ۴-۱. نمای رفتاری ۳۵ فعل مرکب فارسی (فقط برچسب‌های ساختوازی) ۳۰
- جدول ۴-۲. خوشه‌های عمده قابل تفکیک از نمودار درختی شکل ۴-۲ ۳۲
- جدول ۵-۱. تعداد برچسب‌های آی.دی به‌کار رفته برای هر یک از افعال مرکب موردبررسی ۹۵

فهرست اشکال

- شکل ۳-۱ محیط نرم افزار پیکره ای AntConc ۲۱
- شکل ۴-۱. نمودار درختی خوشه بندی افعال مرکب با فعل سبک «خوردن» ۳۲
- شکل ۴-۲. توزیع مشخصه های ساختوازی در افعال مرکب با معنای «بلعیدن» ۳۴
- شکل ۴-۳. توزیع مشخصه های نحوی در افعال مرکب با معنای «بلعیدن» ۳۶
- شکل ۴-۴. توزیع مشخصه های معنایی در افعال مرکب با معنای «بلعیدن» ۳۸
- شکل ۴-۵. توزیع مشخصه های ساختوازی در افعال مرکب با معنای «سوگند» ۴۰
- شکل ۴-۶. توزیع مشخصه های نحوی در افعال مرکب با معنای «سوگند» ۴۱
- شکل ۴-۷. توزیع مشخصه های معنایی در افعال مرکب با معنای «سوگند» ۴۳
- شکل ۴-۸. توزیع مشخصه های ساختوازی در افعال مرکب با معنای «اندوه/تاسف» ۴۵
- شکل ۴-۹. توزیع مشخصه های نحوی در افعال مرکب با معنای «اندوه/تاسف» ۴۷
- شکل ۴-۱۰. توزیع مشخصه های معنایی در افعال مرکب با معنای «اندوه/تاسف» ۴۹
- شکل ۴-۱۱. توزیع مشخصه های ساختوازی در افعال مرکب با معنای «دریافت حسی» ۵۱
- شکل ۴-۱۲. توزیع مشخصه های نحوی در افعال مرکب با معنای «دریافت حسی» ۵۲
- شکل ۴-۱۳. توزیع مشخصه های معنایی در افعال مرکب با معنای «دریافت حسی» ۵۴
- شکل ۴-۱۴. توزیع مشخصه های ساختوازی در افعال مرکب با معنای «اتصال» ۵۶

- شکل ۴-۱۵. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «اتصال» ۵۸
- شکل ۴-۱۶. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «اتصال» ۶۰
- شکل ۴-۱۷. توزیع مشخصه‌های ساختواژی در افعال مرکب با معنای «اصابت» ۶۱
- شکل ۴-۱۸. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «اصابت» ۶۳
- شکل ۴-۱۹. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «اصابت» ۶۶
- شکل ۴-۲۰. توزیع مشخصه‌های ساختواژی در افعال مرکب با معنای «حرکت/تغییر شکل» ۶۸
- شکل ۴-۲۱. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «حرکت/تغییر شکل» ۶۹
- شکل ۴-۲۲. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «حرکت/تغییر شکل» ۷۱
- شکل ۴-۲۳. توزیع مشخصه‌های ساختواژی در افعال مرکب با معنای «دچار آسیب شدن» ۷۴
- شکل ۴-۲۴. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «دچار آسیب شدن» ۷۶
- شکل ۴-۲۵. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «دچار آسیب شدن» ۷۸
- شکل ۴-۲۶. توزیع مشخصه‌های ساختواژی در افعال مرکب با معنای «اثر و رد نوشتاری» ۸۱
- شکل ۴-۲۷. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «اثر و رد نوشتاری» ۸۲
- شکل ۴-۲۸. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «اثر و رد نوشتاری» ۸۴
- شکل ۴-۲۹. توزیع مشخصه‌های ساختواژی در افعال مرکب با معنای «فریب» ۸۶
- شکل ۴-۳۰. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «فریب» ۸۸
- شکل ۴-۳۱. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «فریب» ۸۹
- شکل ۵-۱. نمودار تحلیل خوشه‌ای ۳۵ فعل مرکب با جزء فعلی «خوردن» ۹۴
- شکل ۵-۲. مقوله‌بندی معانی مختلف افعال مرکب با جزء فعلی «خوردن» (Family, 2006) ۹۸

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین وجوهی که زبان‌شناسی شناختی را از دیگر مکتب‌های زبان‌شناسی بخصوص زبان‌شناسی زایشی متمایز می‌کند، اهمیت کاربرد زبان در مطالعات زبانی است. این اهمیت تا حدی است که حوزه‌ای به نام زبان‌شناسی کاربردین^۱ به عنوان یکی از گرایش‌های زبان‌شناسی شناختی مطرح می‌شود. لفظ «کاربرد» در اینجا به طور مشخص بر شیوه به کارگیری یا استعمال زبان توسط گویشوران آن زبان اشاره دارد. در این رویکرد گفته می‌شود که کاربرد زبان، سابقه و ردی را در ذهن گویشوران به جا می‌گذارد که مبنای شکل‌گیری بازنمایی‌های مختلف (از جمله بازنمایی‌های معنایی) از عناصر زبانی می‌گردد. برخی از این بازنمایی‌ها بر اثر هم‌وقوعی و بسامد بالای کاربردها ارتباطات مستحکمی را در ذهن گویشور شکل می‌دهند و معانی بافتی منحصر به فردی را شکل می‌دهند که فقط با بررسی بافت کاربرد آنها می‌توان به وجود این معانی پی برد. استفاده از رایانه در تحلیل آماری متون الکترونیکی (پیکره‌های زبانی) و استخراج اطلاعات مربوط به کاربرد زبان، مزیت دیگری است که رویکرد کاربردین را از رویکردهای مبتنی بر تحلیل شمی داده‌های زبانی متمایز می‌کند.

در این پژوهش، معانی مختلف واژه «خوردن» در چارچوب زبان‌شناسی کاربردین و با استفاده از روش تحلیل پیکره‌ای بررسی شده است. تمرکز اصلی این پژوهش بر ساخت‌های فعلی است که در آنها جزء فعلی ثابت «خوردن» با جزء غیرفعلی نظیر «غذا»، «شکست» و غیره هم‌نشین می‌شود و یک ساخت فعلی مرکب را تشکیل می‌دهد. در بخش‌های ۱-۲ تا ۱-۴، ابتدا به شرح مسئله پرداخته و سپس ضرورت مطالعه آن و هدف از آن بیان خواهد شد. در بخش ۱-۵، سوالات و فرضیه‌های پژوهش ذکر خواهند شد. بخش ۱-۶ به محدودیت‌هایی اشاره خواهد کرد که بر انجام این پژوهش حاکم بوده‌اند. در بخش ۱-۷، برخی اصطلاحات مهم پژوهش تعریف خواهند شد.

۱-۲. بیان مسئله

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد زبان‌های طبیعی این است که واژه‌ها معانی متعددی دارند. اگر این تعدد معنایی انگیزه‌مند^۲ باشد به گونه‌ای که بتوان رابطه‌ای میان معانی مختلف یک واژه برقرار کرد، در این حالت با پدیده چندمعنایی^۳ روبرو هستیم. مثلاً در زبان فارسی یکی از معانی بنیادین کلمه «گرفتن»

^۱ usage-based linguistics

^۲ corpus

^۳ motivated

^۴ polysemy

به معنای «دریافت کردن» است. کلمه «گرفتن» همچنین دچار بسط استعاری نیز شده و به واسطه این فرایند می تواند معنای «فهمیدن» هم داشته باشد. بنابراین، دو معنی «دریافت کردن» و «فهمیدن» را می توان جزو معانی متفاوت اما مرتبط کلمه «گرفتن» در نظر گرفت.

در زبان فارسی پژوهش های گوناگونی در باب نحوه سازماندهی معانی مختلف یک واژه با یکدیگر صورت گرفته است. برای نمونه، یکی از موضوعات مناقشه برانگیز دستور زبان فارسی، طبقه بندی معانی مختلف مقولات فعلی است زیرا برخی افعال در زبان فارسی علاوه بر معنای بسیط یا اصلی خود، معانی فراوان دیگری را نیز در قالب افعال مرکب^۵ یا ساخت های فعل سبک^۶ می سازند. در افعال مرکب، کلیت فعل متشکل از یک جزء فعلی و غیرفعلی است. جزء فعلی که یکی از افعال «زدن»، «کردن»، «گرفتن»، «شدن»، «دادن» و غیره است، فعل سبک نامیده می شود. جزء غیرفعلی نیز یکی از واژه های عمدتاً اسمی یا صفتی زبان فارسی است که در کنار فعل سبک معنای واحدی را در ذهن برمی انگیزد. برای مثال افعال مرکب «دست زدن» و «دست کردن» دارای جزء غیرفعلی ثابت اما با افعال سبک متفاوت هستند که معانی متفاوتی را موجب می شوند. در حالتی دیگر، دو فعل مرکب «دست زدن» و «صدازدن» دارای اجزاء غیرفعلی متفاوت اما با جزء فعلی واحد هستند. در این حالت اخیر، معنای فعل سبک «زدن» در دو فعل مرکب، معنای واحدی ندارد که به علت هم نشین شدن آن با جزء های غیرفعلی متفاوت است.

سوال اساسی که در اینجا مطرح است، نحوه سازماندهی معانی مختلف یک واژه نظیر فعل «زدن» یا «خوردن» در واژگان ذهنی گویشور فارسی است: معانی مختلف فعلی نظیر «خوردن» کدامند و چگونه با یکدیگر مرتبط می گردند؟ چگونه می توان معانی مختلف یک واژه را به صورت سیستماتیک، غیرشمی و مبتنی بر داده های کاربرد زبان استخراج کرد؟ پژوهش هایی که در زبان فارسی انجام گرفته اند (دبیرمقدم^۷، ۱۹۹۷؛ کریمی^۸، ۱۹۹۷؛ کریمی دوستان^۹، ۱۹۹۷؛ فامیلی^{۱۰}، ۲۰۰۶، ۲۰۰۹)، به برخی جوانب این پرسش ها از جمله چیستی و رده بندی معانی مختلف با یکدیگر پرداخته اند. اما مسئله ای که منحصراً در پژوهش حاضر مورد تاکید قرار می گیرد، استفاده از روشی پیکره ای و کمی برای استخراج معانی و یافتن روابط میان معانی مختلف یک واژه است. در رویکرد مورد نظر این

^۵ complex predicates

^۶ light-verb constructions

^۷ Dabir-Moghaddam, M.

^۸ Karimi, S.

^۹ Karimi-Doostan. Gh.

^{۱۰} Family, N.

پژوهش، معانی واژگانی و تفکیک و رده‌بندی آنها بر اساس رفتار پیکره‌ای و ساخت کلان واژي-نحوي^{۱۱} ای که در آن واقع می‌شوند، معین می‌گردد.

۳-۱. ضرورت پژوهش

مطالعهٔ افعال موسوم به فعل مرکب در زبان فارسی همواره موضوعی مناقشه‌برانگیز بوده است. جدیدترین پژوهشی که در باب معنی‌شناسی این افعال صورت گرفته است (فامیلی، ۲۰۰۶، ۲۰۰۹)، تحلیلی برگرفته از دستور ساختی^{۱۲} (گلدبرگ^{۱۳}، ۲۰۰۳) از آنها ارائه داده است. در این تحلیل، افعال مرکب یک نوع ساخت تلقی می‌شوند که معنای کل ساخت (جزء غیرفعلی و جزء فعلی) همواره از معانی اجزاء تشکیل‌دهندهٔ آن قابل پیش‌بینی نیست، بلکه شبکه‌ای از خوشه‌های معنایی به هم مرتبط هستند که فامیلی آنها را جزیره‌های فعلی^{۱۴} می‌نامند. بنابراین جزء فعلی به واسطهٔ همنشینی با جزء‌های غیرفعلی متعدد، جزیره‌های معنایی مختلفی را می‌سازد که به صورت شبکه‌ای به یکدیگر متصل می‌شوند.

اگرچه فامیلی (۲۰۰۶) تحلیلی از انواع افعال مرکب فارسی و نحوهٔ شکل‌گیری شبکهٔ معنایی هر یک از افعال مرکب به دست داده است، اما وی در استخراج افعال مرکب و نیز اتصال جزیره‌های معنایی در قالب یک شبکهٔ معنایی، از روش نظام‌مندی که مبتنی بر داده‌های اصیل کاربرد زبان باشد بهره‌نجمسته است. در پژوهش حاضر، با استفاده از روش نظام‌مند تحلیل پیکره‌ای، انواع اجزاء فعلی ساخت فعل مرکب موردنظر استخراج شده و بر اساس داده‌های پیکره روابط معنایی بین آنها بررسی خواهد شد. اهمیت نظری این پژوهش، در ارزیابی و تکمیل رویکرد ساختی-شناختی فامیلی (۲۰۰۶) به فعل مرکب و اهمیت کاربردی آن در توصیف رفتار بافتی افعال مرکب برای استفاده از سامانه‌های پردازش زبان طبیعی است.

۴-۱. هدف پژوهش

اهداف کلی این پژوهش را می‌توان در قالب موارد زیر خلاصه کرد:

- استخراج پیکره‌بنیاد افعال مرکب با جزء فعلی «خوردن»
- بررسی شیوهٔ اتصال معنای مختلف افعال مرکب بر اساس کاربرد پیکره‌ای آنها

^{۱۱} lexico-syntactic

^{۱۲} Construction Grammar

^{۱۳} Goldberg, A.

^{۱۴} verb islands

- بررسی امکان استخراج معانی سرنمونی افعال مرکب از تحلیل مبتنی بر پیکره

۵-۱. سوالات پژوهش

سوالات اصلی پژوهش در قالب زیر صورتبندی شده است:

الف) در رویکرد ساخت‌بنیاد و پیکره‌ای به معنی، معانی مختلف یک واژه بر چه اساسی در قالب حوزه‌های معنایی مشابه طبقه‌بندی می‌شوند؟

ب) در رویکرد پیکره‌ای و ساخت‌بنیاد چگونه می‌توان معنا یا معانی سرنمونی (مرکزی) یک واژه را تشخیص داد؟

ج) تفکیک معانی براساس رویکرد ساخت‌بنیاد و پیکره‌ای چه تفاوتی با تفکیک‌های به‌دست‌آمده از روش‌های سنتی و غیرپیکره‌ای دارد؟

۶-۱. محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌های عمده‌ای که در انجام این پژوهش وجود داشت عبارتند از:

- استفاده از پیکره فارسی نوشتاری معیار با ژانر مطبوعاتی که تعمیم نتایج به دیگر گونه‌های فارسی را ناممکن می‌سازد.
- امکان بررسی و برچسب‌زنی ۲۰ نمونه جمله دارای فعل مرکب برای هر یک از ۳۵ عدد فعل مرکب انتخاب‌شده با جزء فعلی «خوردن» که در مجموع این تحلیل ۷۰۰ جمله را دربرمی‌گیرد. هر چه نمونه جملات بررسی شده بیشتر باشد، نتایج از دقت بیشتری برخوردار خواهد بود.
- محدودیت پردازشی در تحلیل پیکره ۱۵۰ میلیون کلمه‌ای همشهری که موجب شد گزیده‌ای تصادفی از این پیکره با تعداد حدوداً ۵۰ میلیون کلمه در پژوهش مورد استفاده قرار گیرد.

۷-۱. اصطلاحات تخصصی

- **پیکره^{۱۵}:** مجموعه‌ای از متون الکترونیکی حجیم و قابل پردازش با رایانه هستند. پیکره‌های زبانی، منابع مهمی برای پژوهش‌های داده‌بنیاد زبانی محسوب می‌شوند.

¹⁵ corpus

- **باهم آیی^{۱۶}**: به هم‌وقوعی معنادار و غیر تصادفی دو یا چند عنصر زبانی گفته می‌شود که با سنج‌های آماری مختلف از جمله اطلاعات متقابل (MI) می‌توان آن را سنجید.
- **اطلاعات متقابل^{۱۷}**: آماره^{۱۸}‌ای برگرفته از نظریه اطلاعات است که برای بیان شدت وابستگی میان دو واژه X و Y است. هر چه مقدار این آماره بیشتر باشد، نشان از شدت بیشتر وابستگی بین واژه‌ها دارد.
- **فهرست واژه‌نما^{۱۹}**: به فهرست نمونه‌های یافت‌شده کلیدواژه مورد جستجو در بافت زبانی‌اش گفته می‌شود. این فهرست به شکل جملات یا عبارت‌هایی است که کلیدواژه در مرکز آن قرار گرفته و بافت زبانی راست و چپ آن (که همان بافت جمله یا عبارت است) نمایش داده می‌شود.
- **فعل مرکب (ساخت فعل سبک)**: به افعالی گفته می‌شود که از کنارهم قرار گرفتن دو جزء غیرفعلی و فعلی ساخته می‌شوند و معنای کل آن متفاوت از مجموع معانی اجزای تشکیل‌دهنده آن است: مثلاً «ضربه خوردن»، «کار کردن».

¹⁶ collocation

¹⁷ Mutual Information

¹⁸ statistic

¹⁹ concordance

فصل دوم

پیشینه پژوهش

۲-۱. مقدمه

پژوهش‌های معناشناختی بسیاری در حوزه زبان فارسی انجام گرفته است. تمرکز این فصل، مرور پژوهش‌هایی است که بیشترین قرابت را با مسئله تحقیق حاضر داشته باشند. از این‌رو در ادامه، نگاهی به تعریف پدیده چندمعنایی خواهیم داشت و سپس ارتباط آن را با معنای افعال مرکب بررسی خواهیم کرد. سپس در بخشی دیگر، رویکردهای ساخت‌بنیاد و پیکره‌ای را در مطالعات معناشناختی مرور خواهیم کرد تا ارتباط مسئله فعلی پژوهش در بستر فراهم‌شده مشخص شود.

۲-۲. چندمعنایی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زبان‌های طبیعی، وجود چندمعنایی^{۲۰} در آنهاست. چندمعنایی زمانی روی می‌دهد که یک واژه دارای بیش از یک معنای مختلف اما به هم مرتبط باشد. چنانچه یک واژه با یک صورت واحد دارای معانی مختلف و غیرمرتبط باشد، به این رابطه معنایی هم‌آوایی^{۲۱} گفته می‌شود که مدنظر این پژوهش نیست.

در توصیف واژه‌های چندمعنا یک رویکرد این است که معانی جداگانه‌ای برای واژه چندمعنای موردنظر در نظر بگیریم. در این رویکرد، تلاشی برای درک روابط احتمالی میان معانی مختلف واژه چندمعنا صورت نمی‌گیرد. از این‌رو این رویکرد قدرت تبیینی مطلوبی ندارد و مانع فهم روابط معنایی و انگیزه نهفته در این ارتباطات معنایی می‌شود. رویکرد دیگر در توصیف واژه‌های چندمعنا این است که روابط معنایی مختلف واژه و انگیزه‌مندی آنها تبیین شوند. برای مثال واژه «بسته» را می‌توان نمونه‌ای از یک واژه چندمعنا به حساب آورد:

(۱) در ماشین بسته است.

(۲) پرونده جنایی بسته شد.

(۳) فضای فرهنگی کشور خیلی بسته است.

(۴) پلیس وقتی وارد خانه شد، دید دستان پیرمرد بسته است.

²⁰ polysemy

²¹ homonymy

واژه بسته در مثال‌های ۱ تا ۴ به معانی گوناگونی اشاره می‌کنند که همگی با صورت واحد «بسته» مرتبط هستند. در مثال ۱، «بسته» در معنای فیزیکی واژه که متضاد «باز» است به کار رفته است. در مثال ۲، واژه دارای معنای لفظی فیزیکی نیست و به‌طور استعاری به از جریان خارج شدن پرونده جنایی اشاره دارد. در مثال ۳، واژه «بسته» دلالت بر عدم وجود آزادی دارد. در مثال ۴، «بسته» به معنای نوعی محدودیت در حرکت فیزیکی است. آیا این معانی به یکدیگر مرتبط هستند یا ارتباطی با یکدیگر ندارند؟

تنوع معنایی که با صورت واژگانی «بسته» مرتبط هستند، ماهیت قراردادی یا دلخواهی ندارد، بلکه انگیزه‌مند^{۲۲} است. برای نمونه، در تحلیلی که از سوی برخی زبان‌شناسان شناختی^{۲۳} ارائه می‌شود، معانی مختلف و به هم مرتبط یک واژه چندمعنا می‌تواند بر اثر کاربرد آن واژه در بافت‌های مختلف زبانی و رویدادی و پیوند خوردن مکرر استنباط‌های بافتی ناشی از کاربرد واژه با صورت واژگانی به وجود آیند (تایلر و اوانز^{۲۴}، ۲۰۰۳). مثلاً در مورد واژه «بسته»، معنای فیزیکی واژه (که می‌توان آن را مبنای روابط معنایی بعدی واژه دانست (لیکاف^{۲۵}، ۱۹۸۷؛ بروگمان^{۲۶}، ۱۹۸۱)) به شرایطی دلالت دارد که موجب محدودیت در حرکت یا محدودیت در ارتباط بین دو فضای فیزیکی می‌شود. بنابراین در مثال ۱، «بسته» به معنای محدودیت در ارتباط فضای داخل ماشین و خارج آن است که از طریق تغییر وضعیت درب آن از حالت باز به بسته روی می‌دهد. در مثال ۲، این محدودیت در بین ارتباط فضاها حالت استعاری به خود می‌گیرد و بر قطع ارتباط بررسی‌کننده پرونده و خود پرونده دلالت دارد. در مثال ۳ نیز بسته بودن فضای فرهنگی ماهیتی استعاری دارد و به نبود آزادی اشاره می‌کند. از آنجا که قرار گرفتن در محیط فیزیکی بسته (که به بیرون راه ندارد) موجب محدودیت حرکت انسان و بی‌خبری از محیط خارج از آن مکان می‌شود، کاربرد مکرر واژه «بسته» با این معنای تجربی، معنایی را که در مثال ۳ آمده، به معنایی متمایز اما مرتبط با دیگر معانی «بسته» تبدیل می‌کند. در مثال ۴، به نظر می‌رسد واژه «بسته» در معنای فیزیکی و اصلی به کار رفته است که همان محدودیت در حرکت است. بنابراین معانی مختلف واژه‌ای نظیر «بسته» معاناهایی نظام‌مند و به هم مرتبط هستند و به شکل‌گیری واژه‌های چندمعنا می‌انجامند.

۳-۲. فعل مرکب و چندمعنایی

^{۲۲} motivated

^{۲۳} cognitive linguists

^{۲۴} Tyler, A. & Evans, V.

^{۲۵} Lakoff, G.

^{۲۶} Brugman, C.

زبان فارسی بر خلاف زبان‌هایی نظیر فرانسه و انگلیسی، دارای تعداد کمتری فعل ساده برای توصیف رویدادها در جمله است. برای جبران این کاستی، نظام فعلی زبان فارسی از ساخت افعالی به نام «فعل مرکب» بهره می‌برد. افعال مرکب، افعالی هستند که از یک بخش غیرفعلی نظیر اسم، صفت، قید، و غیره + فعل سبک تشکیل می‌شوند (کریمی دوستان، ۱۹۹۷). برای مثال، دو جمله زیر را در نظر می‌گیریم:

(۵) دست علی به لبه میز خورد.

(۶) دست علی در بازی ضربه خورد.

فعل «خورد» در جمله (۵) فعل ساده و در جمله (۶) فعل سبک است. در واقع فعل جمله (۶) یک فعل مرکب متشکل از جزء غیرفعلی «ضربه» و فعل سبک «خورد» است. تعداد افعال مرکبی که به واسطه ترکیب با فعل سبک «خوردن» شکل می‌گیرند، بسیار است. برخی از این افعال عبارتند از:

- غصه خوردن	- رودست خوردن	- چشم خوردن	- غذا خوردن
- لطمه خوردن	- جوش خوردن	- گره خوردن	- تاب خوردن
- تکان خوردن	- فریب خوردن	- افسوس خوردن	- رقم خوردن

قبل از اینکه به ماهیت چندمعنایی افعال مرکب پیش گفته پرداخته شود، برخی پژوهش‌ها که به افعال مرکب و شیوه تعامل معنایی اجزای فعل مرکب پرداخته‌اند مرور خواهند شد.

از منظر نظری، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به افعال مرکب فارسی وجود دارد. حتی در برخی از پژوهش‌ها تمایز میان افعال ساده و مرکب مردود دانسته شده است. مثلاً طبائیان^{۲۷} (۱۹۷۹) تقسیم‌بندی افعال به ساده و مرکب را در زبان فارسی مردود می‌دانند. وی استدلال می‌کند که آنچه به‌طور سنتی در زبان فارسی فعل مرکب خوانده می‌شود از سه نوع ساختار متفاوت برگرفته می‌شوند. وی مشخصاً در مورد گونه سوم افعال مرکب که موضوع پژوهش فعلی است، معتقد است که این نوع افعال مرکب به‌لحاظ زیرساختی، یک محمول^{۲۸} غیرفعلی (همان جزء غیرفعلی فعل مرکب) محسوب می‌شوند که در روساخت جملات نیازمند فعل کمکی (همان فعل سبک) هستند.

^{۲۷} Tabaian, H.

^{۲۸} predicate

برجسته^{۲۹} (۱۹۸۳) سازوکار شکل‌گیری افعال مرکب را فرآیندی زایا به حساب می‌آورد که در واژگان رخ می‌دهد. وی افعال مرکب را به‌طور کلی به دو دسته جدانشدنی و جدانشدنی تقسیم می‌کند. مثلاً افعال مرکبی نظیر «تقاضا کردن» و «حقه زدن» افعال جدانشدنی هستند، چرا که در مثال‌های زیر جزء غیرفعلی آنها نقش مفعول مستقیم را ایفا می‌کند و با نشانگر مفعولی «را» همراه می‌شود:

(۷) علی این تقاضا را از برادرش کرد.

(۸) متفقین حقه جالبی را به آلمان‌ها زدند.

در مقابل، افعال مرکب جدانشدنی قابلیت جدایی میان جزء غیرفعلی و فعلی را ندارند (دیرمقدم^{۳۰}، ۱۹۹۷: ۳۳):

(۹) * او این نفس را زد.

(۱۰) * علی این قدم را زد.

برجسته در طبقه‌بندی خود از افعال مرکب با جزء فعلی «زدن»، ماهیت جزء غیرفعلی را ملاک قرار داده و به چند طبقه‌بندی معنایی اشاره می‌کند. مثلاً در دسته نخست اجزاء غیرفعلی به رویدادی اشاره دارند که به‌طور متناوب تکرار می‌شوند، نظیر «پازدن»، «بال زدن»، «لیس زدن»، «حرف زدن» و غیره. در دسته دوم، جزء غیرفعلی به نوعی صدای ممتد و ادامه‌دار اشاره دارد: «جیغ زدن»، «بوق زدن»، «فلوت زدن»، «شیپور زدن» و غیره. در دسته سوم، جزء غیرفعلی، به نوعی ماده یا مایع اشاره دارد که بر سطحی اعمال یا مالیده می‌شود، مانند: «رنگ زدن»، «روغن زدن»، «واکس زدن»، «سرخاب زدن» و غیره. در دسته دیگر، جزء غیرفعلی، به نوع ترفند و حيله اشاره دارد، نظیر «حقه زدن»، «گول زدن»، «نارو زدن»، «کلک زدن» و غیره.

در پژوهشی دیگر، محمد و کریمی^{۳۱} (۱۹۹۲) به بررسی افعال مرکب فارسی در چارچوب یکی از نظریه‌های صورت‌نگرای نحوی پرداخته‌اند. ادعای مهمی که در این مقاله صورت گرفته این است که در افعال مرکب، جزء فعلی فعل «سبک» است بدان معنا که فاقد محتوای معنایی است. از این رو عنصر غیرفعلی معنای اصلی فعل را دربر دارد.

²⁹ Barjasteh, D.

³⁰ Dabir-Moghaddam, M.

³¹ Mohammad, J. and Karimi, S.

دیرمقدم (۱۹۹۷) در طبقه‌بندی خود از افعال مرکب، قائل به دو نوع فرآیند انضمام^{۳۲} و ترکیب^{۳۳} است که منجر به تولید افعال مرکب می‌شود. در فرآیند انضمام، مفعول مستقیم جمله حالت مفعولی خود را از دست می‌دهد و جزئی از فعل می‌شود. در این حالت، علامت مفعول مستقیم یا همان «را» حذف می‌شود و فعل به صورت فعل لازم درمی‌آید:

(۱۱) علی غذا/یش را خورد. (قبل از انضمام اسم)

(۱۲) علی غذا/خورد. (بعد از انضمام اسم)

دیرمقدم در باب معنای جمله انضمامی و مابه‌ازای غیرانضمامی آن می‌گوید که در حالت انضمامی، اسمی که به فعل منضم شده است، غیرارجاعی است و معنی کلی دارد؛ اما در حالت غیرانضمامی، اسم جمله که همان مفعول مستقیم است، ماهیت ارجاعی دارد. در طبقه‌بندی دیرمقدم، مابقی افعال مرکب که جزئی اسمی آنها مابه‌ازای غیرانضمامی (مفعول مستقیم) ندارد، مشمول فرآیند ترکیب می‌شوند.

۲-۴. رویکرد ساخت‌بنیاد به معنا

اگرچه موضوع ساخت‌های زبانی در گوشه و کنار آثار زبان‌شناسان مختلف آمده است، صورت‌بندی نظری و جدی آن در حوزه زبان‌شناسی شناختی معمولاً با اثر گلدبرگ^{۳۴} (۱۹۹۵) شناخته می‌شود. وی در این اثر شواهدی در پشتیبانی از این فرضیه به دست می‌دهد که ساخت‌های ساده جمله‌واره‌ای^{۳۵} مستقیماً با ساختارهای معنایی مرتبط هستند و این ساختارهای معنایی بازتابی از صحنه^{۳۶}‌های بنیادین تجربه انسان هستند. تمرکز گلدبرگ (۱۹۹۵) بر ساخت موضوعی جملات است و در عمده توصیفات خود از این پدیده می‌کوشد که ظرایف معنایی و وجه تمایز جملات به ظاهر مترادف را تبیین کند. گلدبرگ (ص. ۴) در تعریف یک ساخت زبانی می‌گوید که C یک ساخت است اگر و تنها اگر C جفت صورت-معنا باشد به گونه‌ای که برخی از جوانب معنایی یا برخی از جوانب صورت ساخت C به طور تمام و کمال از روی اجزای تشکیل‌دهنده آن پیش‌بینی پذیر نباشد. طبق این تعریف، دامنه عناصری که بتوان آنها را یک ساخت زبانی محسوب کرد، گسترده می‌شود. مثلاً در گلدبرگ (۲۰۰۳) ذکر شده که دامنه ساخت‌های

³² incorporation

³³ combination

³⁴ Goldberg, A.

³⁵ clausal

³⁶ scene

زبانی از عناصر کوچکی چون تکواژ آغاز شده و تا ساخت‌های کلان‌تر نظیر ساخت مجهول را در بر می‌گیرد. در میان این طیف ساخت‌هایی مانند اصطلاحات^{۳۷} نیز قرار دارند.

از آنجا که ساخت‌های زبانی، هر چند هم به گسترگی یک جمله باشند، واحدهای بنیادین معنایی تلقی می‌شوند، پژوهشگران حوزه زبان‌شناسی رایانه‌ای و پردازش زبان طبیعی را بر آن داشته که از این رویکرد متفاوت به زبان در بهبود عملکرد سامانه‌های پردازش زبان طبیعی بهره گیرند. برای نمونه، آدال و ایلس^{۳۸} (۲۰۱۰) گزارشی از مطالعه اولیه خود برای گردآوری فهرست ساخت‌های فعلی-موضوعی در زبان انگلیسی بر اساس صورت، نقش و الگوی به کارگیری آنها به دست می‌دهند. برای این منظور، آدال و ایلس پیکره‌ای ۱۰۰ میلیون کلمه‌ای از پیکره ملی بریتانیا^{۳۹} را که به لحاظ مقوله واژگانی و نحوی برچسب‌دهی شده است، جستجو کردند تا ساخت‌های فعلی-موضوعی را بیابند. نتیجه این جستجو عبارت است از: (۱) گونه (غیرمکرر) افعالی که در هر ساخت به کار می‌روند، (۲) تعیین رتبه بسامدی این افعال و (۳) تعیین شدت وابستگی این افعال به ساخت‌هایی که در آنها یافت می‌شوند.

بعدی دیگر از رویکرد ساخت‌بنیاد به معنی‌شناسی، پژوهش‌هایی است که به ویژگی‌های معنایی هم‌وقوعی‌های زبانی یا باهم‌آیی^{۴۰}ها پرداخته‌اند (استابز^{۴۱}، ۱۹۹۵؛ ژیانو و مک‌انری^{۴۲}؛ ۲۰۰۶). باهم‌آیی هم‌وقوعی معنادار (غیرتصادفی) حداقل دو عنصر (کلمه) زبانی می‌گویند. در پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه نشان داده شده که معنای هم‌آیندها را نمی‌توان تمام و کمال از اطلاعات معنایی تک تک عناصر تشکیل‌دهنده آن به دست آورد. مثلاً استابز (۱۹۹۵) با مطالعه بافت کاربردی (در بازه ± 3 واژه) کلمه cause در پیکره ۱ میلیون کلمه‌ای لانکاستر-اسلو-برگن^{۴۳}، دریافت که حدود ۸۰ درصد از هم‌آیندهای این واژه در پیکره با هم‌آیندهای منفی، ۱۸ درصد با هم‌آیندهای خنثی، و ۲ درصد با هم‌آیندهای مثبت به کار رفته‌اند. مثلاً برخی از هم‌آیندهای کلمه cause که در نقش فاعل یا مفعول فعل و یا در نقش مفعول حرف اضافه‌ای کاربرد اسمی آن واقع شده‌اند شامل کلماتی چون abandonment، anger، accident، anxiety، antagonism، annoyance می‌شود. به بیان دیگر گفته می‌شود که کلمه cause در زبان انگلیسی دارای نمای معنایی^{۴۴} یا نوای معنایی^{۴۵} منفی است.

³⁷ idioms

³⁸ O'Donnell, M. B. & Ellis, N.

³⁹ British National Corpus (BNC)

⁴⁰ collocation

⁴¹ Stubbs, M.

⁴² Xiao, R. & McEnery, T.

⁴³ Lancaster Oslo Bergen (LOB)

⁴⁴ Semantic profile

⁴⁵ Semantic prosody

موسوی میانگاه^{۴۶} (۲۰۰۷) از اطلاعات معنایی مستتر در ساخت‌های زبانی هم‌آیند^{۴۷} استفاده می‌کند تا مشکل ابهام‌زدایی واژگانی در یک سامانه ترجمه ماشینی انگلیسی به فارسی را بهبود بخشد. در روش پیشنهادی وی هم‌وقوعی معادل‌های مختلف واژه مبهم در زبان مقصد (فارسی) با استفاده از یک پیکره زبانی و همچنین روش آماری اطلاعات متقابل^{۴۸} محاسبه می‌شود و سپس محتمل‌ترین معادل برای هر واژه مبهم انتخاب می‌شود. مثلاً در ترجمه عبارت nuclear talks resumption به فارسی، هر سه کلمه تشکیل‌دهنده عبارت دارای معانی چندگانه در دیشکنری فارسی هستند:

nuclear: هسته‌ای، اتمی، مغزی

talk: مذاکره، گفتگو، صحبت، حرف

resumption: ادامه، تجدید، شروع، ازسرگیری

با محاسبه اطلاعات متقابل میان جفت‌های کلمات عبارت فوق، مشخص می‌شود که جفت‌های «ازسرگیری» و «مذاکرات» از یک سو و «مذاکرات» و «هسته‌ای» از سوی دیگر دارای بالاترین نمره اطلاعات متقابل در پیکره زبانی هستند. بنابراین، عبارت «ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای» به واسطه بسامد هم‌وقوعی بالای آن در زبان فارسی، یک ساخت محسوب می‌شود که معنا و کارکرد^{۴۹} کل عبارت در گفتمان سیاسی ایران حاصل جمع معنای تک‌تک عناصر تشکیل‌دهنده آن نیست.

در پژوهشی دیگر، هیلپرت^{۵۰} (۲۰۰۶) با تکیه بر چارچوب نظری ساخت‌بنیاد و روش تحلیل پیکره‌ای نشان می‌دهد که باهم‌آیی‌ها سرنخ‌های نیرومندی در شناسایی مجاز^{۵۱} (گونه‌ای از زبان تصویری که معمولاً جزئی از یک کل برای دلالت به کل به کار گرفته می‌شود: نظیر استفاده از واژه «تهران» به جای «دولت ایران») هستند. به عبارت دیگر وی نشان می‌دهد که مجازها عموماً آزادانه و بی‌قیدوبند در زبان به کار گرفته نمی‌شوند بلکه در الگوها و قالب‌های نحوی خاصی بروز می‌کنند. برای مثال، وی الگویی را استخراج می‌کند که در آنها کلمه eye به مجاز برای دلالت بر «قیافه» یا «وجنات» به کار رفته است و استفاده از eye در این الگو است که معنای مجاز گونه آن را القا می‌کند (ص. ۱۳۹):

الگو: NP in POSS eye

⁴⁶ Mosavi Miangah, T.

⁴⁷ collocate

⁴⁸ Mutual Information

⁴⁹ function

⁵⁰ Hilpert, M.

⁵¹ metonymy

... said Uncle Albert with a [twinkle]_{NP} in [his]_{POSS} eye.
A [gleam]_{NP} came into [his]_{POSS} eye.

در حوزه تفکیک معانی واژگانی مبتنی بر پیکره‌های زبانی، پژوهش‌هایی در زبان انگلیسی (گریز^{۵۲}، ۲۰۰۶) و روسی (دیویاک^{۵۳} و گریز، ۲۰۰۶) انجام شده است. ایده نظری به کاررفته در این پژوهش‌ها، ایده‌نمای رفتاری^{۵۴} (هنکس^{۵۵}، ۱۹۹۶) است. نمای رفتاری یک واژه، به مشخصه‌های واژی، نحوی، نقشی ساخت‌هایی گفته می‌شود که آن واژه در آنها واقع می‌شود و بین این ساخت‌ها تمایز معنایی وجود دارد. برای نمونه گریز (۲۰۰۶) با استفاده از این روش شناسی بافت‌محور معانی مختلف کلمه run در زبان انگلیسی را استخراج می‌کند و در تحلیل آماری خود از نمای رفتاری این واژه درمی‌یابد که معنای «دویدن» از بین معانی متعدد این واژه، معنای سرنمونی^{۵۶} آن است.

رویکرد ساخت‌بنیاد به معنا آنگونه که مدنظر پژوهش فعلی است، در زبان فارسی سابقه چندان طولانی ندارد و اکثر پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه عمدتاً توسط زبان‌شناسان خارج از ایران و به زبان انگلیسی منتشر شده‌اند. برای نمونه، گلدبرگ (۲۰۰۳) از منظر دستور ساختی، افعال مرکب فارسی (یا ساخت‌های فعل سبک) را بررسی می‌کند و تلاش می‌کند با استفاده از سازوکارهای نظری دستور ساختی تبیینی از الگوهای کارکردی این ساخت‌ها به دست دهد. به گفته وی این افعال از آن جهت ساخت محسوب می‌شوند که برخی ویژگی‌ها و الگوهای کاربردی آنها از نحوه کاربرد اجزای تشکیل‌دهنده آنها قابل پیش‌بینی نیست. در واقع این ساخت‌ها گاهی همانند یک واحد واژگانی عمل می‌کنند که دگرگونی را برنمی‌تابد و گاهی همانند یک عبارت که می‌توان ساختار آن را دگرگون کرد. مثلاً معنای فعل «ضربه خوردن» حاصل مجموع معانی دو عنصر «ضربه» و «خوردن» نیست، بنابراین هر دو جزء در کنار یکدیگر همانند یک عنصر واژگانی واحد عمل می‌کنند. از سوی دیگر، در برخی موارد می‌تواند میان این دو جزء فاصله انداخت و عنصری را در میانشان آورد: علی‌/این مسئله ضربه سختی خورده است.

⁵² Gries, S. T.

⁵³ Divjak, D.

⁵⁴ behavioral profile

⁵⁵ Hanks, P.

⁵⁶ prototype: معنای سرنمونی، نخستین مفهوم یا معنا از معانی متعدد واژه است که در مواجهه با آن واژه به ذهن متبادر می‌شود؛ از این رو

به تعبیری معنای مرکزی محسوب می‌شود. مثلاً در مواجهه با واژه «پرنده»، القای معنایی با تصویر گنجشک در مقایسه با معنایی با تصویر

پنگوئن، مرکزی‌تر است و بنابراین سرنمون این واژه خواهد بود.

فامیلی (۲۰۰۶) به موضوع ساخت‌های فعل سبک (فعل مرکب) در زبان فارسی می‌پردازد. وی به بررسی انواع ساخت‌های فعل سبک در زبان فارسی پرداخته و دسته‌بندی‌ای از آنها ارائه می‌دهد. بر اساس دستور ساختی، ساخت‌های دارای فعل سبک در زبان فارسی، حدفاصل بین واژگان (فرهنگ لغات ذهنی) و دستور زبان را تشکیل می‌دهند. یعنی این ساخت‌ها هم ویژگی‌های منحصربه‌فرد از خود بروز می‌دهند (که باید در واژگان ذهنی فهرست شوند) و هم زایایی دارند و می‌توان ساخت‌های جدیدی با استفاده از آنها ساخت. رفتار کاربردی ساخت‌های دارای فعل سبک در زبان فارسی با تعریف رویکرد ساخت‌بنیاد از آن جهت مطابقت می‌کند که این معنای این ساخت‌ها صرفاً از روی کلمات تشکیل‌دهنده آنها پیش‌بینی‌پذیر نیست. فامیلی (۲۰۰۹) بسامد ساخت‌های فعل سبک و خطاهای تعمیمی ناشی از کاربرد آنها را در زبان گفتاری دو کودک به‌نام‌های مینو و لیلیا بررسی کرده است. طبق یافته‌های وی، بسامد ساخت‌های دارای فعل سبک در گفتار کودکان و گفتاری که از سوی والدین با آنها صحبت می‌شود، متغیر است. طبق یافته‌های پژوهش، ساخت‌های فعل سبک به‌طور افزایشی در گفتار کودکان ظاهر نمی‌شوند، بلکه افعال سبکی مانند «کردن» و «شدن» تشکیل‌دهنده میزان قابل توجهی از ساخت‌های فعل سبک در تولید گفتاری کودکان هستند. همچنین طبق نتایج پژوهش، کودکان از ویژگی‌های معنایی منحصربه‌فرد ساخت‌های فعل سبک در گفتار خود استفاده می‌کنند و از آنها به‌طور زایا در تولید ساخت‌های جدید بهره می‌گیرند.

از آنجا که در تحقیقات صورت گرفته بر روی افعال مرکب فارسی، شواهد پیکره‌ای در دسته‌بندی معانی آنها به‌طور نظام‌مند و سیستماتیک مورد استفاده قرار نگرفته است، پژوهش حاضر در نظر دارد با استفاده از تحلیل پیکره‌ای و در چارچوب سوالات پژوهش، به دسته‌بندی معانی مختلف فعل مرکب مورد تحقیق بپردازد.

فصل سوم

روش پژوهش

۳-۱. مقدمه

در این فصل روش شناسی مورد استفاده در بررسی معانی مختلف فعل سبک «خوردن» تشریح خواهد شد. ابتدا خلاصه‌ای از چارچوب نظری پژوهش معرفی و مراحل موردنظر آن بیان خواهد شد. سپس پیکره زبانی استفاده شده در پژوهش معرفی خواهد شد. در ادامه، نرم‌افزار مورد استفاده برای استخراج داده‌های زبانی از پیکره و برخی قابلیت‌های کلیدی نرم‌افزار معرفی خواهد شد. در پایان، روال انجام پژوهش که شامل استخراج افعال مرکب از پیکره و برچسب‌دهی آنها بر اساس مشخصه‌های زبانی است، تشریح خواهد شد.

۳-۲. چارچوب نظری

این پژوهش بر اساس روش تحلیل نمای رفتاری^{۵۷} (گریز، ۲۰۱۰) انجام گرفته است. در این روش که روشی مبتنی بر تحلیل داده‌های پیکره‌ای زبان است، تمام ویژگی‌های بافتی یک واژه یا عبارت زبانی (که مدنظر پژوهشگر است) در قالب برچسب‌های واژگانی، نحوی، معنایی، گفتمانی و غیره ثبت می‌شوند و سپس به صورت آماری تحلیل می‌شوند. گریز (۲۰۱۰) چهار مرحله را در تحلیل نمای رفتاری عناصر زبانی برمی‌شمارد:

- مرحله ۱: بازیابی تمام (یا منتخبی تصادفی از) نمونه‌های بن‌واژه کلمه یا کلماتی که قرار است مورد مطالعه قرار گیرند در قالب فهرست واژه‌نما^{۵۸}. فهرست واژه‌نما، فهرستی از نمونه‌های مستخرج از پیکره است که پشت سرهم فهرست می‌شوند و در آنها کلیدواژه مورد جستجو در مرکز فهرست واقع شده و می‌توان بافت جمله مورد نظر را به همراه کلیدواژه مطالعه کرد. برای مثال می‌توان به نمونه زیر اشاره کرد که در آن صورت‌های مختلف بن‌واژه «خورد» در وسط فهرست واژه‌نما واقع شده است:

جدول ۳-۱. نمونه‌ای از فهرست واژه‌نما برای بن‌واژه «خورد»

خود را به سست کردن پایه‌های آرزایان همه نهادهای مدنی تازه با معطوف کرده است و تمایل آشکاری به چشم می‌خورد تا به قول خود ایشان "بساطدموکراسی دروغین و پوشالی" از جنس خانه سینما برای همیشه جمع شود. سخنان ایشان
چسب شکار پر نده آغشته می‌کرد و با تکه‌های پنیر برای آنها دام می‌گذاشت. وقتی که زاغچه‌ها طعمه را می‌خوردند هانز ریسمن را می‌کشید و قلاده به پرنده می‌چسبید و او را از پرواز بزمی داشت. درباره هانز پس
رانجام هم توانست او را نجات دهد. اگر چه در «باو حرف بز» نشانه‌هایی از فوق‌العاده بودن به چشم می‌خورد اما تلاش برای نمایش واقعیت گرایان و اشناسانه، کار جدیدی است و «الموندو» آرامشی فراخ از تصور در اث
آن دم می‌زند و بر رواج آن با حضورت با فشاری می‌گردند به هیچ‌روی با نیازها و خواسته‌های عمومی گره نخورده‌بود. در جدیدترین شماره این < نشریه سپهر فنر - گزارش اصلی - > و تو هم بزرگ >، ای کاش هوا سردود >، یک
شغول خوردن می‌شوند. ساعت ۶ بعد از ظهر است و من به صرافت می‌افتم که بپرس: بچه‌ها، شما امروز ناهار نخوردین؟ علی می‌گوید: نه، نشد وقت نکردیم! اما سعید همانطور که نان خالی را لقمه می‌کند و در دهان می‌گذارد
ناکس گردنش را کج کرد و خورد به گردنش! - یعنی به همین راحتی کشش؟ - نه. نمرد. قیلا! چند تا چاقو خورده بود تو ی کمرش و سینه اش. بعد هم نمرد. من فرار کردم. کلی راه دنیالم می‌دوید. بعد سر کوجه ایستاد و شرو
می‌دهد. اما پسر ها با کاز های نمایشی خنده دار و یار دو بل کردن ضربه های مشت با دوستان، یا به زمین خوردن و حتی تلقک بژی شوخ طبعی خود را نشان می‌دهند. گردنک دبستانی با لطفه گویی می‌تواند نگرانی اش را بپو
گروید، تغییراتی که در ترجمه این سوره می‌شود آورد و مفهوش را ا هم حفظ کرد بی آنکه صدمه ای به اصل پیام بخورد و ضمنا حتی آن پیام را برجسته تر، کوبنده تر، رساتر و زیباتر بیان کرد، می‌تواند شامل الگوی بالا باشد
شق را پریت می‌کند، سرش را برمی‌گرداند، هر از گاهی جیغ می‌زند و در نهایت شروع به گریه کردن می‌کند، نمی‌خورد، نمی‌خورد، نمی‌خورد... مادر که این برنامه کار هر روز اوست، دیگر خسته شده، وعده و وعده‌ها و قصه

⁵⁷ behavioral profile

⁵⁸ concordance

- مرحله ۲: تحلیل دستی و برچسب‌زنی مشخصه‌های زبانی بن‌واژه‌ها. گریز (۲۰۱۰) بر اساس پژوهش آتکینز^{۵۹} (۱۹۸۷)، نام این مشخصه‌ها را برچسب‌های آی.دی^{۶۰} می‌گذارد که شامل مشخصه‌های ساختواژی، نحوی، معنایی و غیره می‌شود. مشخصه‌های زبانی (ساختواژی، نحوی، معنایی و غیره) فهرست خاصی ندارند و بسته به ضرورت پژوهش و مسئله‌ای که پژوهشگر در ذهن دارد از سوی او تعیین می‌شود (جدول ۳-۲).

جدول ۳-۲. گزیده‌ای از برچسب‌های آی.دی نمونه

نوع برچسب آی.دی	برچسب آی.دی	سطوح برچسب آی.دی
ساختواژی	زمان	حال، گذشته، آینده
	نمود	کامل، استمراری
	صیغه	معلوم، مجهول
	شمار	مفرد، جمع
	شخص	اول، دوم، سوم
...		
نحوی	نوع جمله	اخباری، امری، عاطفی، پرسشی
	نوع جمله‌واره	مستقل، وابسته
معنایی	نوع محمول‌های اسمی	انتزاعی/ملموس؛ جاندار/غیرجاندار، ...
	کنترل‌پذیری کنش‌ها	زیاد/متوسط/کم

- مرحله ۳: تبدیل داده‌های حاصل از مرحله دوم به جدول هم‌وقوعی. در جدول هم‌وقوعی، بسامد نسبی هم‌وقوعی هر بن‌واژه با هر یک از برچسب‌های آی.دی ثبت می‌شود.
- مرحله ۴: ارزیابی داده‌های هم‌وقوعی به‌دست آمده از مرحله ۳ به‌وسیله روش‌های آماری نظیر تحلیل خوشه‌ای.

۳-۳. پیکره زبانی

پیکره مورد استفاده در این پژوهش، پیکره‌ای ۵۰ میلیون کلمه‌ای است که به‌صورت تصادفی از پیکره ۱۵۰ میلیون کلمه‌ای همشهری ۲ نمونه‌گیری شده است. پیکره همشهری ۲ توسط گروه تحقیقاتی پایگاه داده دانشگاه تهران تهیه شده است (آل احمد^{۶۱} و همکاران، ۲۰۰۹) که دربرگیرنده متون

⁵⁹ Atkins, B. T. S.

⁶⁰ ID tags

⁶¹ AleAhmad, A.

مطبوعاتی روزنامه همشهری با موضوعات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی و غیره است. مطالب این پیکره بازه زمانی از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۷ را دربر می گیرند.

۳-۴. نرم افزار پردازش پیکره

در این پژوهش از نرم افزار AntConc (آنتونی^{۶۲}، ۲۰۱۱) برای استخراج نمونه های مورد نظر فعل سبک «خوردن» استفاده شده است. این نرم افزار قادر است پیکره های بزرگی را در قالب فایل های متنی پردازش کند. برخی از مهم ترین قابلیت های این نرم افزار عبارتند از:

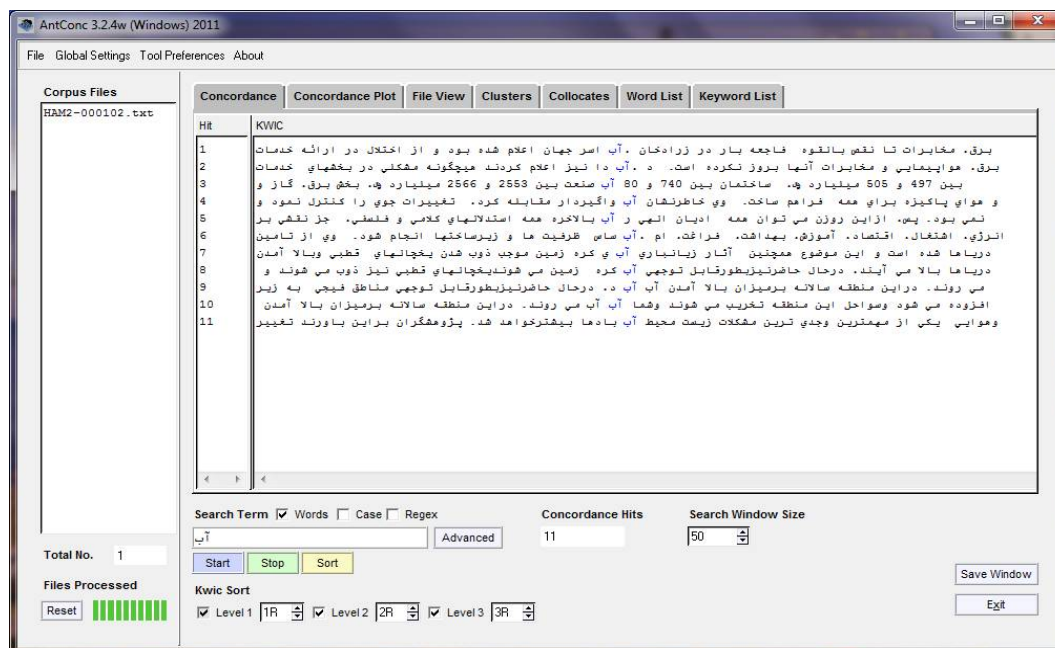
- پشتیبانی از استاندارد یونی کد برای پردازش خط فارسی.
- قابلیت جستجوی کلیدواژه های مورد نظر به صورت فهرست واژه نما. در فهرست واژه نما، قابلیت مرتب سازی الفبایی همسایگی های راست و چپ کلیدواژه وجود دارد.
- قابلیت جستجوی یک کلیدواژه در بافت واژگانی کلمه ای دیگر، با امکان تعیین بازه جستجو نسبت به چپ و راست کلیدواژه. برای مثال، می توان معین کرد که نرم افزار تمام نمونه هایی را استخراج کند که در آنها واژه «خوردن» در بافت واژه «ضربه» و در همسایگی دو واژه نسبت به چپ و راست کلیدواژه (همان «خوردن») به کار رفته باشد.
- استخراج باهم آیی های واژگانی با استفاده از دو مقیاس آماری نمره تی^{۶۳} و اطلاعات باهم آیی ها، واژه هایی هستند که هم وقوعی آنها تصادفی نیست. مثلاً دو کلمه «نان» و «پنیر» در عبارت «نان و پنیر» هم آیند یکدیگر محسوب می شوند و یک کل معنایی را می سازند.
- قابلیت محاسبه بسامد واژه های پیکره و مرتب سازی آنها بر اساس بسامد.
- قابلیت استخراج خوشه های واژگانی و عبارات n-نگاشتی^{۶۵} از پیکره.

^{۶۲} Anthony, L.

^{۶۳} T-score

^{۶۴} Mutual Information (MI)

^{۶۵} N-gram



شکل ۳-۱ محیط نرم افزار پیکره‌ای AntConc

شکل ۳-۱ محیط نرم افزار AntConc را نشان می‌دهد که در آن فهرست واژه‌ها برای کلیدواژه «آب» نشان داده شده است.

۳-۴. روال انجام پژوهش

هدف این پژوهش بررسی معانی مختلف فعل سبک «خوردن» با استفاده از ابزار پیکره‌ای است. بنابراین از آنجا که افعال سبک با اجزاء غیرفعلی متعددی همنشین می‌شوند و یک فعل مرکب را می‌سازند، نیاز است اجزاء غیرفعلی فعل سبک «خوردن» مورد جستجو و شناسایی قرار گیرند. پس از شناسایی اجزاء غیرفعلی، تعداد ۳۵ فعل مرکب که متشکل از این اجزاء غیرفعلی + فعل سبک «خوردن» هستند، براساس بسامد آنها در پیکره انتخاب شده و از هر فعل مرکب تعداد ۲۰ نمونه به‌لحاظ مشخصه‌های زبانی (برچسب‌های آی.دی) تحلیل شدند تا نمای رفتاری آنها به دست آید.

به‌منظور آماده‌سازی پیکره، در ابتدا نمونه‌ای ۵۰ میلیون کلمه‌ای (حدود یک سوم) از پیکره همشهری ۲ به صورت تصادفی نمونه‌گیری شد تا به‌عنوان پیکره پژوهش مورد استفاده قرار گیرد. ضرورت این نمونه‌گیری را حجم پیکره و میزان زمان موردنیاز برای پردازش آن تعیین می‌کند. از آنجا که پردازش

پیکره همشهری ۲ با حجم تقریبی ۱۵۰ میلیون کلمه، بسیار زمانبر بود، لذا تصمیم گرفته شد که یک سوم از آن انتخاب و در پژوهش به کار گرفته شود.

به منظور استخراج افعال مرکبی که جزء فعلی «خوردن» دارند، از روش آماری اطلاعات متقابل (MI) استفاده شد. در واقع استفاده از اطلاعات متقابل، تمام هم‌آیندهای موثر یک کلیدواژه را از پیکره استخراج می‌کند و میزان به هم‌بستگی هم‌آیند و کلیدواژه موردنظر را با تخصیص یک عدد مشخص می‌کند. هر چه مقدار این عدد بالاتر باشد، نشان‌دهنده شدت وابستگی کلیدواژه و هم‌آیند آن خواهد بود. از آنجا که در افعال مرکب، جزء غیرفعلی و جزء فعلی (فعل سبک) عموماً در مجاورت یکدیگر واقع می‌شوند، انتظار می‌رود که روش اطلاعات متقابل بتواند هم‌آیندهای (یا همان اجزاء غیرفعلی) کلیدواژه موردنظر پژوهش (که همان جزء فعلی «خوردن» است) را بیابد.

فرمول استخراج باهم‌آیی‌های موثر بر اساس اطلاعات متقابل عبارت است از (استانز، ۱۹۹۵):

$$I(n,c) = \log_2 \frac{f(n,c) \times N}{f(n)f(c)}$$

در فرمول فوق، I اطلاعات متقابل، n کلیدواژه و c هم‌آیند n است. طبق این فرمول، اطلاعات متقابل دو واژه n و c با بسامد رخداد مشترک آنها و نیز سائز پیکره (N) نسبت مستقیم و با بسامد رخداد مستقل هر یک از واژه‌های n و c نسبت عکس دارد. طبق یافته چرچ و هنکس^{۶۶} (۱۹۹۰)، مقادیر بالای ۳ برای I ، نشانگر بهتری از باهم‌آیی‌های موثر برای واژه‌های موردنظر خواهد بود.

مشکلی که در استخراج افعال مرکب با جزء فعلی «خوردن» وجود دارد، صرف‌شدن جزء فعلی است. برای مثال، فعل «خوردن» در قالب‌های صرفی گوناگونی نظیر «خوردم»، «می‌خوردی»، «خورده است» و غیره می‌تواند ظاهر شود و از آنجا که پیکره کار پیکره‌ای فاقد برچسب‌های اجزای کلام و اطلاعات مربوط به بن‌واژه‌ها است، لذا نمی‌توان در آن از جستجوی بن‌واژه فعل «خوردن» استفاده کرد. در پیکره‌هایی که اطلاعات بن‌واژه‌ها موجود است، تمام صورت‌های صرفی یک فعل با یک بن‌واژه واحد شناخته می‌شوند و بنابراین با وارد کردن بن‌واژه تمام صورت‌های صرفی بازیابی می‌شوند. به منظور غلبه بر این مشکل، از صورت واژگانی «خور» که در تمام صورت‌های صرفی مشترک است برای یافتن هم‌آیندهای موثر استفاده شد. سپس هم‌آیندهای به دست آمده بر اساس بسامد مرتب شدند و هم‌آیندهایی که ضریب تاثیر آنها (برحسب MI) بالای ۴ بود، انتخاب شدند. سپس فهرست

^{۶۶} Church, K. & Hanks, P.

واژه‌نمای هر یک از این هم‌آیندها در بافت کلیدواژه (جزء فعلی «خوردن») بررسی شدند و داده‌های نامرتب پالایش شدند تا صرفاً داده‌هایی باقی بمانند که تشکیل فعل مرکب می‌دهند.

هم‌آیندهایی (یا اجزای غیرفعلی) که به ترتیب بسامدشان^{۶۷} مرتب شدند عبارتند از:

جدول ۳-۳. اجزای غیرفعلی به‌دست آمده برای فعل سبک «خوردن» از پیکره

هم‌آیند (جزء غیرفعلی فعل مرکب)	بسامد در پیکره
(به) چشم	۲۲۴۸
شکست	۱۳۶۱
غذا	۵۸۲
رقم	۴۱۶
گره	۳۹۸
(به) درد	۳۰۳
تکان	۲۹۱
پیوند	۲۶۰
ضربه	۲۴۷
گل	۲۳۸
زمین	۱۹۱
کتک	۱۴۴
برهم	۱۳۱
قسم	۱۲۷
خاک	*۱۰۰
فریب	۱۱۵
لطمه	۱۱۲
صبحانه	*۹۰
خط	۸۳
افسوس	۷۹
خون	۷۷
غصه	۶۸
چای	۶۱
سوگند	۵۸
تاسف	*۶۸
ناهار	۵۰
تاب	۵۰
برگشت	۴۹

^{۶۷} در برخی موارد بسامد هم‌آیندها بعد از بررسی بافت کاربرد آنها در فهرست واژه‌نماها تغییر کرده و بسامد واقعی آنها در قالب فعل مرکب درج شده است. این موارد با علامت * مشخص شده‌اند.

هم آیند (جزء غیرفعلی فعل مرکب)	بسامد در پیکره
(به) هدف	۴۸
غوطه	۴۷
حسرت	۴۷
گول	۴۴
ترک	۴۳
محک	۴۱
سیلی	۳۳

پس از مشخص شدن افعال مرکب، نوبت به برچسب‌دهی ویژگی‌های بافتی آنها بر اساس برچسب‌های آی.دی است. همانطور که پیشتر به آن اشاره شد، برچسب‌های آی.دی توسط پژوهشگر مشخص می‌شوند و معمولاً شماری از مشخصه‌های ساختوازی، نحوی، معنایی، گفتمانی و غیره را شامل می‌شوند. در پژوهش حاضر، نوع برچسب‌های آی.دی استفاده شده، از نوع ساختوازی، نحوی، و معنایی بوده‌اند که هر یک به سطوح مختلفی تقسیم شده‌اند. جدول ۳-۴، فهرست کامل برچسب‌های آی.دی و سطوح‌شان را نشان می‌دهد.

جدول ۳-۴. برچسب‌های آی.دی به کار گرفته شده در پژوهش

نوع برچسب آی.دی	برچسب آی.دی	سطوح برچسب آی.دی
ساختوازی	زمان	حال، گذشته، آینده، نامشخص
	وجه	مصدر، اخباری، التزامی، پرسشی، امری
	نمود	استمراری، کامل، ساده، نامشخص
	شمار	مفرد، جمع، نامشخص
نحوی	شخص	اول، دوم، سوم، نامشخص
	نقی	منفی، تصدیقی
	نوع فعل	سببی، لازم، متعدی
	شمار فاعل	جمع، مفرد، نامشخص
معنایی	مشخصه‌های مفعول	مفعول مستقیم، حرف اضافه‌ای، جمله‌واره‌ای، میان فعل مرکبی، نامشخص
	حرف اضافه گروه‌های حرف اضافه‌ای	به، به گونه، به سود، برای، توسط، با، از، بر، تا، در، که، روی، (در) مقابل، را، نامشخص
	اتصال جزء غیرفعلی	متصل، منفصل
	وابسته‌های جزء غیرفعلی	واژه‌بست، صفت درون فعل مرکب، نامشخص
معنای	معنای فعل مرکب	انتزاعی، قابل تصور، فیزیکی، نامشخص
	معنای جزء غیرفعلی	احساسات/تاسفات، حرکت، چرخش، آسیب/زخم، برچسب/نشان، تغییر ظاهری، اتصال،

خوردنی، عضو بدن، در معرض چیزی بودن، اسلحه نوک تیز، هدف اصابت، شیء قابل فراکش، حقه، نامشخص	
معنای ضمنی	منفی، مثبت، نامشخص
معناشناسی فاعل	جاندار، انسان، شیء ملموس، شیء انتزاعی، نامشخص
نقش معنایی فاعل	کنشگر، کنش پذیر، تجربه گر، تجربه شونده، نامشخص
نوع تماس در رویداد فعل مرکب	فیزیکی، استعاری، نامشخص
جهت طرح واره تصویری فعل مرکب	از جزء غیر فعلی به فاعل، از فاعل به جزء غیر فعلی، نامشخص
کنترل فاعل	آری، خیر، نامشخص
رویداد سریع	آری، خیر، نامشخص
حرکت فاعل	فیزیکی، استعاری، نامشخص
ژانر گفتمانی	سیاسی، ورزشی، پزشکی، فرهنگی/اندیشه، جرم/حوادث، زندگی، اجتماعی، نامشخص

هر یک از نمونه‌های پیکره‌ای (فعل مرکب در بافت جمله‌ای که در آن واقع شده است) که به صورت فهرست واژه‌نما بررسی می‌شوند، در قالب جدول ۳-۴ برچسب‌دهی می‌شوند. در جدول فوق، هر یک از برچسب‌های آی.دی دارای سطوحی است که برای نمونه پیکره‌ای تنها یکی از سطوح قابل انتخاب است. در صورت داشتن مشخصه ذکر شده در «سطوح برچسب آی.دی»، ارزش ۱ به آن مشخصه تخصیص یافته و دیگر مشخصه‌ها دارای ارزش ۰ (صفر) می‌شوند. در نهایت پس از اینکه از هر فعل مرکب تعداد ۲۰ نمونه برچسب‌های آی.دی خود را دریافت کردند، نسبت هر مشخصه نسبت به دیگر مشخصه‌های ذکر شده در «سطوح برچسب آی.دی» که عددی بین ۰ تا ۱ است، مشخص می‌شود. حال به معرفی اجمالی هر یک از سطوح برچسب‌های آی.دی پرداخته و سپس مثالی ارائه خواهد شد:

- **زمان:** مشخص می‌کند که رویداد فعل در گذشته، حال، آینده اتفاق افتاده است. چنانچه در نمونه‌ای زمان فعل مشخص نباشد (مثلاً در حالت مصدری باشد) ارزش «نامشخص» برای آن لحاظ می‌شود.
- **وجه:** نشان‌دهنده این است که جمله در کدام یک از حالات خبری، پرسشی، امری، التزامی یا مصدری (به واسطه مصدر بودن فعل مرکب) بیان شده است.
- **نمود:** نشان‌دهنده نمود فعل است که به یکی از سه حالت ساده، استمراری و کامل تقسیم شده است.

- **شمار:** این برچسب، شمار فعل را به لحاظ مفرد، جمع مشخص می کند.
- **شخص:** این برچسب، اول، دوم یا سوم شخص بودن فعل را مشخص می کند.
- **نفی:** این برچسب معین می کند که جمله به صورت منفی است یا تصدیقی.
- **نوع فعل:** این برچسب مشخص می کند که فعل مرکب به صورت متعدی، لازم یا سببی به کار رفته است.
- **شمار فاعل:** این برچسب، شمار فاعل را مشخص می کند که متمایز از شمار فعل است. در برخی جملات ممکن است شمار فاعل جمع باشد اما شمار فعل به صورت مفرد به کار رفته باشد.
- **مشخصه های مفعول:** این برچسب مفعول های بالقوه را علاوه بر «مستقیم» به «حرف اضافه ای» (مثلاً: توپ به دیوار خورد)، «جمله وارهای» (مثلاً: او سوگند خورد که هرگز اشتباهش را تکرار نکند)، و «میان فعل مرکبی» (مثلاً: این کتاب به درد من نمی خورد) نیز تقسیم می کند.
- **حرف اضافه گروه های حرف اضافه ای:** حرف اضافه گروه حرف اضافی (در صورت وجود) را مشخص می کند.
- **اتصال جزء غیر فعلی:** این برچسب مشخص می کند که جزء غیر فعلی به جزء فعلی متصل است (علی شکست خورد)، یا از آن منفصل است (علی شکست سختی خورد).
- **معنای جزء غیر فعلی:** این برچسب بر اساس یافته های فامیلی (۲۰۰۶) اجزاء غیر فعلی فعل سبک «خوردن» را به دسته هایی با حوزه معنایی مشابه تقسیم کرده است که به عنوان سطوح این برچسب معین شده اند. مثلاً: زمین خوردن (هدف اصابت)، گول/فریب خوردن (حقه)، سیلی/لگد/مشت خوردن (عضو بدن)، غلت/قِل خوردن (چرخش)، افسوس/غصه خوردن (احساسات و تاسفات)، گل/تیر خوردن (شیء قابل فراقش)، و غیره.
- **معنای ضمنی:** این معنا می تواند مثبت یا منفی باشد که از کل جمله حامل فعل مرکب استنباط می شود.
- **معناشناسی فاعل:** دربردارنده برخی مشخصه های معنایی فاعل است.
- **نوع تماس در رویداد فعل مرکب:** این برچسب معین می کند که آیا تماس صورت گرفته در رویداد فعل مرکب (در صورت وجود)، فیزیکی است یا استعاری. مثلاً در فعل «مشت خوردن» تماس فیزیکی و در «به درد خوردن» تماس از نوع استعاری است.

- **جهت طرح‌واره تصویری:** این مشخصه، به جهت طرح‌واره تصویری هر فعل اشاره دارد. فرض تعیین این مشخصه بر این است که در برخی افعال مرکب مثلاً مانند «زمین خوردن»، جهت اثر فعل از سوی فاعل به سمت «زمین» است: فاعل دستوری یا کنش‌پذیر به «زمین» برخورد می‌کند که در اینصورت جهت طرح‌واره از سمت فاعل به جزء غیرفعلی است. در فعل مرکبی نظیر «ضربه خوردن» اثر فعل از جزء غیرفعلی که «ضربه» است به سمت فاعل است.
- **کنترل فاعل:** مشخص می‌کند که فاعل بر روی رویداد فعل کنترل داشته یا خیر. مثلاً در «غذا خوردن» فاعل دارای کنترل و در «زمین خوردن» فاقد آن است.
- **رویداد سریع:** سرعت رویداد فعل مرکب را مشخص می‌کند.
- **حرکت فاعل:** مشخص می‌کند که حرکت فاعل (در صورت حرکت کردن) فیزیکی بوده یا استعاری.
- **ژانر گفتمانی:** این مشخصه، نوع متن و بافت کلانی را مشخص می‌کند که جمله نمونه در آن واقع شده است.

برای مشخص شدن شیوه برجسب‌دهی به نمونه‌های پیکره‌ای، مثال زیر را که یکی از فهرست‌های واژه‌نما در پیکره است، بررسی می‌کنیم:

۱۳) ... در این جریان یک مامور شهرداری که در حین فرار از دست چماق‌داران و افراد مسلح به زمین خورده بود مورد هدف قرار می‌گیرد.

در جمله بالا، «زمین خوردن» فعل مرکب مورد نظر است که از پیکره استخراج شده است و بافت جمله‌ای این فعل اطلاعاتی را در اختیار ما قرار می‌دهد که در برجسب‌دهی مورد استفاده قرار می‌گیرند. جدول برجسب‌دهی آی.دی برای این جمله به صورت زیر خواهد بود:

جدول ۳-۵. جدول برجسب‌های آی.دی جمله ۱۳

نوع برجسب آی.دی	برجسب آی.دی	سطوح برجسب آی.دی
ساختوازی	زمان	گذشته
	وجه	اخباری
	نمود	کامل
	شمار	مفرد
	شخص	سوم
	نفی	تصادیقی

نحوی	نوع فعل	لازم
	شمار فاعل	مفرد
	مشخصه‌های مفعول	نامشخص
	حرف اضافه گروه‌های حرف اضافه‌ای	به
	اتصال جزء غیرفعلی	متصل
	وابسته‌های جزء غیرفعلی	نامشخص
معنایی	معنای فعل مرکب	فیزیکی
	نوع جزء غیرفعلی	هدف اصابت
	معنای ضمنی	نامشخص
	معناشناسی فاعل	انسان
	نقش معنایی فاعل	کنش‌پذیر
	نوع تماس در رویداد فعل مرکب	فیزیکی
	جهت طرح‌واره تصویری فعل مرکب	از فاعل به جزء غیرفعلی
	کنترل فاعل	خیر
	رویداد سریع	آری
	حرکت فاعل	فیزیکی
	ژانر گفتگومانی	جرم/حوادث

برچسب‌های آی.دی نمونه‌های پیکره‌ای (که کلاً شامل ۷۰۰ فهرست واژه‌نما شده است) همانند جدول ۳-۵ مورد تحلیل قرار می‌گیرند و ارزش‌های مقداری سطوح برچسب‌های آی.دی به صورت اعداد ۱ و صفر در جداولی که در نرم‌افزار اکسل طراحی شده است درج می‌شوند. در پایان برچسب‌دهی، اگر به عنوان مثال برای ۲۰ نمونه (همانند نمونه ۱۳) از یک فعل مرکب (از تعداد کل ۳۵ فعل مرکب بررسی شده) برچسب آی.دی مشخصه «زمان» دارای ۵ مورد زمان گذشته، ۷ مورد زمان حال، ۴ مورد زمان آینده و ۴ مورد برچسب نامشخص باشند (جمع کل باید برابر ۲۰ باشد)، هر یک از این مقادیر به صورت درصد در جدول درج می‌شوند.

در نهایت، با جمع‌بندی نمونه‌های ۲۰ تایی هر فعل مرکب تعداد ۳۵ داده (به تعداد افعال مرکب) باقی می‌ماند که نمای رفتاری هر فعل مرکب بر اساس مقادیر برچسب‌های آی.دی در آن مشخص شده است. این داده‌ها که حالت کمی دارند، به وسیله روش آماری چندعاملی تحلیل خوشه‌ای در نرم‌افزار R تحلیل می‌شوند تا نمودار درختی تشابه افعال مرکب به دست آید.

فصل چهارم

تحليل داده‌ها

۴-۱. مقدمه

۴-۲. تحلیل خوشه‌ای ساخت‌های فعل سبک «خوردن»

پس از برچسب‌دهی ۷۰۰ نمونه پیکره‌ای (۲۰ نمونه برای هر یک از ۳۵ فعل مرکب)، مقادیر کلیه نمونه‌های ۲۰ تایی هر فعل جمع‌بندی شدند و در نهایت برای هر یک از سطوح برچسب‌های آی.دی افعال، یک ارزش عددی که مجموع ارزش‌های عددی ۲۰ نمونه در آن مقوله فعلی بود، معین شد. از آنجا که تعداد سطوح برچسب‌های معنایی آی.دی به حدود ۱۰۸ متغیر می‌رسد، امکان رسم این جداول بزرگ آنگونه که در نرم افزار اکسل برچسب‌دهی شده‌اند وجود ندارد. برای نمونه، جدول ۴-۱ نمای رفتاری مربوط به ساختواره ۳۵ فعل مرکب موردبررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۴-۱. نمای رفتاری ۳۵ فعل مرکب فارسی (فقط برچسب‌های ساختوازی)

Row Labels	Sum of present_tense	Sum of past_tense	Sum of future_tense	Sum of NA_tense	Sum of infinitive_mode	Sum of indicative_mode	Sum of subjunctive_mode	Sum of interrogative_mode	Sum of imperative_mode	Sum of progressive_aspect	Sum of perfect_aspect	Sum of simple_aspect	Sum of NA_aspect	Sum of sing_num	Sum of pl_num	Sum of NA_num	Sum of 1st_person	Sum of 2nd_person	Sum of 3rd_person	Sum of NA_person	Sum of negative_negation	Sum of affirmative_negation
afsoos_khordan	0.55	0.2	0	0.25	0.05	0.75	0.2	0	0	0.05	0.05	0.65	0.25	0.65	0.25	0.1	0.5	0	0.4	0.1	0	1
bargasht_khordan	0.45	0.25	0	0.3	0.15	0.65	0.2	0	0	0	0.25	0.45	0.3	0.85	0	0.15	0	0	0.85	0.15	0	1
barham_khordan	0	0.05	0.05	0.9	0.85	0.1	0.05	0	0	0	0	0.1	0.9	0.15	0	0.85	0	0	0.15	0.85	0	1
be_cheshm_khordan	0.85	0.1	0	0.05	0	0.95	0.05	0	0	0	0	0.95	0.05	0.95	0.05	0	0	0	1	0	0.15	0.85
be_dard_khordan	0.8	0.05	0	0.15	0	0.75	0.15	0.1	0	0	0	0.85	0.15	0.85	0.15	0	0.1	0	0.9	0	0.5	0.5
peyvand_khordan	0.65	0.1	0.05	0.2	0.05	0.75	0.2	0	0	0	0.55	0.25	0.2	0.8	0.15	0.05	0	0	0.95	0.05	0	1
taab_khordan	0.65	0.25	0	0.1	0.05	0.85	0.05	0.05	0	0.4	0	0.5	0.1	0.45	0.5	0.05	0	0.05	0.9	0.05	0	1
taassof_khordan	0.3	0.4	0	0.3	0	0.65	0.35	0	0	0.35	0.1	0.25	0.3	0.6	0.3	0.1	0.4	0	0.5	0.1	0.05	0.95
tarak_khordan	0.2	0.25	0	0.55	0.45	0.35	0.2	0	0	0.15	0.1	0.2	0.55	0.55	0	0.45	0	0	0.55	0.45	0.05	0.95
tekan_khordan	0.5	0.45	0	0.05	0.05	0.85	0	0.05	0.05	0.4	0.15	0.4	0.05	0.85	0.1	0	0.05	0.1	0.8	0.05	0.6	0.4
chay_khordan	0.6	0.15	0	0.25	0.1	0.65	0.15	0.05	0.05	0.2	0.05	0.55	0.2	0.25	0.65	0.1	0.15	0.1	0.65	0.1	0.1	0.9
hasrat_khordan	0.7	0.05	0	0.25	0	0.75	0.25	0	0	0.15	0.1	0.5	0.25	0.3	0.6	0.1	0.3	0	0.6	0.1	0	1
khak_khordan	0.6	0.2	0	0.2	0.1	0.8	0.1	0	0	0.5	0.05	0.25	0.2	0.85	0.1	0.1	0	0	0.9	0.1	0	1
khat_khordan	0.15	0.65	0.1	0.1	0.05	0.85	0.1	0	0	0	0	0.9	0.1	0.35	0.6	0.05	0	0	0.95	0.05	0.05	0.95
khooon_khordan	0.2	0.2	0	0.6	0.3	0.4	0.25	0.05	0	0	0.05	0.35	0.6	0.2	0.35	0.45	0.05	0	0.5	0.45	0	1
raqam_khordan	0.45	0.25	0	0.3	0.05	0.6	0.25	0.1	0	0.05	0.1	0.55	0.3	0.85	0.1	0.05	0	0	0.95	0.05	0	1
zamin_khordan	0.45	0.25	0	0.3	0.1	0.65	0.25	0	0	0	0.1	0.7	0.2	0.55	0.35	0.1	0.1	0	0.8	0.1	0.05	0.95
sogand_khordan	0.5	0.35	0.05	0.1	0.1	0.85	0	0.05	0	0.05	0.3	0.55	0.1	0.8	0.1	0.1	0.1	0.05	0.75	0.1	0.05	0.95
sili_khordan	0.2	0.45	0.05	0.3	0.1	0.7	0.2	0	0	0	0.55	0.15	0.3	0.4	0.5	0.1	0.15	0	0.75	0.1	0.05	0.95
shekast_khordan	0.2	0.55	0.1	0.15	0.1	0.75	0.15	0	0	0	0.15	0.7	0.15	0.65	0.25	0.1	0.15	0.05	0.7	0.1	0.05	0.95
sobhane_khordan	0.6	0.1	0	0.3	0.1	0.55	0.2	0.05	0.1	0.05	0.05	0.6	0.3	0.2	0.7	0.1	0.15	0.15	0.6	0.1	0.1	0.9
zarbe_khordan	0.5	0.15	0.15	0.2	0.05	0.8	0.15	0	0	0.1	0.25	0.45	0.2	0.7	0.25	0.05	0	0	0.95	0.05	0.05	0.95
ghaza_khordan	0.35	0.1	0	0.55	0.2	0.45	0.3	0	0.05	0.05	0.1	0.3	0.55	0.45	0.35	0.2	0.2	0.1	0.5	0.2	0.1	0.9
ghosse_khordan	0.65	0.05	0	0.3	0.05	0.55	0.25	0.1	0.05	0.15	0	0.55	0.3	0.45	0.45	0.1	0.2	0.2	0.5	0.1	0.2	0.8
ghoote_khordan	0.65	0.15	0.05	0.15	0.05	0.75	0.15	0.05	0	0.4	0.25	0.2	0.15	0.45	0.5	0.05	0.1	0.1	0.75	0.05	0.2	0.8
farib_khordan	0.45	0.05	0	0.5	0.1	0.5	0.4	0	0	0.05	0.05	0.4	0.5	0.3	0.6	0.1	0.15	0.05	0.7	0.1	0.35	0.65
qasam_khordan	0.5	0.4	0	0.1	0.05	0.9	0.05	0	0	0.2	0.4	0.3	0.1	0.65	0.3	0.05	0.3	0.05	0.6	0.05	0.15	0.85
kotak_khordan	0.2	0.2	0	0.6	0.4	0.4	0.2	0	0	0	0.1	0.3	0.6	0.35	0.25	0.4	0.2	0	0.4	0.4	0	1
gereh_khordan	0.8	0.15	0	0.05	0	0.95	0.05	0	0	0	0.7	0.25	0.05	0.9	0.1	0	0.05	0	0.95	0	0	1
gol_khordan	0.15	0.5	0	0.35	0.05	0.55	0.4	0	0	0.05	0.2	0.35	0.4	0.55	0.4	0.05	0.15	0	0.8	0.05	0.4	0.6
gool_khordan	0.2	0.15	0	0.65	0.05	0.3	0.5	0.05	0.1	0	0.1	0.35	0.55	0.3	0.55	0.15	0.25	0.15	0.45	0.15	0.6	0.4
latmeh_khordan	0.25	0.15	0.15	0.45	0.2	0.45	0.35	0	0	0.05	0.1	0.4	0.45	0.6	0.2	0.2	0	0	0.8	0.2	0.25	0.75
mahak_khordan	0.3	0.05	0.1	0.55	0.05	0.4	0.5	0.05	0	0	0.15	0.3	0.55	0.65	0.3	0.05	0	0	0.95	0.05	0.1	0.9
nahar_khordan	0.4	0.3	0	0.3	0.05	0.55	0.2	0.1	0.1	0.05	0.15	0.45	0.35	0.45	0.5	0.05	0.35	0.3	0.3	0.05	0.2	0.8
hadaf_khordan	0.55	0.25	0	0.2	0.05	0.75	0.2	0	0	0.1	0.2	0.55	0.15	0.6	0.35	0.05	0	0	0.95	0.05	0.05	0.95

همانگونه که پیشتر نیز به آن اشاره شده، برای پی بردن به دسته بندی انواع معانی ساخت های فعل سبک «خوردن» و ارتباط معانی مختلف با یکدیگر، از روش آماری تحلیل خوشه ای سلسه مراتبی^{۶۸} استفاده شد. تحلیل خوشه ای روشی اکتشافی است که می تواند بر اساس متغیرهای زیاد، نمونه های مورد نظر (در اینجا افعال مرکب) را برحسب شباهت شان خوشه بندی کند. برای انجام خوشه بندی، از نرم افزار R استفاده شد.

به منظور انجام خوشه بندی، از برنامه ای تحت نرم افزار R استفاده شده که به طور ویژه برای تحلیل داده های زبانی طراحی شده است (ینسن^{۶۹}، ۲۰۱۳). این برنامه، داده هایی را که قرار است خوشه بندی شوند به صورت یک فایل نوت پد دریافت می کند و سپس در مراحل بعد از کاربر می خواهد که پارامترهای مربوط به شیوه و متد خوشه بندی را وارد کند. برای خوشه بندی، مشخص کردن دو پارامتر «مقیاس فاصله» و «روش ادغام» ضروری است. در این پژوهش، از آنجا که داده های کمی ماهیت پیوستاری دارند، از متریک مینکوفسکی^{۷۰} (که تعمیم یافته متریک اقلیدسی^{۷۱} و سیتی بلاک^{۷۲} است) برای تعیین فاصله و از روش مرسوم وارد^{۷۳} برای ادغام خوشه ها استفاده شد. شکل ۴-۱، نمودار درختی خوشه بندی افعال مرکب را بر اساس پارامترهای مذکور نشان می دهد.

⁶⁸ Hierarchical Cluster Analysis

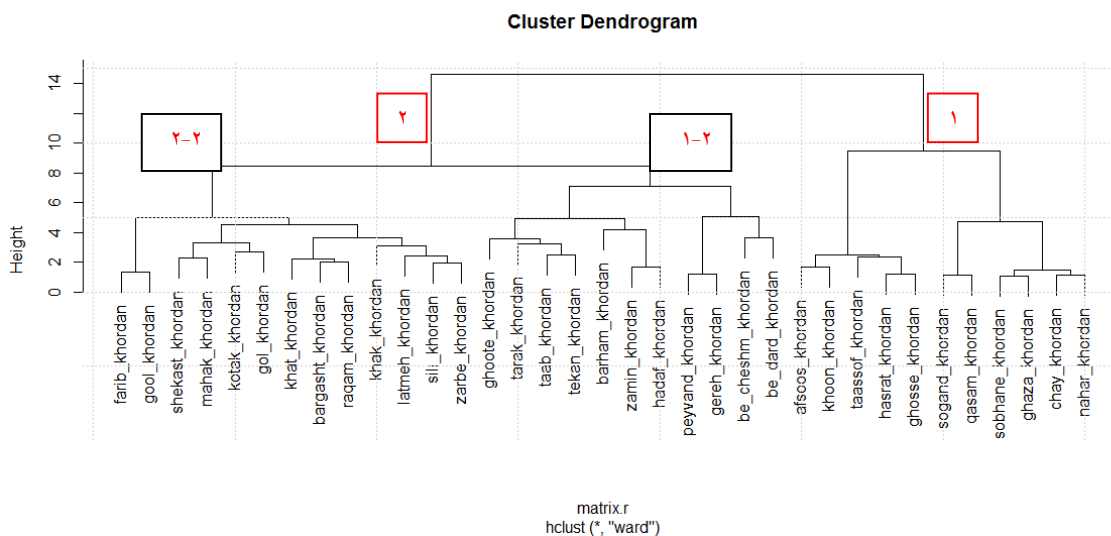
⁶⁹ Jensen, K. E.

⁷⁰ Minkowski

⁷¹ Euclidean

⁷² City block

⁷³ Ward



شکل ۴-۱. نمودار درختی خوشه‌بندی افعال مرکب با فعل سبک «خوردن»

در نگاهی کلی به نمودار ۴-۱ مشخص می‌شود که کاربرد فعل سبک «خوردن» در پیکره ابتدا به دو شاخه عمده تقسیم شده است که یکی از این شاخه‌ها معنای «بلعیدن» را دربرمی‌گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به نمودار درختی، در ابتدا باید بین معنای «بلعیدن» از یک سو و دیگر معانی فعل سبک «خوردن» تمایز قائل شد. به منظور تحلیل جزئی‌تر نمودار درختی و افعال مرکب دسته‌بندی‌شده، خوشه‌های متمایز شده تا حدی که معنادار باشند به صورت جدول ۴-۲ مشخص شده‌اند:

جدول ۴-۲. خوشه‌های عمده قابل تفکیک از نمودار درختی شکل ۴-۲

خوشه	افعال مرکب
اصلی (۱)	
- بلعیدن (فیزیکی)	ناهار خوردن، چای خوردن، صبحانه خوردن، غذا خوردن
- سوگند	سوگند خوردن، قسم خوردن
- اندوه/تاسف	غصه خوردن، حسرت خوردن، تاسف خوردن، خون (دل) خوردن، افسوس خوردن
اصلی (۲)	
- دریافت حسی (استعاری)	به درد خوردن، به چشم خوردن
- اتصال	پیوند خوردن، گره خوردن
- اصابت (از کنش‌پذیر به هدف)	هدف خوردن، زمین خوردن، برهم خوردن،
- حرکت / تغییر شکل (سریع و نامنظم)	تکان خوردن، تاب خوردن، ترک خوردن، غوطه خوردن

- دچار آسیب شدن
- ضربه خوردن، لطمه خوردن، سیلی خوردن، خاک خوردن
- اثر و رد نوشتاری (استعاری)
- رقم خوردن، برگشت خوردن، خط خوردن
- فریب
- گل خوردن، کتک خوردن، محک خوردن، شکست خوردن
- [نامشخص]

در ادامه به بررسی تفصیلی هر یک از خوشه‌های اصلی و زیرخوشه‌های آنها پرداخته خواهد شد.

۴-۲-۱. خوشه اصلی (۱)

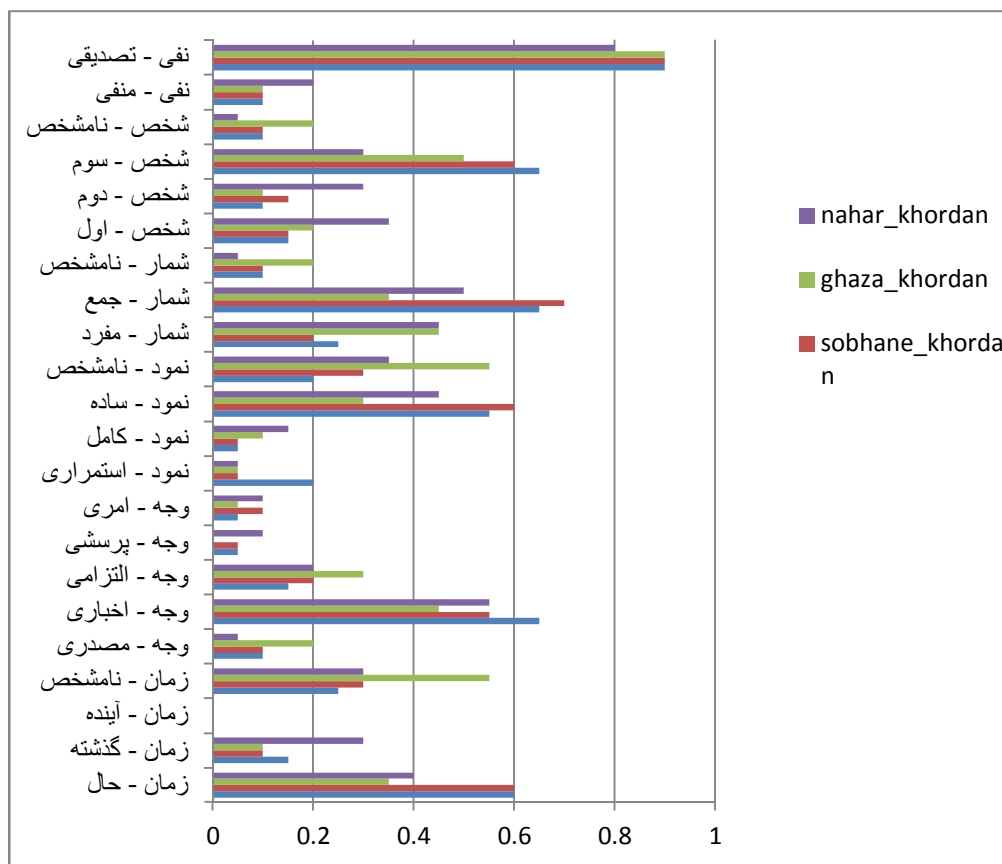
در این خوشه، سه جزء غیرفعلی مرتبط با «غذا»، «سوگند»، و «اندوه/تاسف» جای گرفته‌اند و طبق نمونه‌های پیکره‌ای قاعده‌تاً باید داری بیشترین تشابهات نسبت به اجزاء غیرفعلی دیگر در خوشه‌های دیگر باشند. در خوشه شماره (۱)، ابتدا زیرخوشه‌های مربوط به «غذا» با زیرخوشه‌های «سوگند» تشکیل خوشه‌ای بزرگتر را داده‌اند و سپس با زیرخوشه‌های دیگر مجموعه یعنی خوشه «اندوه/تاسف» ادغام شده‌اند. برخی شباهت‌ها در اعضای خوشه اصلی (۱) وجود دارد که بدون تحلیل جزئی نیز قابل دریافت می‌باشند:

- فاعل در افعال مرکب خوشه (۱) جاندار و عموماً انسان است.
- کنشی که اکثر افعال مرکب خوشه (۱) به آن تحقق می‌بخشند، کنشی ارادی و کنترل‌پذیر است (به استثناء زیرخوشه‌های مربوط به «اندوه/تاسف»).
- گونه‌ای از معنای «بلعیدن» در تمام اعضای خوشه اصلی (۱) چه به صورت حقیقی و چه به صورت استعاری به چشم می‌خورد. مثلاً اگر از زیرخوشه معنای حقیقی شروع کنیم، برای افعال مرکب «ناهار خوردن»، «چای خوردن»، «صبحانه خوردن»، و «غذا خوردن»، معنای به کار رفته به صورت معنای حقیقی بلعیدن است. زیرخوشه‌ای که بلافاصله به این زیرخوشه متصل می‌شود، افعال مرکب با معنای «سوگند» است که شامل «سوگند خوردن» و «قسم خوردن» می‌شود. در این زیرخوشه، «خوردن» معنایی استعاری دارد و در معنای حقیقی خود به کار نرفته است. البته اگر ریشه‌های تاریخی فعل مرکبی نظیر «سوگند خوردن» را جستجو کنیم، به کاربردهای حقیقی این فعل می‌رسیم. به این صورت که طبق فرهنگ معین، در قدیم «سوگند» به آب آمیخته با گوگرد گفته می‌شده که به شخص متهم می‌خوراندند و

چنانچه برای او اتفاقی پیش نمی‌آمد، دلیلی بر راستگویی او محسوب می‌شد. زیرخوشه بعدی که با زیرخوشه «بلعیدن - سوگند» ادغام می‌شود، افعال مرکبی را دربرمی‌گیرد که عمدتاً دارای معنای «تاسف و اندوه» هستند. به‌نظر می‌رسد معنای «خوردن» در این زیرخوشه با انتزاع بیشتری همراه است، اما در برخی اعضای این گروه ماهیت استعاری آن دیده می‌شود: نظیر «خون (دل) خوردن» که معنای غمگینی توأم با رنج را در قالب طرح‌واره تصویری بلعیدن به ذهن متبادر می‌کند.

۴-۲-۱-۱. زیرخوشه «بلعیدن»

این زیرخوشه طبق تحلیل پیکره‌ای این پژوهش، چهار جزء غیرفعلی پربسامد «غذا»، «صبحانه»، «چای» و «ناهار» را دربرمی‌گیرد. الگوی ساختوازی فعل مرکب این اجزاء غیرفعلی به‌صورت نمودار ۴-۲ است:



شکل ۴-۲. توزیع مشخصه‌های ساختوازی در افعال مرکب با معنای «بلعیدن»

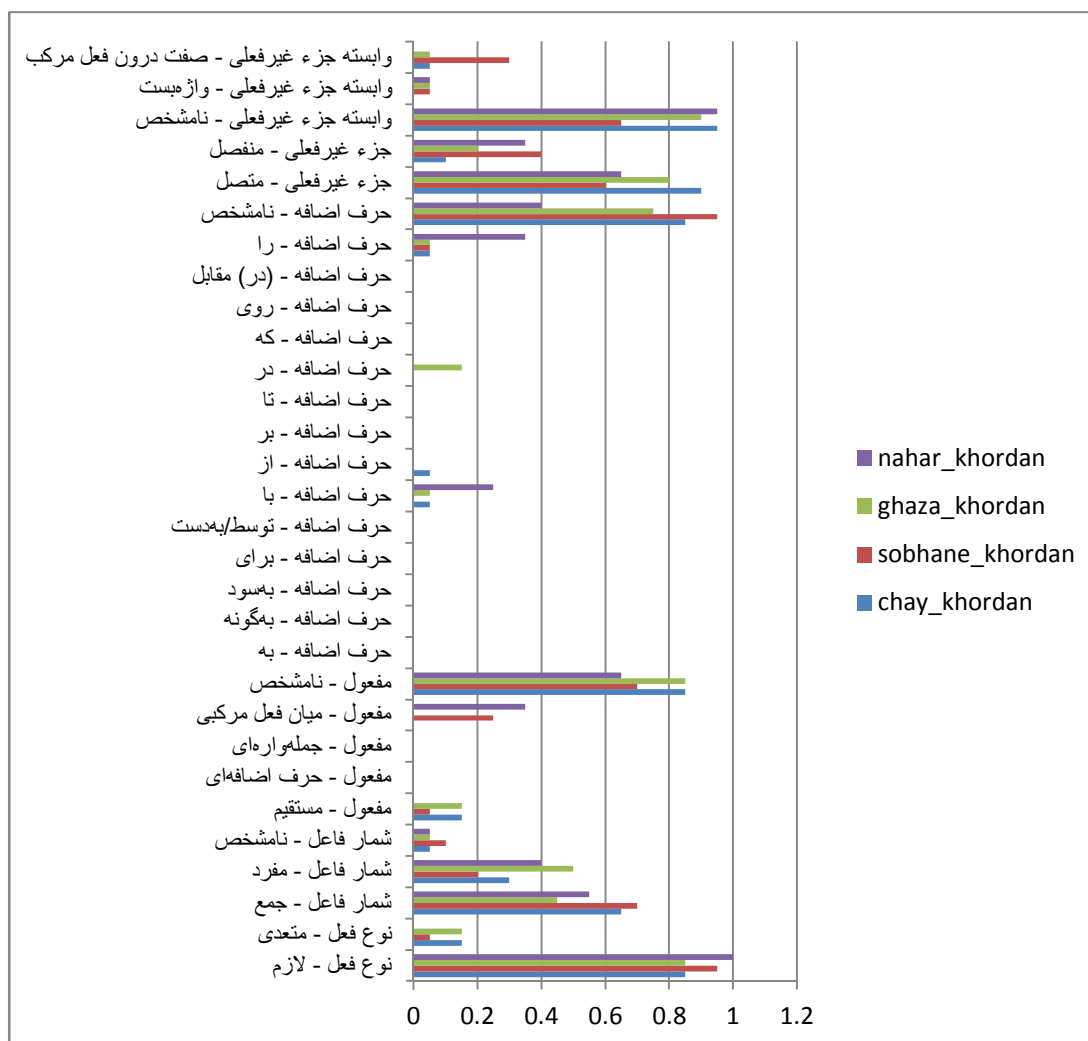
در شکل ۴-۲، افعال مرکب چهارگانه عمدتاً با زمان حال در پیکره ظاهر شده‌اند و در مرتبه بعدی مشخصه «زمان نامشخص» غالب است. البته فعل «غذا خوردن» عکس این الگو را نشان می‌دهد. مشخصه «زمان نامشخص» در مواردی تخصیص یافته که فعل بی‌زمان بوده و غالباً به صورت مصدری به کار رفته است. در مقوله وجه، وجه اخباری، سپس التزامی و بعد از آن مصدری غالب است. در مشخصه نمود نیز حالت ساده غالب است. همانطور که اشاره شد، غلبه ویژگی «نامشخص» برای نمود و زمان فعل «غذا خوردن» نشان‌دهنده این است که این فعل در نمونه‌های مورد بررسی عمدتاً به صورت مصدری و التزامی به کار رفته است. در باب شمار و شخص، به نظر می‌رسد غالباً شمار جمع و سوم شخص کاربرد بیشتری در پیکره داشته باشد، که البته استثنایی نیز وجود دارد. مثلاً «غذا خوردن» بیشتر در شمار مفرد به کار رفته یا اینکه «ناهار خوردن» بیشتر به صورت اول شخص دیده می‌شود. در نهایت، ویژگی نفی این افعال نسبت به ویژگی تصدیق کمتر بوده است.

در بررسی ویژگی‌های نحوی (شکل ۴-۳)، مشخص می‌شود که اکثر افعال این زیرخوشه به صورت فعل لازم به کار رفته‌اند، هر چند گونه متعدی نیز در آنها مشاهده می‌شود. برای نمونه جمله زیر در پیکره مورد بررسی، با برجسب «متعدی» مشخص شده است:

- جای خوبی بود که مردم خستگی‌شان را برطرف کنند. کمی می‌نشستند، یک چای می‌خوردند و راهشان را ادامه می‌دادند.

در جمله فوق، از آنجا که «چای» با معرف «یک» آمده، در نقش مفعول «خوردن» واقع شده است و نمی‌توان آن را به صورت فعل مرکب لازم در نظر گرفت.

در باب مشخصه شمار فاعل، مشاهده می‌شود که عمدتاً فاعل این افعال مرکب، شمار جمع داشته است به استثناء فعل مرکب «غذا خوردن» که در آن اندکی شمار مفرد بیشتر از شمار جمع است. میزان بالای ویژگی «مفعول - نامشخص» که در اینجا به معنای عدم وجود مفعول است، نشان می‌دهد که عمده کاربردهای افعال فوق، بدون نیاز به مفعول و لازم بوده‌اند. البته درصدی از کاربردها به مفعول‌های «میان فعل مرکبی» و «مستقیم» اختصاص یافته است که می‌توان برای آنها نمونه‌های زیر را از پیکره مثال آورد:



شکل ۴-۳. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «بلعیدن»

- در پارک سفره را انداختیم و ناهار را خوردیم.
- ... کمی می‌نشستند، یک چای می‌خوردند و راهشان را ادامه می‌دادند.

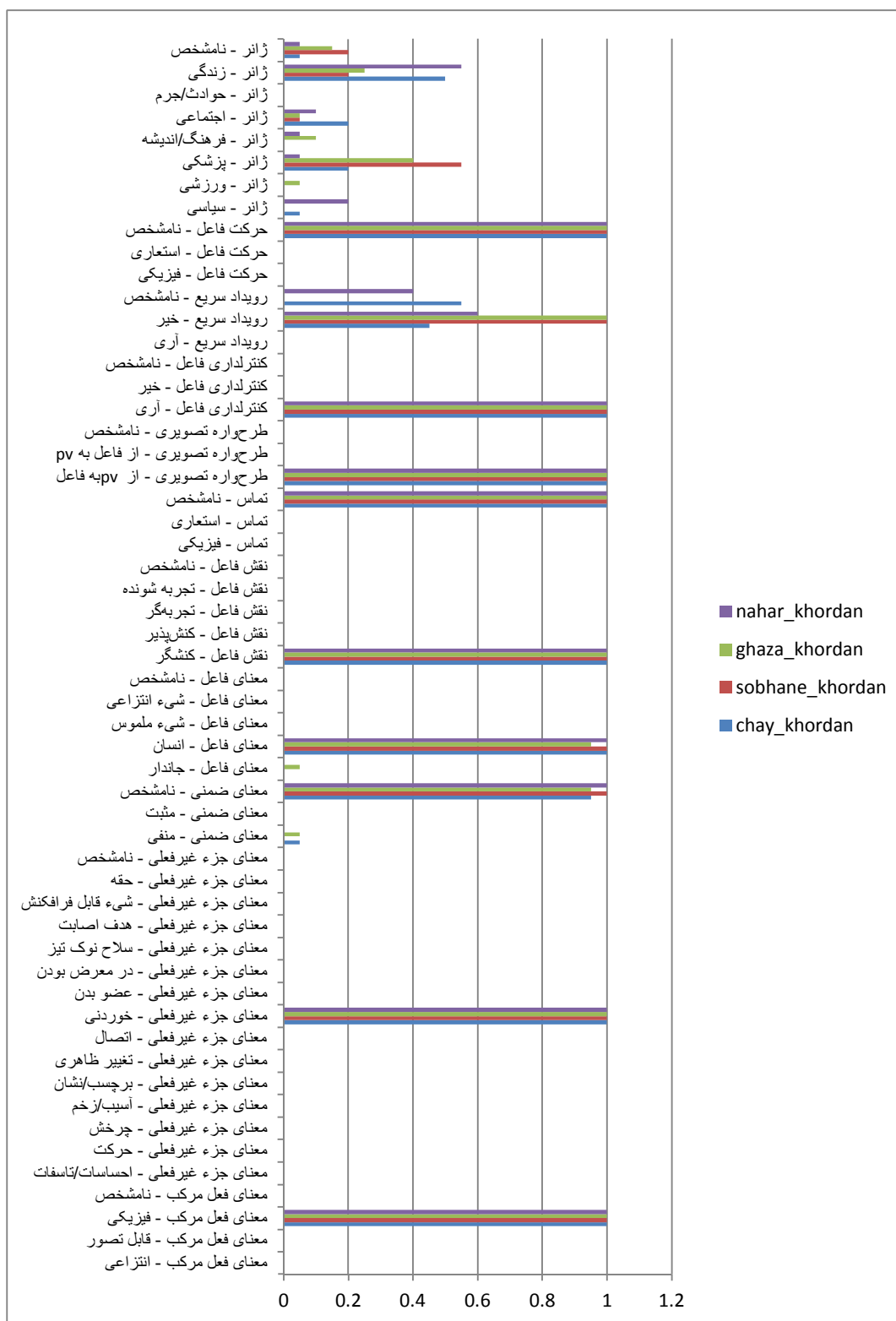
در مثال نخست بالا، «ناهار» به نوعی مفعول «خوردن» واقع شده است و از آنجا که به واسطه «را» میان «ناهار» و «خوردیم» فاصله افتاده است، این نمونه برچسب «مفعول میان فعل مرکبی» خورده است؛ یعنی بین اجزاء فعل مرکب عنصر دیگری واقع شده است. در نمونه دوم، چون کلمه «چای» با معرف «یک» آمده است، مفعول «خوردن» واقع شده است، اما چون عنصر دیگری میان دو جزء فعل مرکب وجود ندارد، برچسب «مفعول مستقیم» خورده است.

در بخش حروف اضافه، اکثر نمونه‌های پیکره فاقد حرف اضافه بوده‌اند که با مشخصه «نامشخص» برچسب‌دهی شده‌اند. در مواردی که در مکمل یا مفعول جمله حرف اضافه وجود داشته، این حروف اضافه عبارت بوده‌اند از حرف اضافه «را» با بیشترین تعداد برای فعل مرکب «ناهار خوردن»، حرف اضافه «در» منحصرأ برای فعل مرکب «غذا خوردن»، حرف اضافه «از» برای فعال مرکب «چای خوردن»، و حرف اضافه «با» برای افعال «ناهار خوردن»، «غذا خوردن» و «چای خوردن» که بیشترین میزان آن برای «ناهار خوردن» ثبت شده است. وجود حرف اضافه «را» در همه چهار فعل مرکب نشان می‌دهد که این افعال به غیر از صورت غیرمنفصل به صورت منفصل نیز قابلیت ظاهرشدن دارند و می‌توان میان جزء غیرفعلی و فعلی آنها فاصله انداخت. از همنشینی حرف اضافه «در» با «غذاخوردن» و حرف اضافه «با» با «ناهار خوردن» می‌توان فهمید که افزودن اطلاعات مکانی - زمانی در جملاتی با فعل مرکب «غذا خوردن» رایج‌تر است. همچنین همراهی حرف اضافه «با» با فعلی مرکبی نظیر «ناهار خوردن» حاکی از آن است که در رویداد فعل بیشتر در همراهی با دیگران رخ می‌دهد و نسبت به دیگر افعال مرکب گروه، فعلی اجتماعی‌تر محسوب می‌شود.

اجزاء فعلی در افعال مرکب «بلعیدن» عمدتاً به صورت منفصل به کار رفته‌اند و در برخی موارد نیز میان آن‌ها عنصر دیگری قرار گرفته است. همچنین بررسی وابسته‌های جزء غیرفعلی نشان می‌دهد که جزء غیرفعلی اکثراً بدون وابسته به کار رفته است. در شمار اندکی از موارد وابسته جزء غیرفعلی واژه‌بست و صفت بوده است. بیشترین میزان صفت برای جزء غیرفعلی در فعل «صبحانه خوردن» دیده می‌شود:

- ... مثلاً نگرانم غذا ایش را درست خورده یا نه ... (واژه‌بست)
- ... اکثر دانش آموزان شاغل به تحصیل در نوبت صبح مدارس، صبحانه کاملی نمی خورند... (صفت)

آخرین بخش از برچسب‌های آی.دی به برچسب‌های معنایی و گفتمانی اختصاص دارد. با بررسی نمودار ۴-۴ مشخص می‌شود که توزیع مشخصه‌های معنایی همانند مقوله‌های ساختوازی و نحوی از تنوع چندانی برخوردار نیست و حالت مطلق دارد.

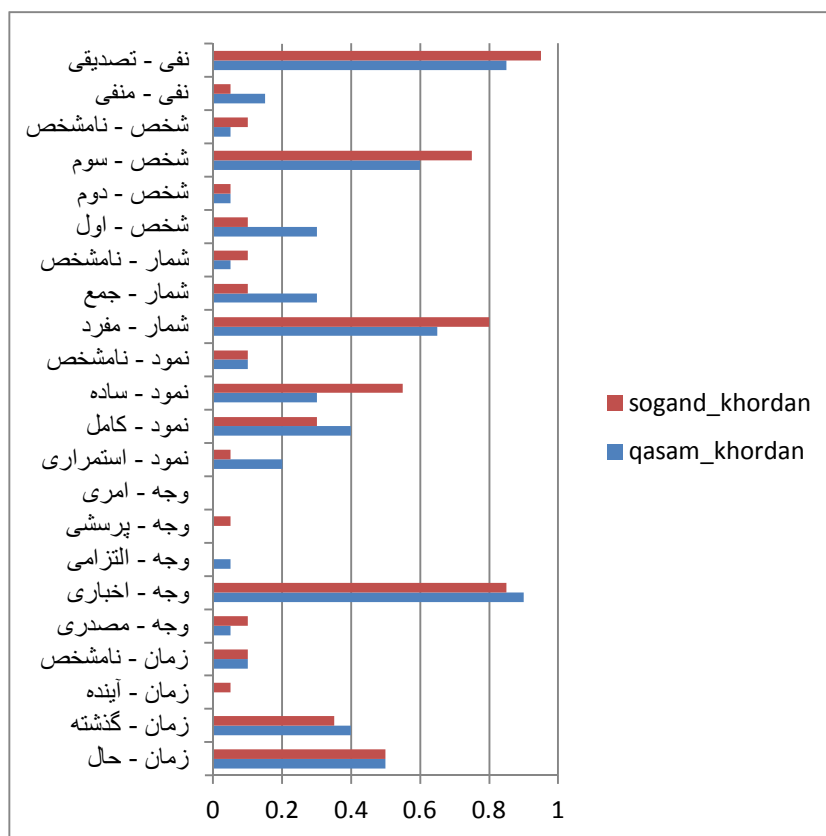


شکل ۴-۱. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «بلعیدن»

مطابق شکل ۴-۴، معنای فعل مرکب در افعال مرکب زیرخوشه «بلعیدن» به طور مطابق معنای فیزیکی داشته‌اند. به همین ترتیب، معنای جزء غیرفعلی نیز در همه اعضای این افعال، «خوردنی» بوده است. در مشخصه معنای ضمنی، به جز چند مورد معنای ضمنی منفی برای «غذا خوردن» و «چای خوردن»، معنای ضمنی خاصی مشاهده نمی‌شود. همچنین با بررسی فاعل جملات مشخص می‌شود تقریباً همه فاعل‌ها در این افعال مرکب «انسان» بوده‌اند به استثناء یک مورد در فعل «غذا خوردن» فاعل جاندار غیرانسان داشته است. به لحاظ نقش معنایی، فاعل این افعال مرکب همگی از نوع کنشگر بوده‌اند و بر کنش‌پذیر تاثیر گذاشته‌اند. افعال مرکب زیرخوشه «بلعیدن» فاقد مشخصه «تماس» هستند. همچنین طرح‌واره تصویری در این افعال از جزء غیرفعلی به سوی کنشگر یا فاعل است. ارزش مثبت برای ویژگی «کنترل‌داری فاعل» نشان می‌دهد که فاعل جملات در انجام فعل کنترل داشته است. همچنین مشخصه «رویداد سریع» برای این افعال وجود ندارد و در مواردی نیز نامشخص بوده است. فاعل افعال مرکب «بلعیدن» فاقد حرکت هستند پس مشخصه «حرکت فاعل» نیز در تمامی این افعال منفی بوده است. آخرین مشخصه معنایی، به ژانر گفتمانی تعلق دارد که گونه متنی افعال مرکب ظاهر شده در نمونه‌های پیکره‌ای را تا حدودی مشخص می‌کند. افعال مرکب «بلعیدن» تقریباً در تمامی ژانرها به غیر از ژانر حوادث/جرم دیده می‌شوند. برخی افعال در برخی ژانرها بیشتر دیده می‌شوند. مثلاً «غذا خوردن» و «صبحانه خوردن» در متون پزشکی بیشتر دیده می‌شوند که در باب فواید صبحانه خوردن و عادات غذایی بوده‌اند. همچنین «چای خوردن» و «ناهار خوردن» در متون اجتماعی بیشتر از بقیه ظاهر شده‌اند که همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، این افعال ماهیت اجتماعی بیشتری از خود بروز می‌دهند.

۴-۲-۱-۲. زیرخوشه «سوگند»

این زیرخوشه تنها دو عضو «سوگند خوردن» و «قسم خوردن» را دارد که با توجه به اشتراکات کاربردی آنها در یک دسته قرار گرفته‌اند. شکل ۴-۵ مشخصه‌های ساختاری این زیرخوشه را نشان می‌دهد. به لحاظ زمانداری، افعال این گروه به ترتیب در زمان حال و گذشته به کار رفته‌اند و فقط «سوگند خوردن» در زمان آینده به کار رفته است. از میان وجوه فعلی، وجه اخباری بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است که تقریباً هر دو فعل با نسبت برابری به کار رفته‌اند. در برچسب «نمود»، دو نمود ساده و کامل و سپس نمود استمراری برای فعل «سوگند خوردن» بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. در ویژگی‌های «شمار» و «شخص»، شمار مفرد و سوم شخص بیشترین کاربرد را در پیکره داشته‌اند. همچنین، به لحاظ تدیقی بودن یا منفی بودن جمله، اکثر کاربردها تصدیقی بوده‌اند.



شکل ۴-۵. توزیع مشخصه‌های ساختوازی در افعال مرکب با معنای «سوگند»

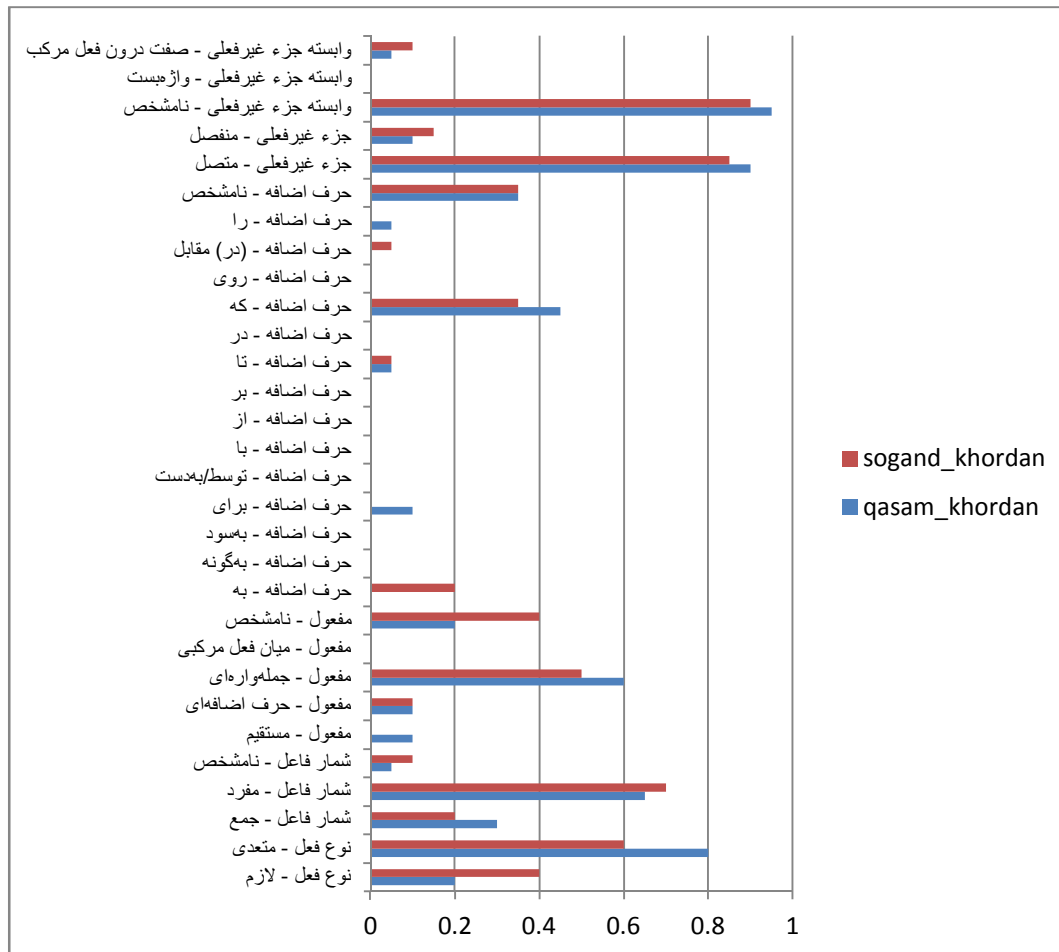
جدول ۴-۶، توزیع برچسب‌های نحوی را در زیرخوشه افعال مرکب با معنای «سوگند» نشان می‌دهد. در مقوله «نوع فعل» هر دو کاربرد متعدی و لازم برای افعال این گروه دیده می‌شود و کاربردهای متعدی بیشتر از کاربردهای لازم است. در کاربرد لازم، جمله نیازی به مفعول ندارد یا مکمل ندارد که معنای آن تکمیل گردد:

... او در آوریل سال ۱۹۰۱ میلادی در مقابل آمریکایی‌ها سوگند وفاداری خورد...

اما در کاربرد متعدی، جمله به عنصری دیگری غیر از فاعل نیاز دارد تا معنای آن تکمیل گردد:

او به عنوان رئیس جمهوری در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند خواهد خورد که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشد.

در جمله فوق، سوگند خوردن به تنهایی معنای جمله را تکمیل نمی‌کند و نیاز به مکمل دارد که با نقطه چین مشخص شده است. در واقع در جمله فوق، فعل مرکب «سوگند خوردن» همانند فعلی نظیر «گفتن» عمل کرده و محتوای سوگند خوردن یا گفتن، مفعول فعل واقع می‌شود. مقایسه فراوانی لازم/متعدی در دو فعل خوشه نشان می‌دهد که «قسم خوردن» اندکی بیشتر از «سوگند خوردن» به ساخت‌هایی با مفعول/متمم فعلی گرایش دارد.



شکل ۴-۶. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «سوگند»

در مقوله شمار، هر دو شمار مفرد و جمع در شناسه‌های افعال این زیرخوشه دیده می‌شود که تعداد شمار مفرد بیش از شمار جمع است. همچنین در مقوله «مفعول» مشاهده می‌شود که تعداد مفعول‌های جمله‌واره‌ای بیش از سایر مفعول‌ها و یا حالت بی‌مفعولی (نامشخص) است. مفعول‌های جمله‌واره‌ای عمدتاً با حرف ربط «که» به جمله اصلی مرتبط شده‌اند و میزان بالای کاربرد این حرف ربط در مقوله

«حرف اضافه» نسبت به حروف دیگر اضافه نشان‌دهنده این موضوع است. درصد بالای اجزاء غیرفعلی متصل، نشان می‌دهد که اجزاء فعلی و غیرفعلی این دو فعل مرکب عمدتاً تمایل به همجواری دارند و وجود عنصر دیگر مابین آنها چندان متداول نیست.

بررسی مشخصه‌های معنایی (شکل ۴-۷) نشان می‌دهد توزیع فراوانی کاربردها برای دو فعل مرکب «قسم خوردن» و «سوگند خوردن» کمابیش مشابه است که نشان می‌دهد کاربردهای این دو فعل به لحاظ مشخصه‌های معنایی به یکدیگر نزدیک‌تر است. از آنجا که اجزای غیرفعلی دو فعل «قسم خوردن» و «سوگند خوردن» به لحاظ تاریخی با معنای «بلعیدن» مرتبط است، لذا معنای جزء غیرفعلی برای هر دو فعل به صورت «خوردنی» لحاظ شده است. از آنجا که امروزه این معنا در کاربرد فیزیکی آن به کار برده نمی‌شود، لذا معنای کلی فعل مرکب دارای مشخصه «قابل تصور» است و معنای فیزیکی از آن استنباط نمی‌شود. این دو فعل به لحاظ معنای ضمنی، دارای بار معنایی منفی یا مثبت خاصی نیست، هر چند نمونه‌های اندکی با معنای ضمنی منفی برای فعل «سوگند خوردن» در پیکره ثبت شده است:

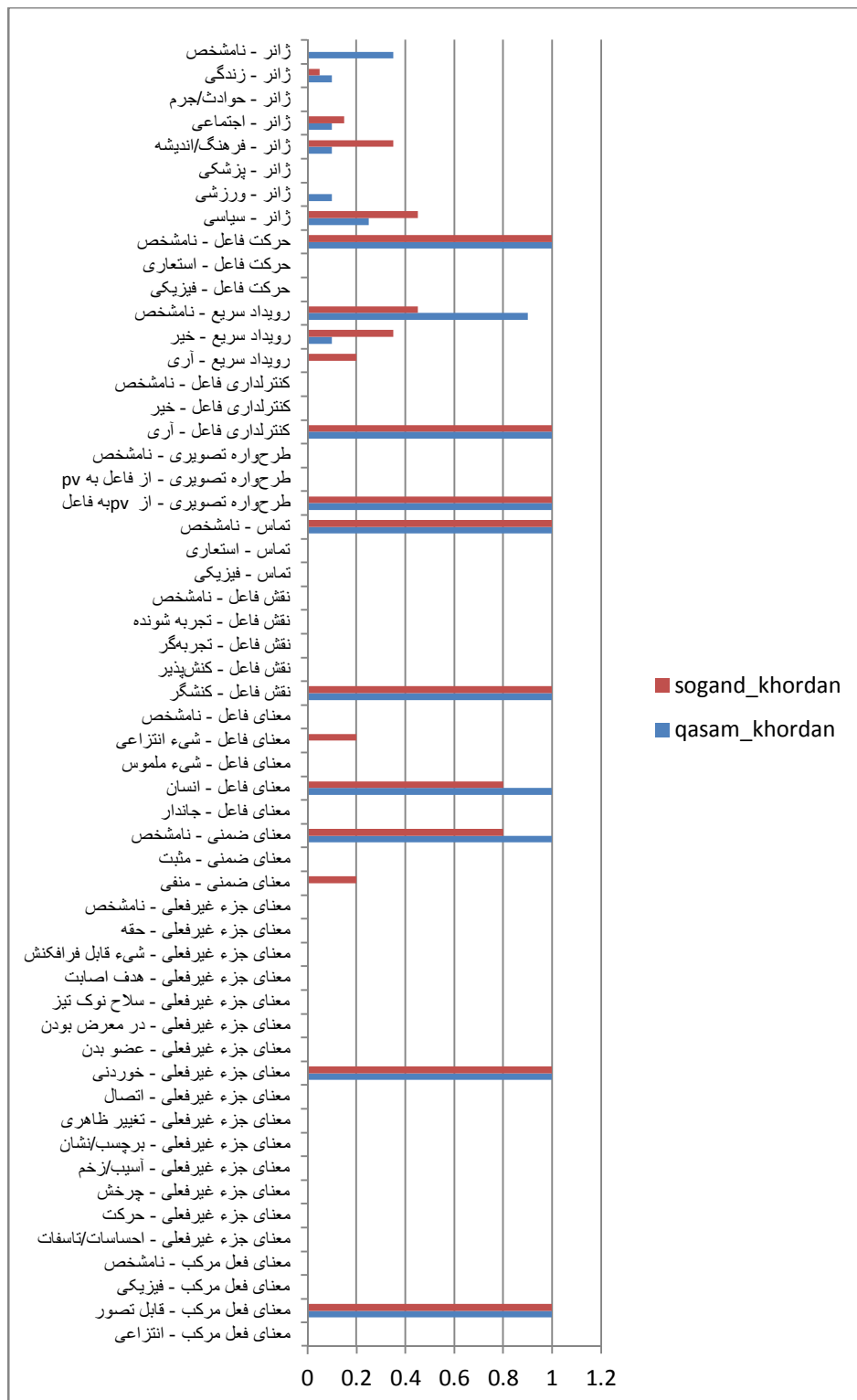
- پدر بزرگم، که برای آینده انتظارات زیادی از او داشتم سوگند خورد که اگر جسارت کنم و کلمه ای درباره این سفر در برابر او به زبان آورم، حتی یک شیلینگ هم به عنوان ارثی...

همچنین طبق شکل ۴-۷ اسمی که به عنوان فاعل این افعال مرکب واقع شده است، در اکثر مواقع انسان بوده است، به استثناء چند مورد از فعل «سوگند خوردن» که ماهیت انتزاعی داشته‌اند:

- این مقام چنان بلند و رفیع است که مقام ربوبیت به ابزار آن سوگند می‌خورد: ن والقلم و ما یسطرون... و نیز بشر را بدین حقیقت رهنمون می‌گردد که بینایی و نور در علم است...

نقش معنایی فاعل در هر دو فعل مرکب به صورت «کنشگر» است که به صورت ارادی کنش را انجام می‌دهد. بر همین اساس، بر انجام کنش نیز کنترل وجود دارد. به لحاظ سرعت انجام کنش، داده‌های شکل ۴-۷ نشان می‌دهد که اکثر کاربردها (بخصوص برای فعل «قسم خوردن») بر چسب «نامشخص» خورده‌اند که نشان می‌دهد زمان‌داری فعل به گونه‌ای بوده که هیچگونه القای سریع یا کند از کنش فعل را منتقل نمی‌کرده است:

- متأسفانه "سوگند خوردن" نیز یکی از علائم دروغ‌گویی شده است. (رویداد سریع: نامشخص)



شکل ۴-۷. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «سوگند»

- ... و در آوریل سال ۱۹۰۱ میلادی در مقابل آمریکایی ها سوگند وفاداری خورد و بدین ترتیب جمهوری مالولو و قانون اساسی آن نیز از بین رفت... (رویداد سریع: خیر)

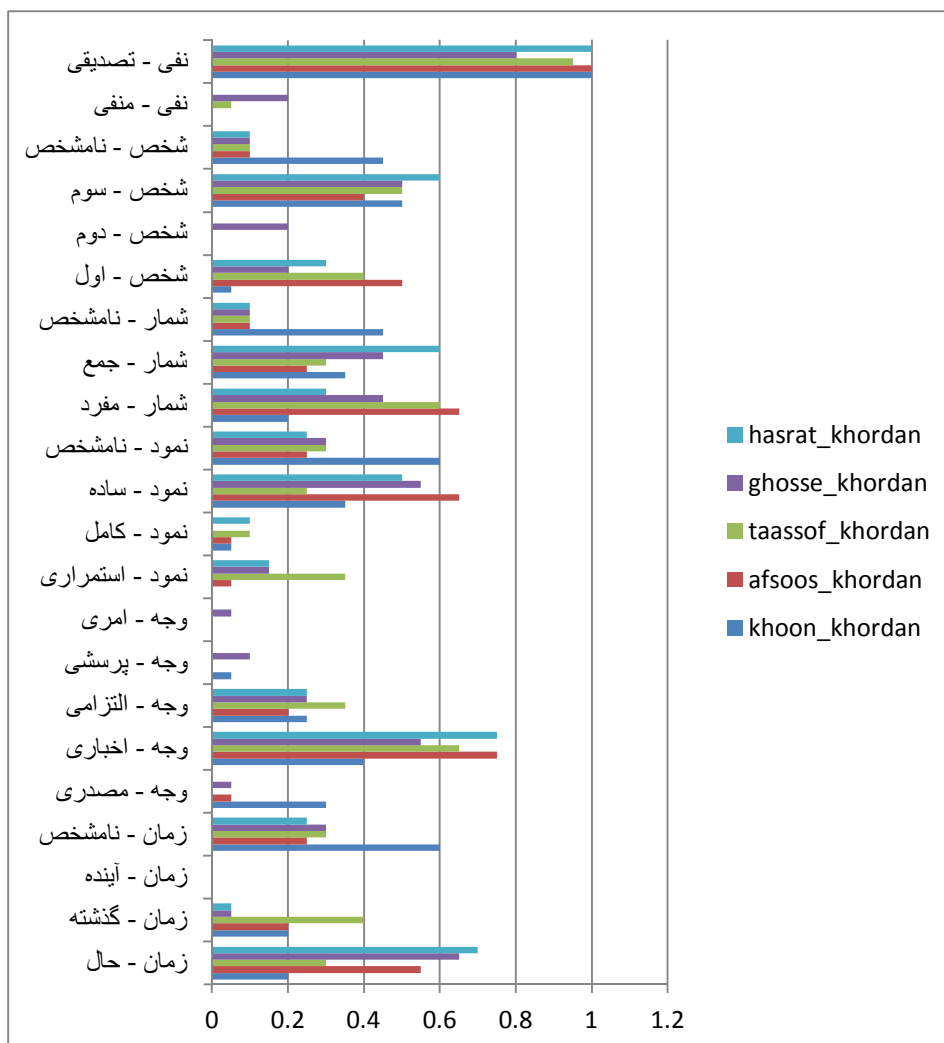
مشخصه قابل توجه دیگر از این دو فعل مرکب، ژانر استفاده از آنها است. همانطور که پیش‌بینی می‌شود، فعل مرکب «سوگند خوردن» در گونه‌های رسمی نظیر ژانر سیاسی و فرهنگ/اندیشه اندکی بیشتر از «قسم خوردن» کاربرد دارد. کاربردهای «قسم خوردن» علاوه بر اینکه شامل ژانرهای مربوط به «سوگند خوردن» می‌شود، در ژانرهای ورزشی نیز کاربرد دارد و برخی کاربردهایش نیز در هیچکدام از ژانرهای مشخص شده نگنجانده است.

۴-۲-۱-۳. زیرخوشه «اندوه/تاسف»

این خوشه دارای پنج فعل مرکب با معانی مرتبط به هم است. طبق نمودار تحلیل خوشه‌ای (۴-۱)، در درون این زیرخوشه، دو فعل مرکب «خون (دل) خوردن» و «افسوس خوردن» زیرخوشه مجزایی را تشکیل می‌دهند که در اینجا به منظور حداکثرسازی تعمیم تحلیل خوشه‌های فعلی، همه پنج عضو زیرخوشه مذکور یکجا تحلیل شده‌اند.

طبق شکل ۴-۸ که به توزیع برجسب‌های ساختوازی افعال این زیرخوشه اختصاص دارد، عمده افعال به ترتیب در زمان حال، گذشته بوده‌اند و در زمان آینده به کار نرفته‌اند. کاربرد زمان گذشته در فعلی نظیر «تاسف خوردن» بیشتر از زمان حال بوده است. همچنین زمان «خون (دل) خوردن» عمدتاً به صورت نامشخص آمده است، که نشان می‌دهد در حالت‌های غیرزمان‌دار (مثلاً مصدری) کاربرد بیشتری دارد. درباب وجه، اکثر کاربردها در پیکره به صورت وجه اخباری و سپس التزامی بوده است. فعلی مانند «غصه خوردن» در مواردی به صورت پرسشی و امری نیز به کار رفته است. بررسی نمود افعال نیز نشان می‌دهد که اکثریت افعال مرکب این زیرخوشه با نمود ساده و نامشخص (مثلاً در حالت مصدری) به کار رفته‌اند. کاربرد افعال در نمود کامل و استمراری نیز دیده می‌شود و فعل مرکب «تاسف خوردن» بیش از بقیه در نمود استمراری به کار رفته است. بررسی مشخصه شمار نشان می‌دهد که شمار مفرد و جمع تقریباً به صورت متناسب به کار رفته‌اند و افعال مختلف با شمار متفاوتی به کار رفته‌اند. مثلاً شمار مفرد برای «تاسف خوردن» و «افسوس خوردن» بیش از دیگر افعال بوده در حالی که فعل «حسرت خوردن» عمدتاً با شمار جمع به کار گرفته شده است. میزان کاربرد فعل «خون (دل) خوردن» برای مشخصه نامشخص بیشتر بوده که نشان می‌دهد این فعل عمدتاً به صورت مصدری به کار رفته است. مشخصه آخر از ویژگی‌های ساختوازی اختصاص به «نفی» دارد که با توجه به شکل ۴-۸

مشخص می‌شود عمده کاربردها به صورت تصدیقی بوده است. دو فعل تاسف خوردن و غصه خوردن با نمونه‌های اندک به صورت منفی به کار رفته‌اند.



شکل ۴-۸. توزیع مشخصه‌های ساختوازی در افعال مرکب با معنای «اندوه/تاسف»

شکل ۴-۹ مشخصه‌های نحوی افعال زیرشاخه «اندوه/تاسف» را نشان می‌دهد. در مقوله نوع فعل، افعال «خودن (دل) خوردن»، «غصه خوردن» و «حسرت خوردن» عمدتاً به صورت فعل لازم (بدون مکمل) و فعل «تاسف خوردن» به صورت فعل متعدی (نیازمند مکمل) به کار رفته‌اند. فعل «افسوس خوردن» در هر دو مقوله لازم و متعدی مشاهده می‌شود. اینکه چگونه ممکن است فعلی هم بصورت لازم و هم متعدی ظاهر شود، به بافت کاربرد آن بستگی دارد. در افعال این زیرخوشه گاهی معنای فعل بدون

مکمل کامل است و در برخی بافت‌ها فعل نیازمند مکمل (عمدتاً از نوع محتوایی) است تا معنایش تکمیل شود. برای مثال می‌توان به نمونه‌های زیر از پیکره اشاره کرد:

- ... اگر من به جای شهردار محترم بودم به حال خودم تاسف می‌خوردم که چرا گول خوردم... (نوع فعل: متعدی)

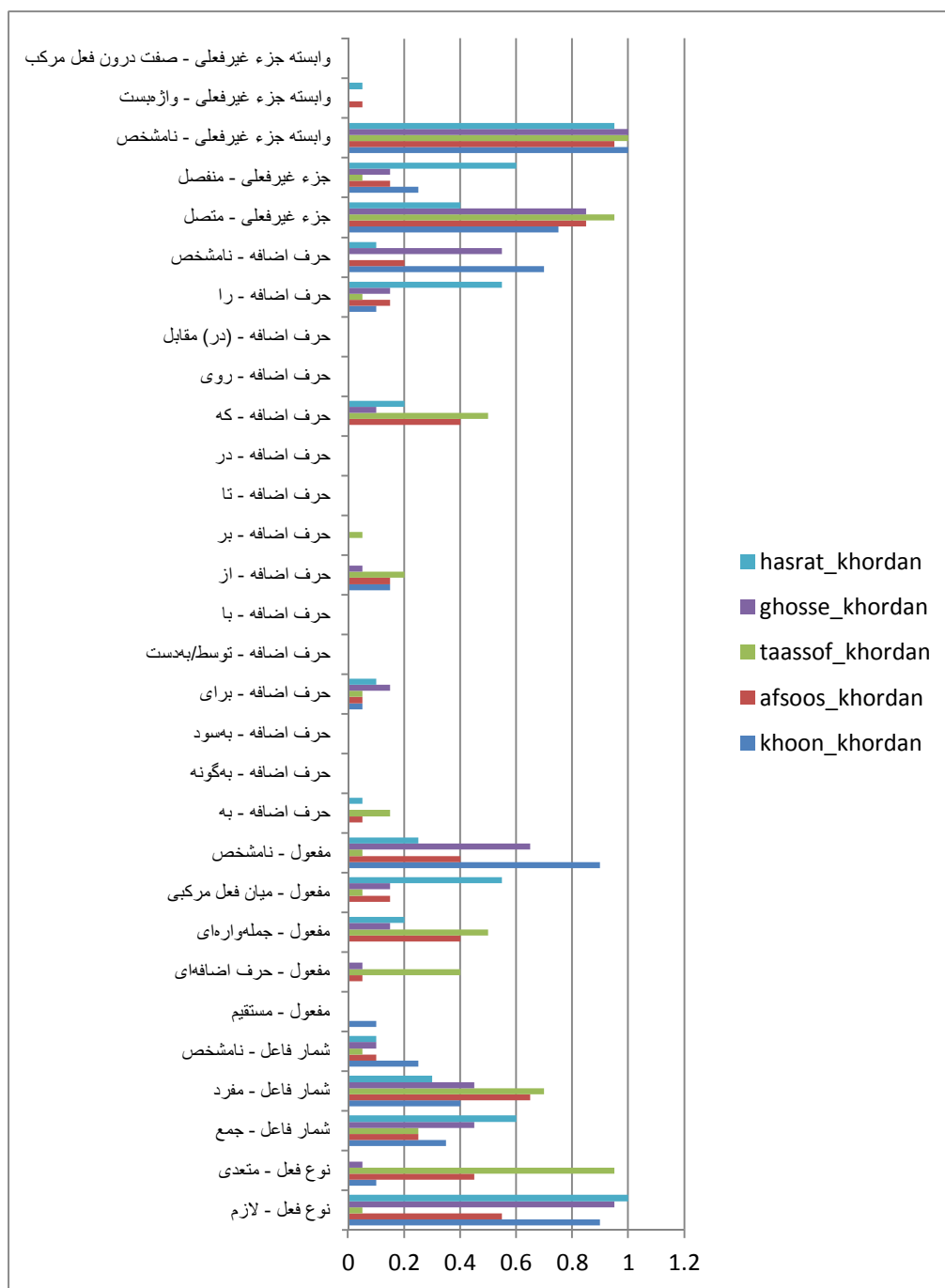
- نباید گونه‌ای رفتار کنیم که بعدها افسوس این روزها را بخوریم و دنبال مقصر بگردیم... (نوع فعل: لازم)

- هنوز پدر بزرگها و مادر بزرگهای ما افسوس می‌خورند که تلویزیون جای شنشینی‌های سنتی را گرفته... (نوع فعل: متعدی)

در خصوص شمار فاعل، «تاسف خوردن» و «افسوس خوردن» عمدتاً فاعل مفرد داشته‌اند. در حالی که فعل «حسرت خوردن» در اکثر موارد دارای فاعل جمع بوده است. در بقیه موارد کاربردهای مفرد و جمع کمابیش متناسب بوده است. انواع مفعول‌هایی که ممکن است این افعال را همراهی کند، در برخی افعال حضور چشمگیرتری دارند. مثلاً مفعول حرف اضافه‌ای برای فعل «تاسف خوردن» بیشتر از «غصه خوردن» و «افسوس خوردن» به کار رفته است و در مشخصه‌های مربوط به حرف اضافه نیز مشاهده می‌شود که حرف اضافه‌های این فعل عبارت بوده‌اند از «به»، «برای»، «از»، «بر» و «که». حرف اضافه جمله‌واره‌ای نیز برای فعل «تاسف خوردن» و «افسوس خوردن» بیشترین کاربرد را نسبت به بقیه داشته است. در واقع، فراوانی حروف اضافه جمله‌واره‌ای نشان می‌دهد، این افعال برای تکمیل معنای خود نیاز به یک جملهٔ پیرو داشته‌اند که عمدتاً با حرف اضافه «که» به جمله پایه مرتبط شده‌اند. در این میان مفعول برخی از افعال مرکب نظیر «حسرت خوردن» نیز غالباً به صورت میان-فعل-مرکبی به کار رفته است:

- ... با تلاش، پشتکار، عزم، اراده و غیرت خود به جایگاهی رسیدند که دیگران حسرت آن را می‌خورند...

از آنجا که مفعول میان-فعل-مرکبی بین دو جزء فعلی و غیرفعلی فعل مرکب واقع می‌شود، عمدتاً با «را» همراه می‌شود که با توجه به شکل ۴-۹ فراوانی حرف اضافه «را» برای فعل «حسرت خوردن» نیز بیش از دیگر افعال مرکب است. افعال مرکب این گروه در برخی از مواقع نیز به صورت بدون حرف اضافه به کار رفته‌اند که بیشترین میزان فراوانی از این حیث مربوط به دو فعل «غصه خوردن» و «خون (دل) خوردن» می‌شود.



شکل ۴-۹. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «اندوه/تاسف»

توزیع مشخصه‌های مربوط به منفصل‌بودن یا متصل‌بودن جزء غیر فعلی به فعل در افعال مذکور حاکی از آن است که در عمده افعال جزء غیر فعلی به فعل متصل بوده است. تنها در مورد فعل «حسرت خوردن»، اکثریت کاربرد به صورت منفصل است. همچنین فراوانی وابسته‌های جزء غیر فعلی عمدتاً

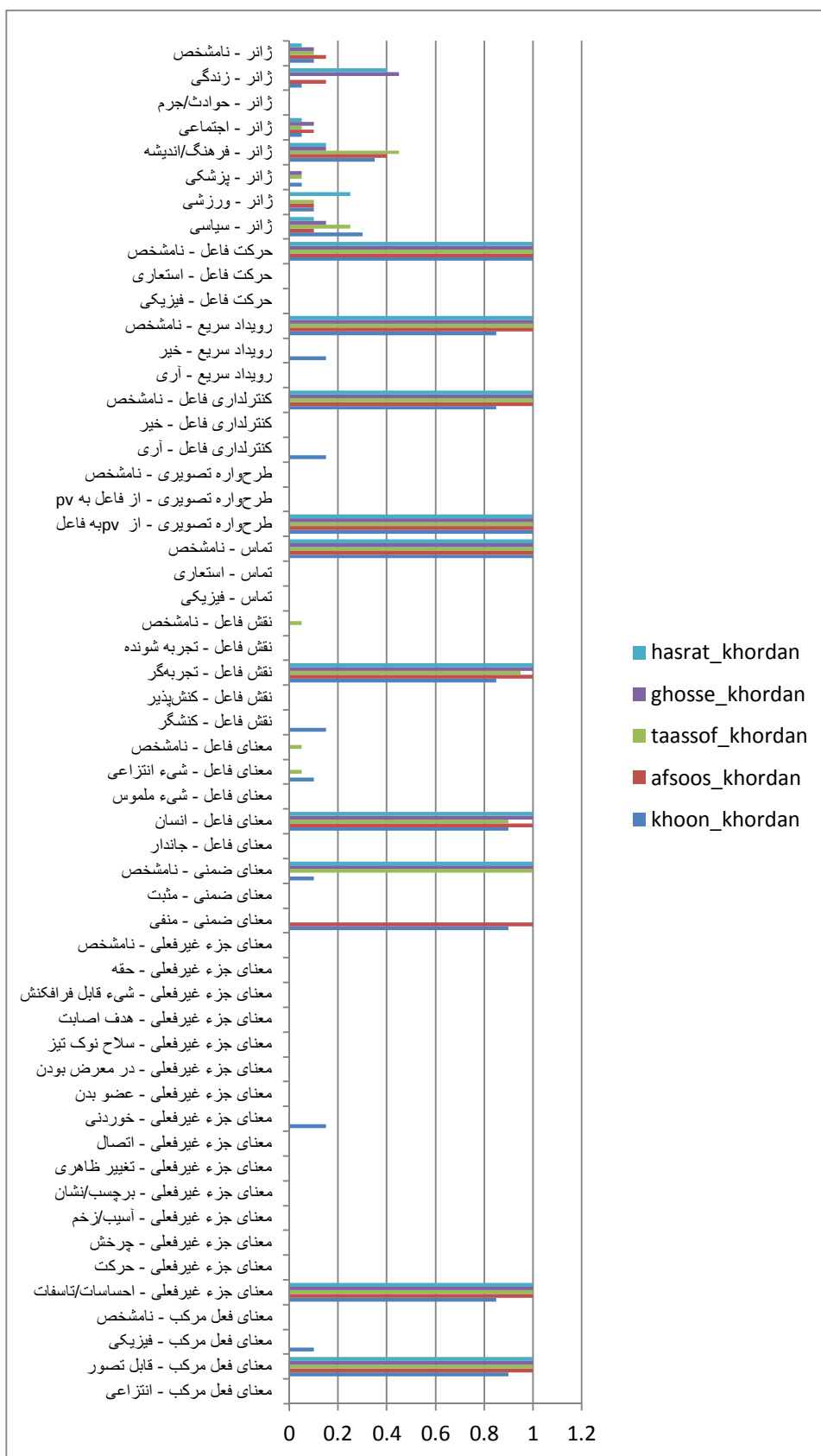
مشخصه «نامشخص» را نشان می‌دهد که نشان می‌دهد این افعال مرکب اکثراً فاقد وابسته جزء غیرفعلی بوده‌اند.

پس از پرداختن به مشخصه‌های نحوی، جدول ۴-۱۰ توزیع مشخصه‌های معنایی افعال مرکب مورد بررسی در این بخش را نشان می‌دهد. به لحاظ معنای کلی فعل مرکب، افعال این گروه نوعی طرح‌واره تصویری نشأت گرفته از «خوردن» را القا می‌کنند که در فعلی نظیر «خون (دل) خوردن» تبلور بیشتری می‌یابد. معنای جزء غیرفعلی در افعال این گروه، در مقوله «احساسات/تاسفات» قرار گرفته است و تنها در مورد فعل «خون خوردن» در مواردی معنای فیزیکی مشاهده می‌شود که معنای کلی «تاسف خوردن» را ندارد:

- باباها- اغلب- در مجالس اهل هوا خون قربانی را می‌خورند و هر بابا یا ماما با تعداد خون‌هایی که خورده است اعتبار و اهمیت پیدا می‌کند...

افعال «خون (دل) خوردن» و «افسوس خوردن» به نسبت دیگر افعال مقوله، دارای معانی ضمنی منفی در پیکره بوده‌اند. همچنین فاعل این افعال عمدتاً انسان بوده‌اند و در برخی موارد (مثلاً فعل «تاسف خوردن») اشیاء انتزاعی نیز در نقش فاعل این افعال مرکب واقع شده‌اند. نقش فاعل در افعال این گروه عمدتاً به صورت «تجربه‌گر» در پیکره ظاهر شده است، چرا که به صورت غیرارادی احساسی را تجربه می‌کند. در این افعال جهت طرح‌واره تصویری از جزء غیرفعلی به سمت فاعل است. در خصوص مشخصه «کنترل‌داری فاعل»، اکثر کاربردهای پیکره برجسب «نامشخص» خورده است که به دلیل نامشخص بودن دخالت اراده در فرایند احساسی فعل بوده است. همچنین مشخصه‌های «سرعت رویداد» و «حرکت فاعل» اکثر افعال نیز دارای مشخصه «نامشخص» بوده‌اند.

بررسی ژانر متنی که افعال مرکب در آن به کار رفته‌اند، نشان‌دهنده کاربرد کمابیش توزیع‌شده در تمامی ژانرها به غیر از ژانر حوادث/جرم است. البته برخی از افعال مرکب در برخی از ژانرها کاربردهای بیشتری داشته‌اند. مثلاً فعل «تاسف خوردن» دارای بیشترین کاربرد در ژانر فرهنگ/اندیشه و سیاسی است. همچنین فعل «افسوس خوردن» دارای بیشترین کاربرد در ژانر فرهنگ/اندیشه است. فعل «حسرت خوردن» بیشتر در ژانرهای زندگی و ورزشی به کار رفته است. همچنین بیشترین کاربرد فعل «غصه خوردن» در ژانر زندگی است.



شکل ۴-۱۰. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «اندوه/تأسف»

۴-۲-۲. خوشه اصلی (۲)

خوشه ۲ که در شکل ۴-۱ مشخص شده است، دارای تنوع معنایی بیشتری نسبت به خوشه ۱ است. معانی خوشه ۲ با توجه به شباهت میان زیرخوشه‌های دسته به ۸ مقوله معنایی تقسیم‌بندی شده‌اند. این ۸ گروه معنایی با در نظر گرفتن بیشینه‌سازی شباهت و تعمیم تقسیم‌بندی شده‌اند و قطعاً می‌توان تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز از این داده‌ها به دست داد. برخی از مشخصه‌های معنایی خوشه اصلی (۲) که آن را از خوشه اصلی (۱) متمایز می‌کند از قرار زیر است:

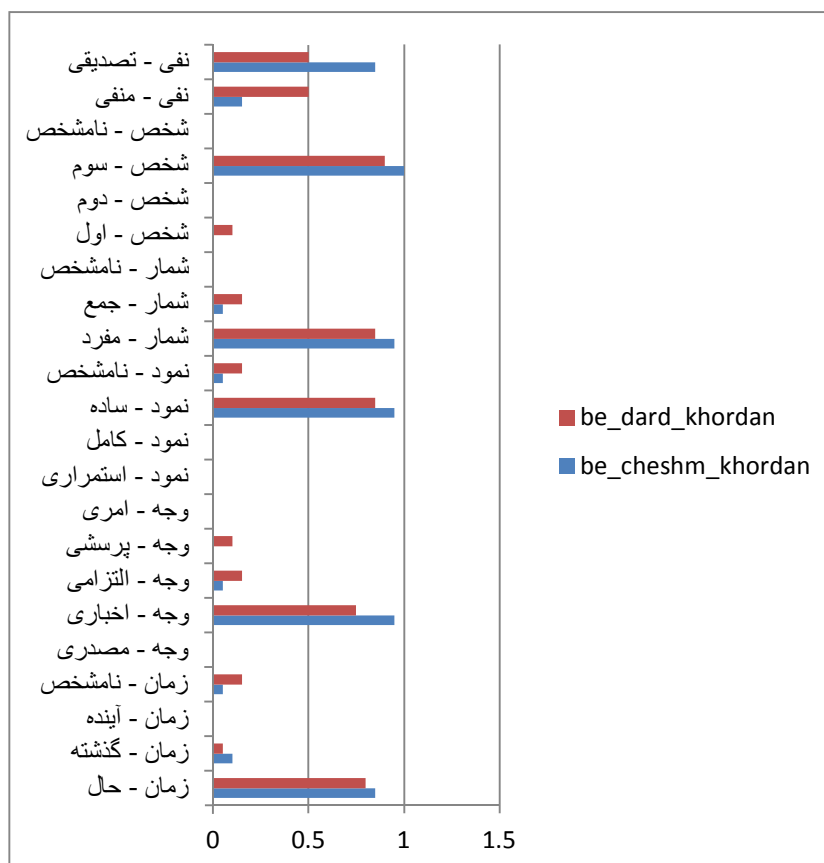
- فاعل افعال خوشه (۲) لزوماً جاندار و انسان نیست.
- کنشی که اکثر افعال مرکب خوشه (۲) به آن تحقق می‌بخشند، معمولاً کنشی غیرارادی و خارج از کنترل فاعل است.
- خوشه ۲ خود به دو زیرخوشه عمده ۲-۱ و ۲-۲ تقسیم شده است که در هر کدام مشخصه‌های بخصوصی دیده می‌شود. مثلاً در زیرخوشه ۲-۱ ویژگی معنایی «حرکت» در فاعل چه به لحاظ استعاری و چه به لحاظ فیزیکی مشهود است. در زیرخوشه ۲-۲، معنای «اثرپذیری مخرب» مشهودتر است، بدان معنا که در افعال این زیرخوشه، فاعل پذیرای نوعی اثر مخرب ناخواسته به صورت فیزیکی و یا استعاری می‌شود.

۴-۲-۲-۱. زیرخوشه «دریافت حسی»

در این زیرخوشه، دو فعل مرکب «به چشم خوردن» و «به درد خوردن» قرار گرفته است. به نظر می‌رسد اعضای این زیرخوشه نوعی دریافت اطلاعات به طریق حواس را القا می‌کند. در نمونه‌های تحلیل شده در پیکره که بر اساس فراوانی افعال مرکب صورت گرفته، افعال «به چشم خوردن» و «به درد خوردن» از فراوانی بیشتری برخوردار بوده‌اند، اگرچه این زیرخوشه می‌تواند افعال دیگری را نیز نظیر «به گوش خوردن» (مثلاً در جمله‌ای مانند: /سَمش تابحال به گوشم نخورده است/) شامل شود. در این افعال، فاعل جمله به صورت استعاری در قالب شیئی در حال حرکت مفهوم‌سازی می‌شود که به حواس انسان می‌رسد.

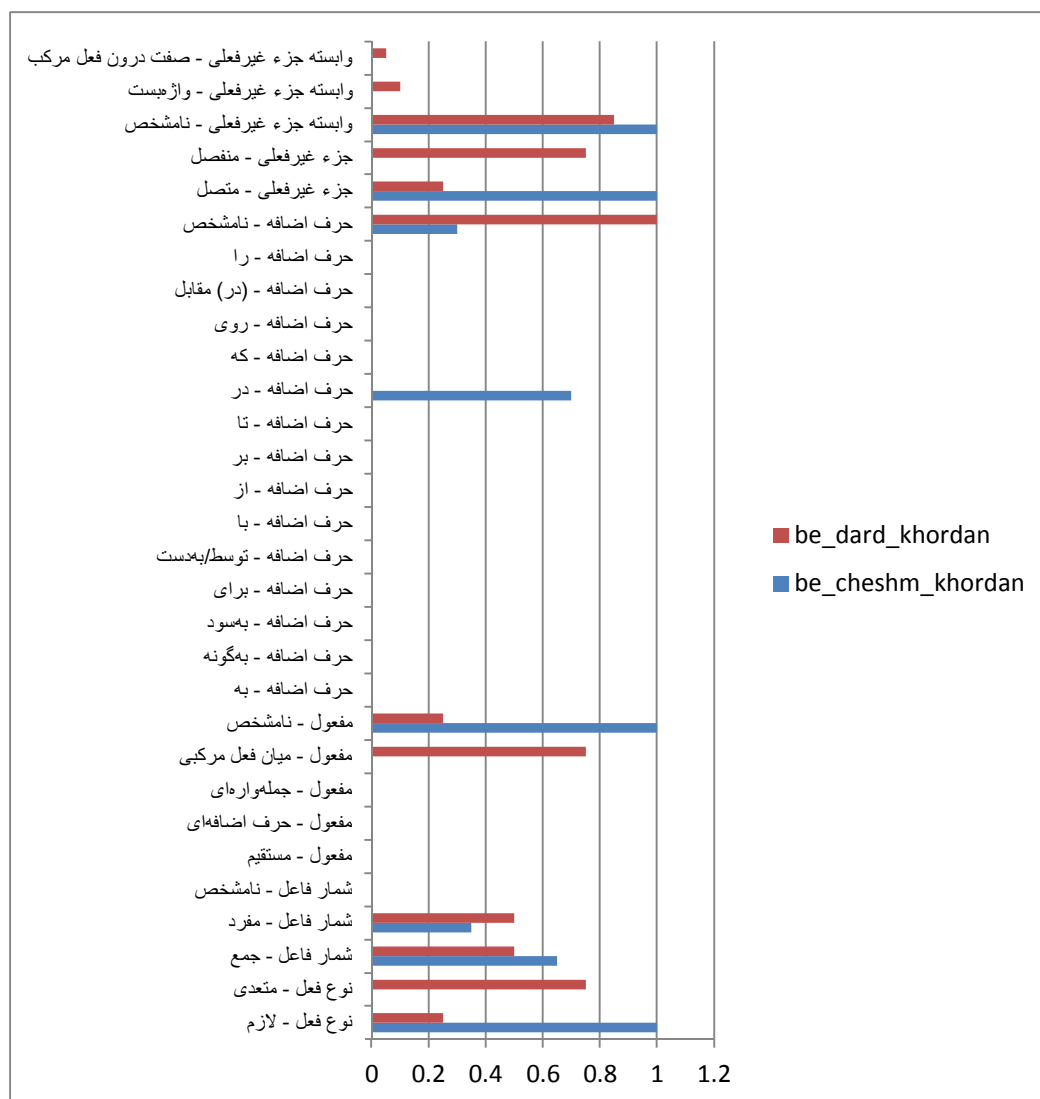
شکل ۴-۱۱ توزیع مشخصه‌های ساختواری زیرخوشه «دریافت حسی» را نشان می‌دهد. مطابق شکل، فراوانی در مشخصه‌های زمان و وجه به ترتیب زمان حال و وجه اخباری را نشان می‌دهد. نمود این افعال نیز عمدتاً به صورت ساده در پیکره به کار رفته است. در رابطه با مشخصه شمار و شخص نیز، به

ترتیب شمار مفرد و سوم شخص بیشترین کاربرد را نشان می‌دهند. در نهایت مشخصه «نفی»، توزیعی به مراتب متنوع‌تر را نشان می‌دهد. به گونه‌ای که نیمی از کاربردهای فعل «به درد خوردن» به صورت نفی و نیمی دیگر به صورت تصدیقی است. در مورد فعل «به چشم خوردن» اکثریت کاربردها به صورت تصدیقی بوده است.



شکل ۴-۱۱. توزیع مشخصه‌های ساختوازی در افعال مرکب با معنای «دریافت حسی»

با توجه به شکل ۴-۱۱، توزیع مشخصه‌های ساختوازی افعال فوق توزیعی به اصطلاح قطبی شده را نشان می‌دهد. بدان معنا که در هریک از مقوله‌های برچسبی (نظیر زمان، وجه، نمود و غیره) تنها یک مشخصه اکثریت قریب به اتفاق فراوانی کاربردها را به خود اختصاص داده و دیگر برچسب‌های همان مقوله اختلاف زیادی با آن دارند. این توزیع قطبی شده می‌توان نشان‌دهنده آن باشد که معنای دو فعل مرکب «به چشم خوردن» و «به درد خوردن» حالتی اصطلاحی به خود گرفته و در معنایی کاملاً غیر ترکیبی (non-compositional) و استعاری به کار رفته است.



شکل ۴-۱۲. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «دریافت حسی»

شکل ۴-۱۲ توزیع مشخصه‌های نحوی افعال مذکور را نشان می‌دهد. در باب برچسب «نوع فعل» مشاهده می‌شود که فعل «به‌چشم خوردن» تماماً فعلی لازم و فعل «به‌درد خوردن» عمدتاً با کاربردهای متعدی به کار رفته است:

- فیلم را اگر فرصتی شد حتماً ببینید، چیزهایی دارد که به درد هر کسی می‌خورد و خلاصه از دیدنش دست خالی برنمی‌گردید.

هر دو فعل مرکب، دارای توزیع نسبتاً متناسبی از شمار مفرد و جمع برای فاعل بوده‌اند، هرچند اندکی شمار جمع برای فعل «به‌چشم خوردن» بیشتر بوده است. در رابطه با نوع مفعول مورد استفاده با این

افعال، مشاهده می‌شود که اکثر مفعول‌ها برای فعل «به درد خوردن» به صورت میان-فعل-مربک به کار رفته‌اند. فعل «به چشم خوردن» نیز فاقد مفعول بوده است. همچنین بررسی حرف اضافه‌ها نشان می‌دهد که تنها حرف اضافه «در» به همراه فعل «به چشم خوردن» به کار رفته است:

- ... این حدیث را سندی نیست و در هیچ یک از مجموعه های حدیثی این روایت به چشم نمی‌خورد...

در مورد منفصل یا متصل بودن جزء غیرفعلی، برای فعل «به چشم خوردن» تمامی موارد به صورت متصل و برای فعل «به درد خوردن» اکثر موارد به صورت منفصل به کار رفته است. افعال مورد مطالعه همچنین در اکثر کاربردهایشان فاقد وابسته جزء غیرفعلی بوده‌اند. این وابسته‌ها در صورت وجود تنها برای فعل «به درد خوردن» که جزء غیرفعلی آن قابلیت انفصال داشته مشاهده شده‌اند و به صورت واژه‌بست و صفت ظاهر شده‌اند:

- ... فرضیاتی که با آنها زندگی ام را آغاز کرده بودم دیگر به دردم نمی‌خورند و کافی نیستند... (واژه‌بست)

- ... در توجیه می‌گویند تغذیه و حفظ امنیت در اولویت است زیرا جاده و ساختمان به درد آدم مرده نمی‌خورد... (صفت)

شکل ۴-۱۳ توزیع مشخصه‌های معنایی افعال «به چشم خوردن» و «به درد خوردن» را نشان می‌دهد. معنای فعل مرکب در هر دو فعل به صورت «قابل تصور» برچسب خورده است و بنابراین در حوزه‌های فیزیکی کاربرد نداشته است. مشخصه «معنای جزء غیرفعلی» برای فعل «به چشم خوردن»، برچسب «عضو بدن» را نشان می‌دهد و برای فعل «به درد خوردن» نامشخص است.

نکته قابل توجه در مشخصه‌های معنایی این دو فعل، معنای ضمنی آنها در کاربردهای پیکره است. طبق شکل ۴-۱۳ برای هر دو فعل، معنای ضمنی منفی بیش از سایر معانی ضمنی مشاهده شده در پیکره است. هر دو فعل در معنای ضمنی مثبت نیز به کار رفته‌اند اما معنای ضمنی منفی فعل «به چشم خوردن» بیشتر از معنای ضمنی مثبت این فعل است. همچنین توزیع معانی فاعل نشان می‌دهد که فعل «به درد خوردن» بیشتر با فاعل شیء انتزاعی سپس شیء ملموس و در نهایت با فاعل انسان به کار رفته است. فعل «به چشم خوردن» فاعل انسانی ندارد و عمده کاربردهای آن نیز شیء ملموس و سپس شیء انتزاعی است.



شکل ۴-۱۳. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «دریافت حسی»

مشخصه «نقش فاعل» برای دو فعل مذکور اندکی متفاوت است به گونه‌ای که برای فعل «به چشم خوردن» فاعل نقش تجربه‌شونده را دارد در حالی که برای فعل «به درد خوردن» این نقش دارای ابهام است. در هر دو فعل، ویژگی تماس به صورت استعاری نمود می‌یابد و جهت طرح‌واره تصویری از فاعل به سوی جزء غیرفعلی است. هر دو فعل دارای کنترل‌داری نامشخص هستند. در مورد مشخصه سرعت رویداد، رخدادها در فعل «به چشم خوردن» به صورت آنی و سریع مفهوم‌سازی شده‌اند، در حالی که در مورد فعل «به درد خوردن» این سرعت دیده نمی‌شود. همچنین در مورد مشخصه حرکت فاعل، در نمونه‌های پیکره‌ای فعل «به چشم خوردن» حرکت حالتی استعاری دارد در حالی که ماهیت حرکت برای فعل «به درد خوردن» مبهم است. در نهایت بررسی ژانرهای استفاده‌شده از این افعال نشان می‌دهد که عمده کاربرد افعال مذکور در ژانر فرهنگ/اندیشه بوده است. ژانرهای گفتمانی سیاسی و زندگی نیز در میان کاربردهای پیکره دیده می‌شود.

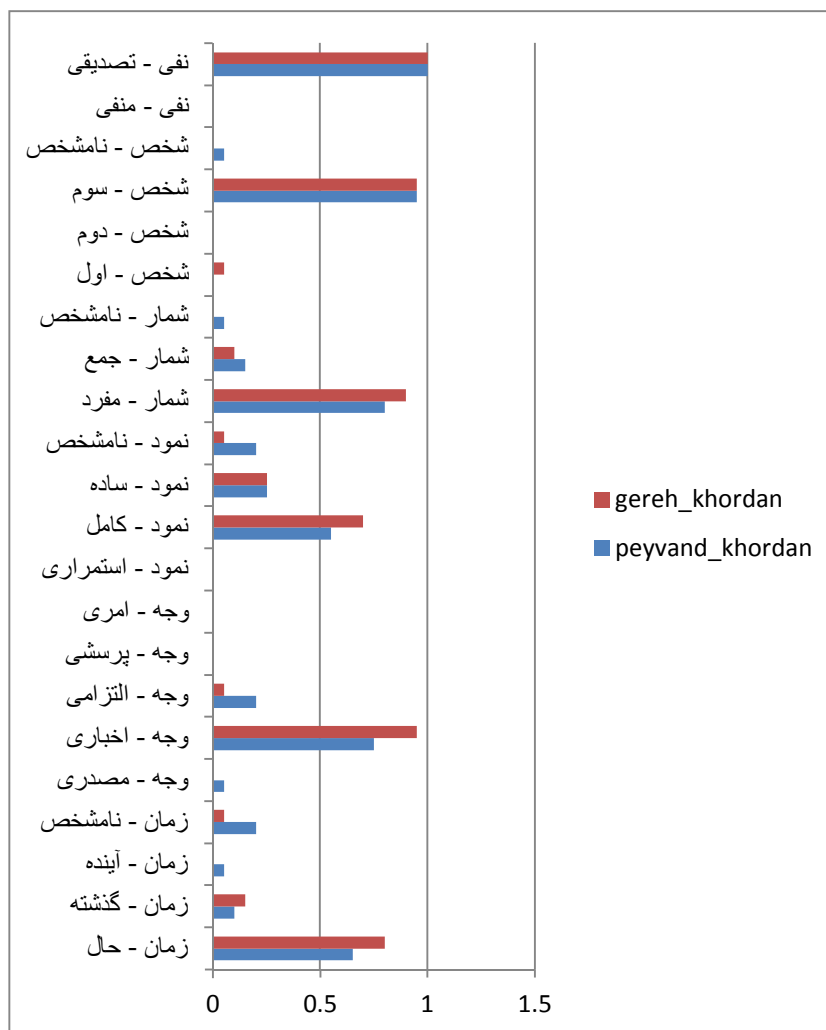
۴-۲-۲. زیرخوشه «اتصال»

در این زیرخوشه، دو فعل مرکب «گره خوردن» و «پیوند خوردن» جای گرفته‌اند که معانی و کاربردهای مشابهی را در پیکره دارند. برخی تفاوت‌های ظریف معنایی بین این دو فعل مرکب وجود دارد که در ادامه تحلیل داده‌ها به آنها اشاره خواهد شد.

شکل ۴-۱۴ توزیع فراوانی کاربردهای پیکره‌ای این دو فعل را برای مشخصه‌های ساختواری نشان می‌دهد. بررسی توزیع کاربردهای مربوط به مشخصه زمان افعال نشان می‌دهد که عمده کاربردهای افعال در زمان حال و سپس در زمان گذشته بوده است. کاربرد زمان آینده فقط برای فعل «پیوند خوردن» مشاهده می‌شود. برچسب زمانی «نامشخص» عمدتاً برای کاربردهایی اختصاص یافته که فعل به صورت بدون زمان (مثلاً التزامی) به کار رفته است که بررسی داده‌ها نشان می‌دهد کاربرد بدون زمان فعل «پیوند خوردن» بیشتر از فعل «گره خوردن» بوده است. در مشخصه «وجه» دستوری، فراوانی وجه اخباری برای هر دو فعل بیشتر از سایر وجوه است. در مورد مشخصه «نمود»، بیشترین کاربردها مربوط به نمود کامل و سپس نمود ساده است.

توزیع مشخصه‌های مربوط به شمار و شخص این افعال مرکب نشان می‌دهد که کاربردهای پیکره‌ای این افعال اکثراً با شمار مفرد و سوم شخص بوده است. بررسی آخرین مشخصه ساختوازی نشان می‌دهد که کلیه نمونه‌های این افعال در پیکره به صورت تصدیقی و بدون نفی به کار رفته است.

اطلاعاتی که از توزیع مشخصه‌های ساختوازی به دست می‌آید، نشان می‌دهد که افعال «گره خوردن» و «پیوند خوردن» عمدتاً به صورت حال کامل سوم شخص مفرد به کار رفته‌اند: نظیر «پیوند خورده است» یا «گره خورده است».



شکل ۴-۱۴. توزیع مشخصه‌های ساختوازی در افعال مرکب با معنای «اتصال»

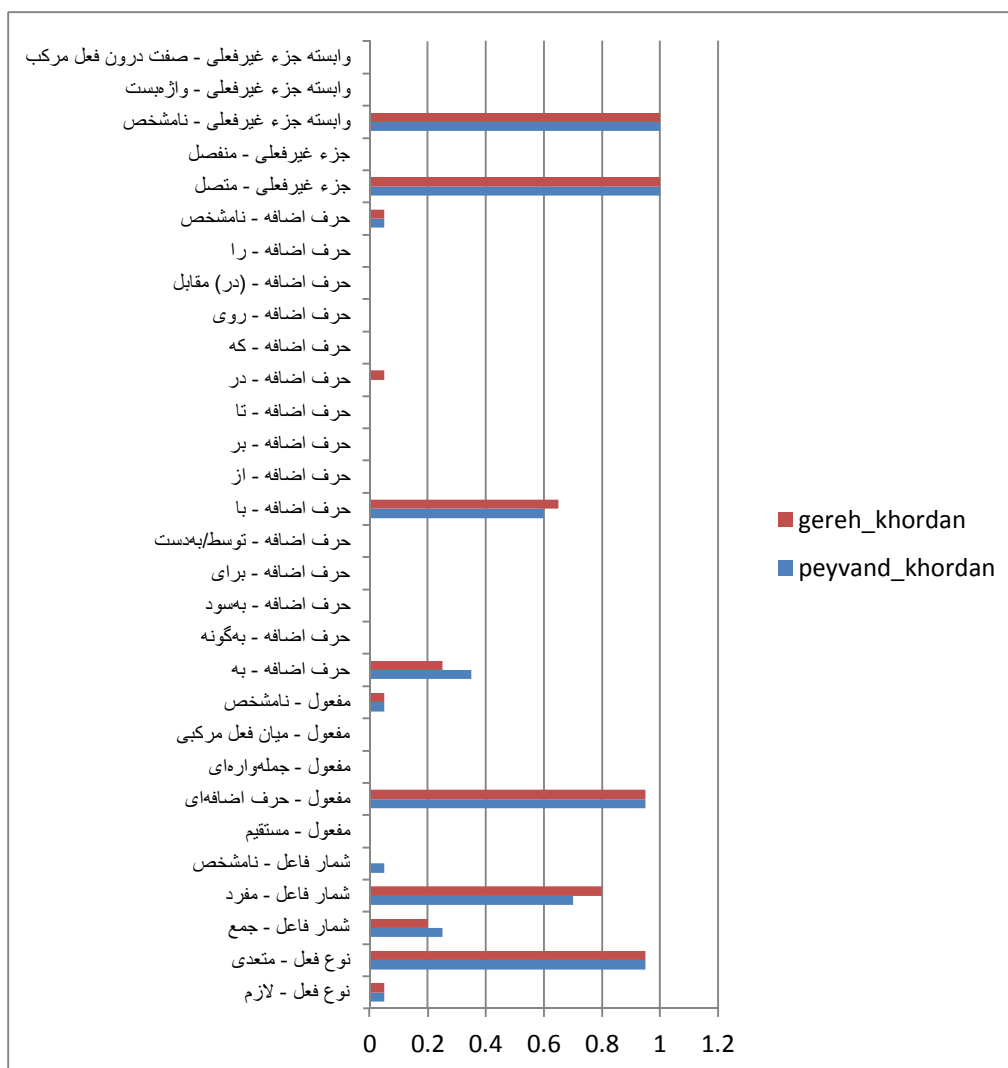
شکل ۴-۱۵ فراوانی کاربردهای مربوط به مشخصه‌های نحوی دو فعل را نشان می‌دهد. در نگاه نخست کاملاً مشهود است که اکثر مشخصه‌های نحوی افعال «پیوند خوردن» و «گره خوردن» دارای فراوانی مشابهی بوده‌اند. اولین مشخصه معنایی، نوع فعل است که غالباً به صورت فعل متعدی (نیازمند مفعول) به کار رفته است. همچنین شمار فاعل در اکثر نمونه‌های پیکره‌ای این افعال، شمار مفرد بوده است. در بررسی نوع مفعول این افعال، همانگونه که پیش‌بینی می‌شود، غالب مفعول‌ها مفعول حرف اضافه‌ای بوده‌اند و در چند نمونه بسیار نادر نیز افعال بدون مفعول به کار رفته‌اند. بیشترین میزان حرف اضافه‌های به کار رفته با این دو فعل، حرف اضافه «با» و بعد از آن حرف اضافه «به» است. به کار گیری حرف اضافه «در» برای فعل «گره خوردن» نیز در پیکره مشاهده شده است:

- این معضل رفع نمی‌شود مگر اینکه محتوای کتاب با زندگی مردم پیوند بخورد.
- واقعیت این است که سیاست خارجی ایران در شرایط حاضر به چگونگی روابط کشور ما با آمریکا گره خورده است.
- بعد از ده دقیقه نگاهش در نگاهم گره خورد.

همچنین مشخصه‌های مربوط به شیوه‌های اتصال اجزاء غیرفعلی به فعل نشان می‌دهد که در تمامی کاربردهای پیکره، جزء غیرفعلی به جزء فعلی فعل مرکب متصل بوده است. به علاوه اینکه اجزاء غیرفعلی فاقد هر گونه وابسته بوده‌اند.

نمودار ۴-۱۶ فراوانی مربوط به مشخصه‌های معنایی افعال «پیوند خوردن» و «گره خوردن» را نشان می‌دهد. در خصوص معنای کلی فعل مرکب، در تمامی نمونه‌های پیکره، کاربردها معنایی قابل تصور داشته‌اند. همچنین معنای جزء غیرفعلی در هر دو فعل، با معنای «اتصال» برچسب خورده است. در خصوص مشخصه «معنای ضمنی»، اکثریت کاربردها معنای ضمنی خاصی نداشته‌اند، اما در مواردی که معنای ضمنی مشاهده شده است توزیع آن برای دو فعل متفاوت بوده است. برای مثال معنای ضمنی منفی برای فعل «گره خوردن» بیشتر بوده در حالی که فعل «پیوند خوردن» معنای ضمنی مثبت تری داشته است:

- هرچه هست اکنون در ایران سنت پیچیده ازدواج با خواستگاری رفتن پسرها گره خورده است (معنای ضمنی منفی)
- ... شوراهای اسلامی امروزه بیش از هر نهاد دیگری در جامعه با مفهوم مشارکت پیوند خورده‌اند (معنای ضمنی مثبت)



شکل ۴-۱۵. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «اتصال»

فراوانی کاربردهای مربوط به مشخصه «معنای فاعل» نشان می‌دهد که اکثریت کاربردهای پیکره در هر دو فعل دارای فاعل با مشخصه معنایی «شیء انتزاعی» بوده است. فاعل‌هایی با معنای «شیء ملموس» و «انسان» نیز در داده‌ها مشاهده شده است.

بررسی نقش معنایی (نقش‌های تتا) این افعال نشان می‌دهد که نقش معنایی «گره خوردن» تماماً کنش‌پذیر بوده است، در حالی که تعداد کمی از فاعل‌های فعل «پیوند خوردن» کنش‌پذیر بوده و اکثریت آن نامشخص بوده است:

- اما ایران تقریباً به همگی افغان‌ها اجازه داده است که با بافت شهری در این کشور پیوند بخورند. (نقش معنایی فاعل: نامشخص)

- این پرسش نظری به مبحث بسیار مهم و در عین حال مغفول شاخص‌ها در علوم سیاسی پیوند می‌خورد. (نقش معنایی فاعل: کنش‌پذیر)

مثلاً در نمونه‌های فوق پیوند خوردن افغان‌ها با بافت شهری، از سوی کنشگر بیرونی اعمال نمی‌شود و به نظر می‌رسد که فرایندی خودبخودی است. اما در نمونه دوم، فاعل نقش کنش‌پذیر دارد زیرا پیوند خوردن پرسش نظری به مبحثی در علوم سیاسی، فرایندی خودبخودی نیست و ناشی از تعقل پیشینی یک کنشگر بیرونی است.

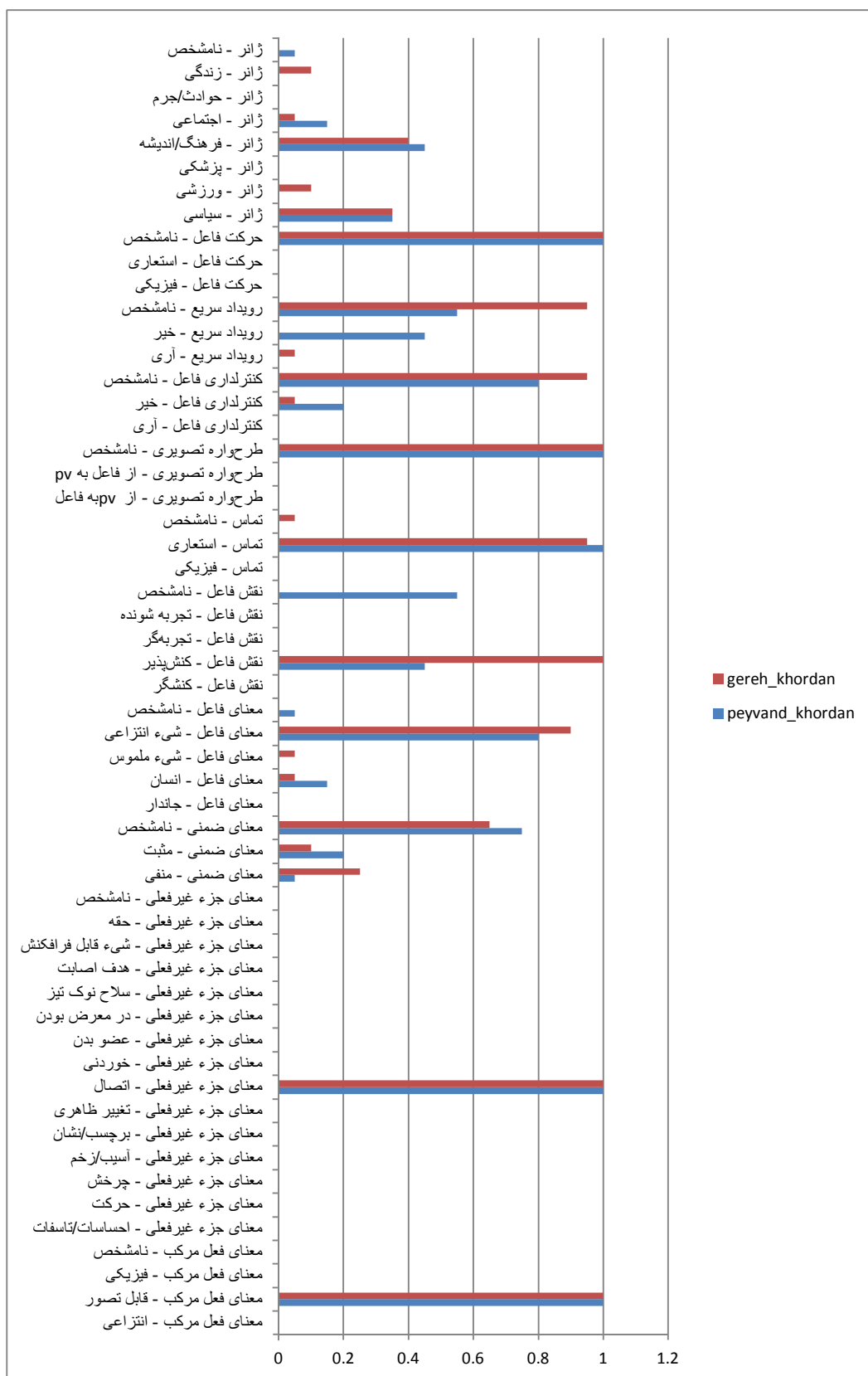
در باب مشخصه «تماس»، بررسی داده‌ها در پیکره نشان می‌دهد که معنای تماس در افعال این گروه به صورت عمدتاً استعاری بوده است. همچنین برای مشخصه طرح‌واره تصویری، جهت مشخصی از فاعل به جزء غیرفعلی یا برعکس نمی‌توان مشخص کرد. فراوانی‌های مربوط به مشخصه «کنترل‌داری فاعل» نیز نشان می‌دهد که در اکثریت داده‌ها کنترل‌داری فاعل نامشخص بوده است. در مواردی که فاعل فاقد کنترل بوده، نقش فعل «پیوند خوردن» چشمگیرتر است.

سرعت رویداد این افعال در اکثر کاربردها نامشخص یا مبهم است. در کاربردهایی که رویداد سریع بوده یا فاقد سرعت بوده، مشاهده شده که تمامی رویدادهای غیرسریع از آن فعل «پیوند خوردن» است و در چند نمونه نادر نیز فعل «گره خوردن» رویداد سریع بوده است، مانند نمونه زیر:

- در بازی با پاکستان هنگامی که کار گره می‌خورد، این مشکل را به خوبی می‌شد در چهره بازیکنان ایران خواند... (رویداد سریع)

- ... انگیزه‌های بسیار قوی وجود داشته تا نظام قضایی کشور هرچه بیشتر با مفاهیم دینی پیوند بخورد... (رویداد غیرسریع)

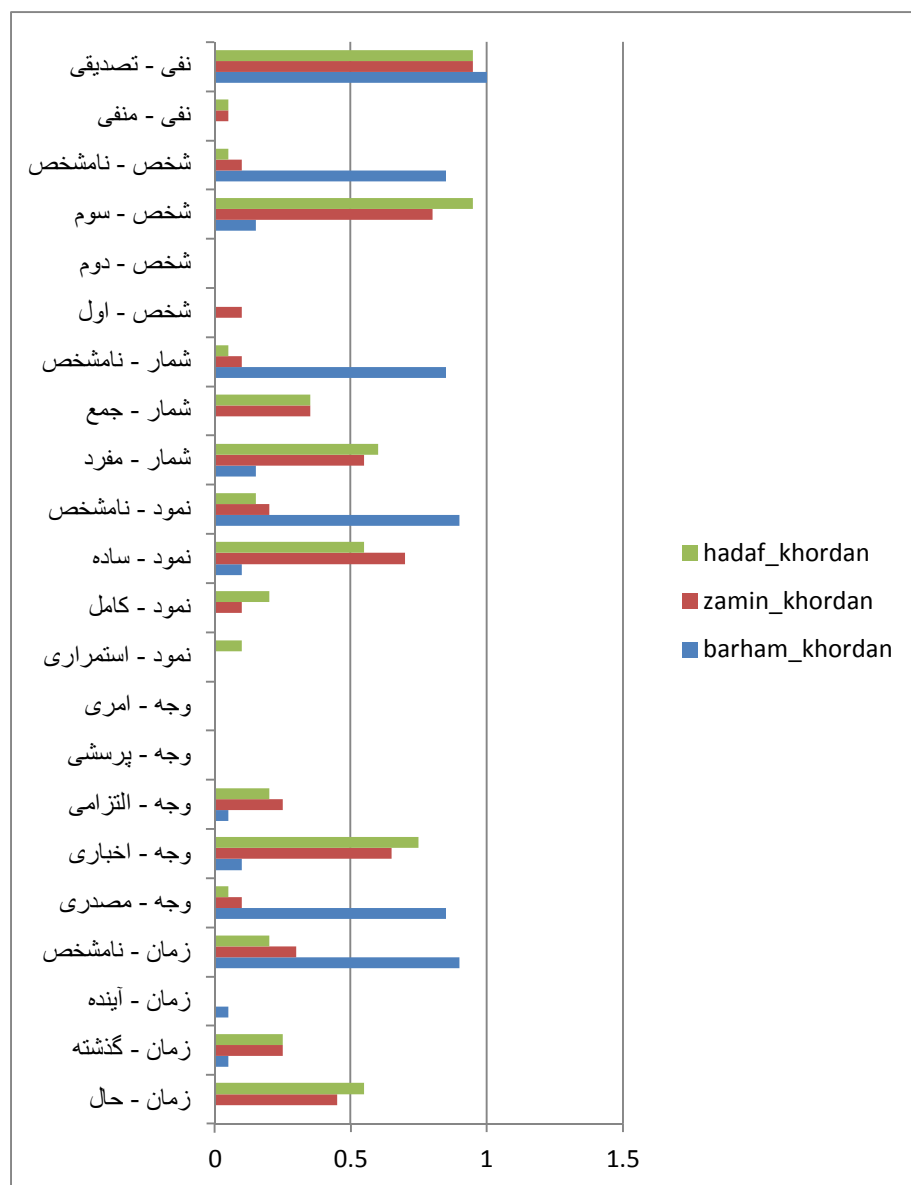
با توجه به نمونه‌های پیکره، مشخصه «حرکت فاعل» به روشنی قابل تشخیص نبود. در نهایت توزیع این افعال در ژانرهای مختلف مشاهده می‌شود. اکثریت کاربردهای دو فعل «گره خوردن» و «پیوند خوردن» در ژانر فرهنگ و اندیشه با نسبت تقریباً یکسان دیده می‌شود. پس از آن هر دو در ژانرهای سیاسی کاربرد داشته‌اند. به نظر می‌رسد کاربرد در این دو ژانر انتزاعی با فراوانی معنای انتزاعی فاعل این افعال مرتبط باشد. همچنین فعل «گره خوردن» به تنهایی در ژانرهای «زندگی» و «ورزشی» کاربرد داشته است، و کاربرد فعل «پیوند خوردن» در ژانر اجتماعی بیشتر بوده است.



شکل ۴-۱۶. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «اتصال»

۴-۲-۳. زیرخوشه «اصابت»

یکی دیگر از زیرخوشه‌های خوشه اصلی (۲)، زیرخوشه‌ای با سه فعل مرکب «هدف خوردن»، «زمین خوردن» و «برهم خوردن» است. در این افعال، فاعل به صورت فیزیکی یا استعاره‌ای به جزء غیرفعلی فعل مرکب برخورد می‌کند و این امر سبب می‌شود اعضای این زیرخوشه دارای نوعی حرکت باشند.



شکل ۴-۱۷. توزیع مشخصه‌های ساختوازی در افعال مرکب با معنای «اصابت»

شکل ۴-۱۷ توزیع کاربردهای افعال این گروه را به لحاظ مشخصه‌های ساختوازی آنها نشان می‌دهد. در بررسی اجمالی شکل، نزدیکی کاربردهای دو فعل «هدف خوردن» و «زمین خوردن» بارز است و فعل «برهم خوردن» اکثراً توزیع متفاوتی نسبت به آن دو فعل نامبرده دارد. از این رو در نمودار درختی نیز دو فعل «هدف خوردن» و «زمین خوردن» به طور مستقیم به یکدیگر متصل شده‌اند و سپس فعل «برهم خوردن» به آنها متصل شده است.

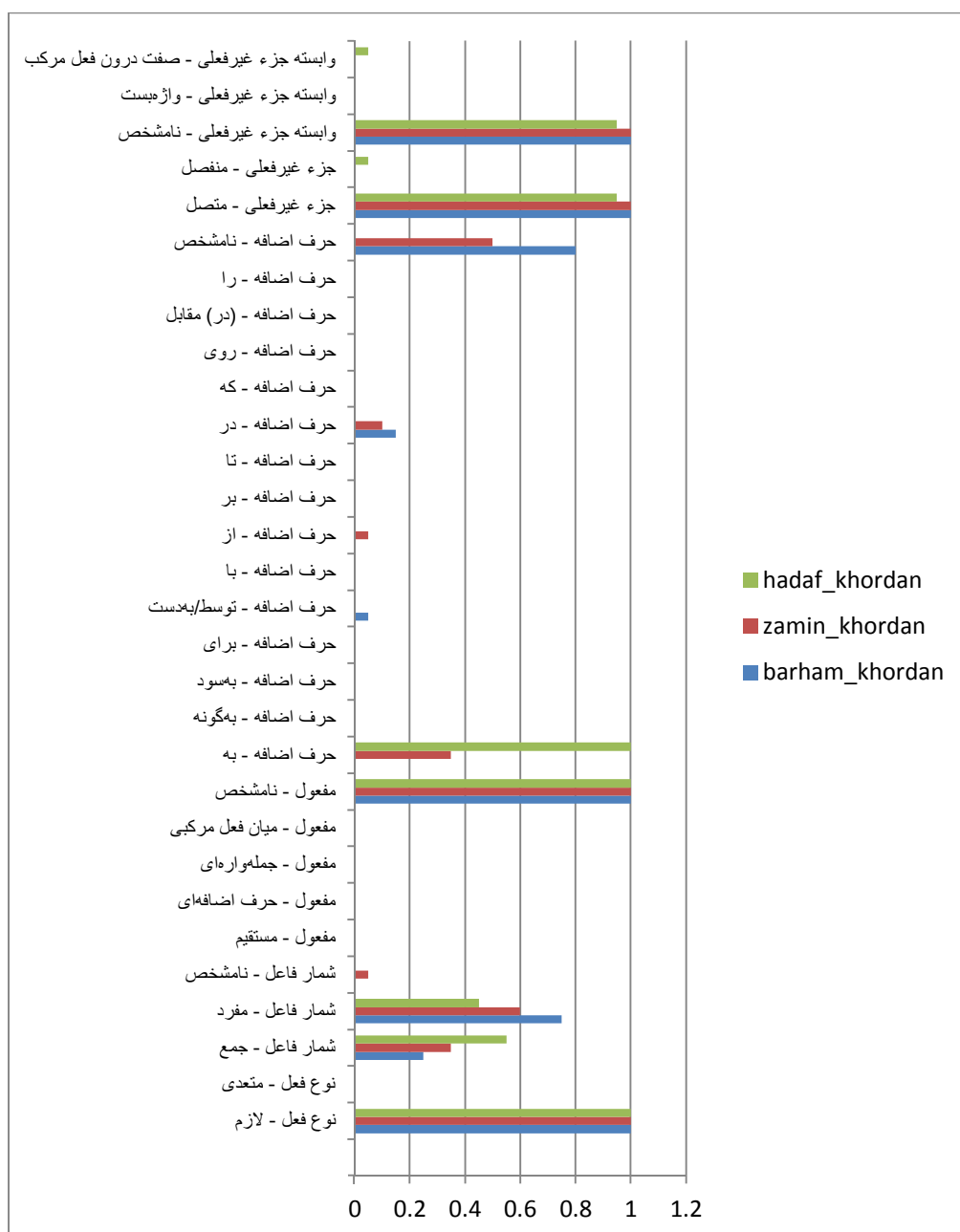
طبق شکل ۴-۱۷، توزیع کاربردهای مربوط به زمان افعال نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی افعال مرکب «هدف خوردن» و «زمین خوردن» در زمان حال بوده، در حالی که فعل «برهم خوردن» به لحاظ زمان دستوری وضعیت نامشخص داشته که می‌تواند دال بر کاربرد این فعل به صورت مصدری یا التزامی باشد. با بررسی مشخصه‌های مربوط به «وجه» مشخص می‌شود که فراوانی وجه مصدری برای فعل «برهم خوردن» بیش از سایر وجوه است. افعال «هدف خوردن» و «زمین خوردن» نیز به ترتیب دارای بیشترین کاربرد در وجه اخباری و التزامی بوده‌اند. بررسی مشخصه «نمود» نشان می‌دهد که به استثناء موارد نامشخص بیشترین فراوانی مربوط به نمود ساده و سپس نمود کامل است.

همچنین بیشترین شمار دستوری، در دو فعل «هدف/زمین خوردن» از آن شمار مفرد و سپس شمار جمع است. از آنجایی که فعل «برهم خوردن» اغلب به صورت مصدری به کار رفته است، فاقد شمار دستوری مشخصی است. بررسی شخص دستوری نیز نشان می‌دهد که بیشترین کاربرد داده‌ها با سوم شخص بوده است. به علاوه، اکثریت کاربردهای افعال این گروه به لحاظ مشخصه «نفی» تصدیقی بوده است و فقط در شمار اندکی از افعال «هدف/زمین خوردن» فعل به صورت منفی به کار رفته است.

پس از بررسی مشخصه‌های ساختوازی، شکل ۴-۱۸ مشخصه‌های نحوی افعال گروه «اصابت» را نشان می‌دهد. افعال این گروه همگی به صورت فعل لازم در پیکره به کار رفته‌اند. فاعل این افعال با شمار دستوری متفاوتی به کار رفته‌اند. بیشترین فراوانی فاعل مفرد به ترتیب در افعال «برهم خوردن»، «زمین خوردن» و «هدف خوردن» و برای فاعل جمع به ترتیب در افعال «هدف خوردن»، «زمین خوردن» و «برهم خوردن» مشاهده شده است.

در کاربردهای افعال گروه «اصابت»، بعضی از حروف اضافه به طور مکرر به همراه جزء غیرفعلی مشاهده شده‌اند. مثلاً فعل «هدف خوردن» تماماً با حرف اضافه «با» در پیکره آمده است. این حرف اضافه در حدود نیمی از موارد نیز به همراه فعل «زمین خوردن» دیده شده است. تعداد اندکی از نمونه‌های افعال «برهم خوردن» و «زمین خوردن» نیز با حرف اضافه «در» ثبت شده‌اند. جزء غیرفعلی

این افعال تقریباً همگی به صورت متصل به فعل آمده‌اند، به استثناء یک مورد از فعل «هدف خوردن» که به صورت منفصل دیده شده است. همچنین جزء غیرفعلی افعال این گروه به استثناء فعلی «هدف خوردن» در تمامی مواقع فاقد وابسته بوده‌اند.



شکل ۴-۱۸. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «اصابت»

جدول ۴-۱۹ مشخصه‌های معنایی افعال گروه «اصابت» را نشان می‌دهد. معنای کلی فعل مرکب در دو مشخصه «قابل تصور» و «فیزیکی» توزیع شده است. داده‌های پیکره نشان می‌دهد که تمامی کاربردهای فعل «برهم خوردن» به صورت قابل تصور بوده است. همچنین کاربردهای فیزیکی فعل «زمین خوردن» بیشتر از کاربردهای قابل تصور آن بوده است. الگوی کاربردی فعل «هدف خوردن» عکس این حالت بوده و کاربردهای قابل تصور بیشتری داشته است. مشخصه دیگر معنایی معنای «جزء غیرفعلی» است که برای هر سه فعل با کاربرد «هدف اصابت» است. در مشخصه «معنای ضمنی» الگوی توزیعی جالب توجهی میان افعال این گروه دیده می‌شود. فارغ از موارد کاربردی نامشخص، بیشترین معنای ضمنی منفی مربوط به فعل مرکب «برهم خوردن» می‌شود و پس از آن مواردی که معنای ضمنی داشته‌اند، در فعل «زمین خوردن» مشاهده شده است. تنها فعلی که دارای معنای ضمنی مثبت است، فعل «هدف خوردن» است. باقی موارد، به صورت نامشخص ثبت شده‌اند.

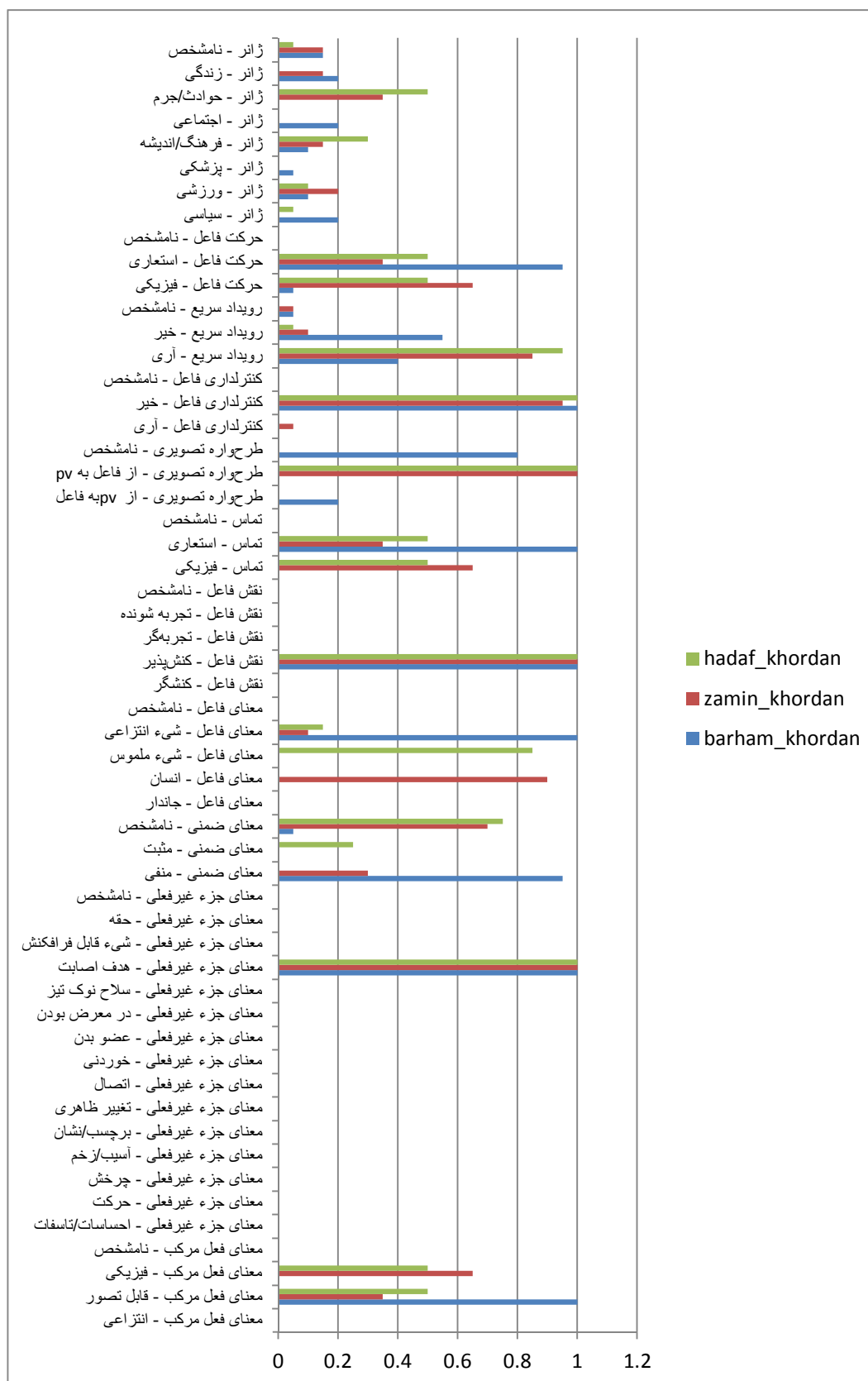
نوع فاعل این افعال نیز الگوی متنوعی دارد. مثلاً در اکثر کاربردها فاعل فعل «زمین خوردن، انسان بوده است. در فعل «هدف خوردن»، فاعل اکثراً به شکل شیء ملموس بوده است. همچنین تمامی نمونه‌های پیکره‌ای از فاعل فعل «برهم خوردن» ماهیت انتزاعی داشته‌اند:

- ... پس بالا جبار باید با دانش همراه باشیم، در درون دانش باشیم تا نگذاریم تیرش به هدف بخورد... (فاعل ملموس)

- ... احساس کنند که عمومی شدن زندگی شان، باعث برهم خوردن آرامش شان شده... (فاعل انتزاعی)

به لحاظ نقش معنایی، فاعل هر سه فعل در نقش کنش‌پذیر ظاهر شده است. به لحاظ مشخصه «تماس»، افعال «هدف خوردن» و «زمین خوردن» هم دارای تماس فیزیکی و هم تماس استعاری هستند (تماس فیزیکی در فعل «زمین خوردن» بیش از استعاری است)، در حالی که فعل «برهم خوردن» صرفاً دارای کاربردهایی با تماس استعاری بوده است. در باب، طرح‌واره‌های تصویری، جهت طرح‌واره در افعال «زمین خوردن» و «هدف خوردن» از فاعل به جزء غیرفعلی است و در مورد فعل «برهم خوردن» نامشخص است. مشخصه بعدی کنترل‌داری فاعل است که تقریباً در همه موارد فاعل فاقد کنترل است. بررسی مشخصه سرعت رویداد نشان می‌دهد که الگویی توزیع شده دارد. هر سه فعل با رویداد سریع در داده‌ها مشاهده شده‌اند که بیشترین آن مربوط به فعل «هدف خوردن»، سپس «زمین خوردن» و در نهایت «برهم خوردن» است. بیشترین داده‌هایی نیز که در آن‌ها رویداد سریع نبوده، مربوط به فعل

«برهم خوردن» است. مشخصه معنایی دیگر، «حرکت فاعل» است که توزیعی مشابه توزیع مشخصه «تماس» دارد. بیشترین حرکت استعاری مربوط به فعل «برهم خوردن» است و دیگر افعال به نسبت تقریباً مشابهی دارای حرکت استعاری و فیزیکی بوده‌اند.



شکل ۴-۱۹. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «اصابت»

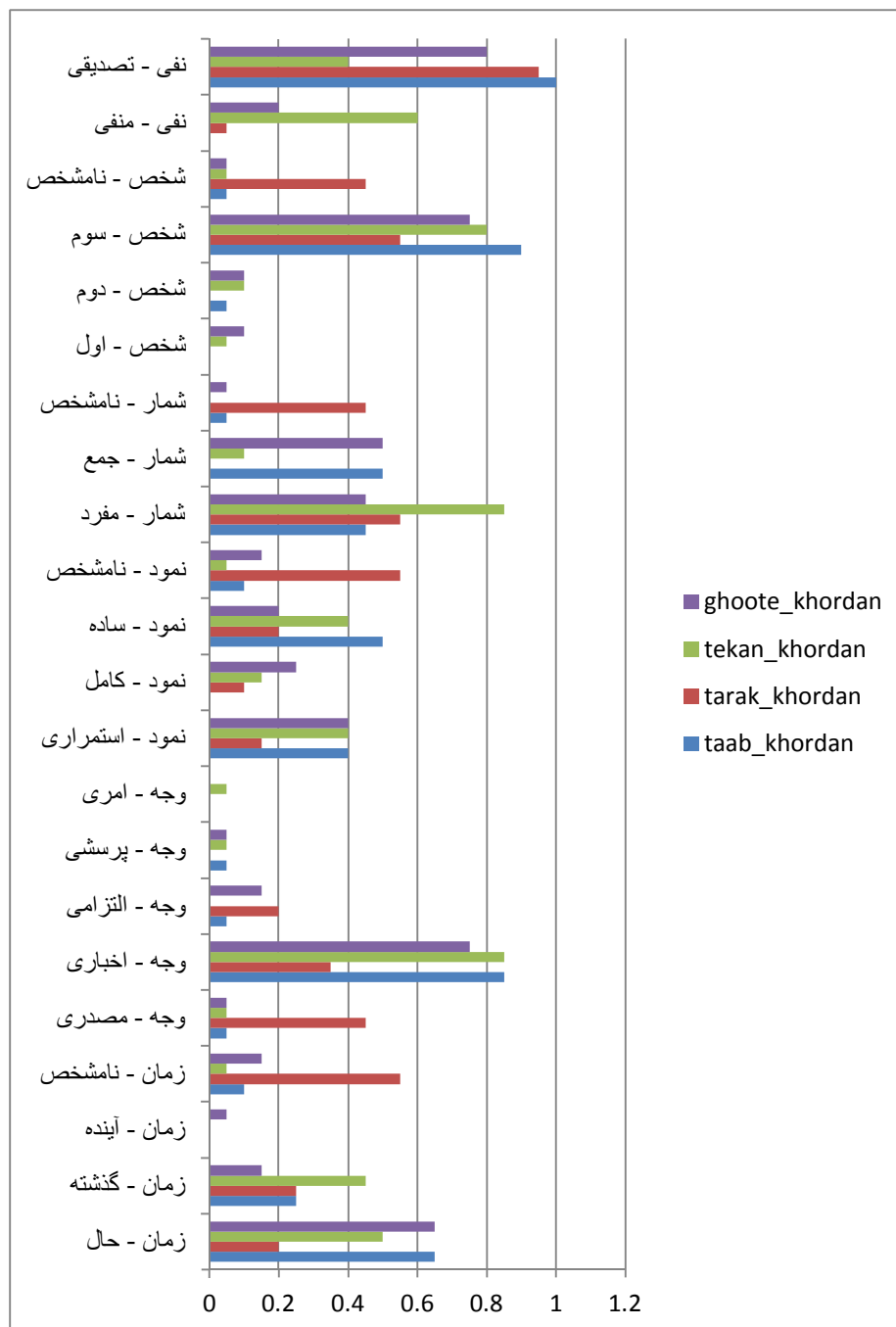
آخرین مشخصه معنایی، ژانر گفتمانی است که افعال مورد بررسی توزیع جالبی در آن دارند. مثلاً فعل «برهم خوردن» در ژانرهای سیاسی، پزشکی، ورزشی، اجتماعی و زندگی دیده می‌شود که در سه ژانر سیاسی، اجتماعی و پزشکی کاربرد آن انحصاری است. در ژانر جرم و حوادث فقط دو فعل «زمین خوردن» و «هدف خوردن» مشاهده می‌شود که دارای بیشترین کاربرد نسبت به سایر کاربردهای ژانری است.

۴-۲-۲-۴. زیرخوشه «حرکت/تغییر شکل»

افعالی که در زیر این گروه آمده‌اند عموماً دلالت بر نوعی حرکت یا تغییر شکل نامنظم دارد. بررسی‌های پیکره‌ای نشان می‌دهد اگرچه رویداد افعال حرکتی این گروه حالتی غیرارادی دارد، اما در برخی موارد کاربرد آنها با اراده کنشگر انجام گرفته است. قرار گرفتن فعلی غیر حرکتی نظیر «ترک خوردن» در این گروه، احتمالاً به دلیل تشابهات بافتی است که با دیگر اعضای این گروه دارد و در ادامه تحلیل به آنها اشاره خواهد شد.

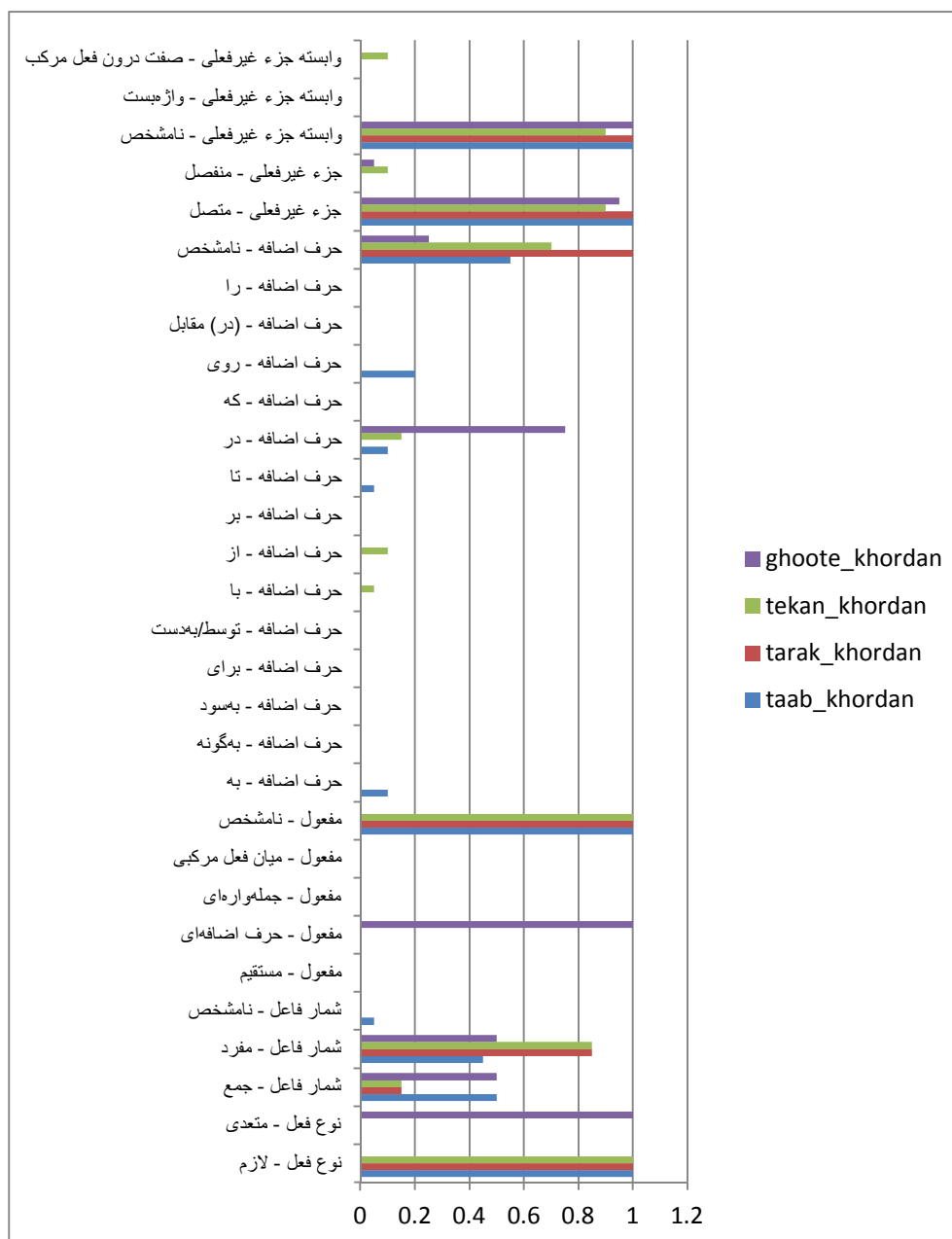
شکل ۴-۲۰ کاربردهای پیکره‌ای مشخصه‌های ساختوازی افعال این گروه را نشان می‌دهد. بررسی زمان افعال این زیرخوشه نشان می‌دهد که عمده کاربردها در زمان حال و سپس در زمان گذشته بوده است. برای فعل «ترک خوردن» اکثر کاربردها به صورت نامشخص است، که با بررسی مشخصه وجه مشخص می‌شود که غالب کاربردهای آن غیرزماندار و به صورت مصدری بوده است. برای افعال حرکتی این گروه، به کارگیری در وجه اخباری چشمگیرتر از سایر وجود دستوری بوده است. همچنین در بررسی مشخصه نمود، الگوی کاربردی الگویی توزیع شده در میان تمام مشخصه‌های نمودی است. برای افعال «تاب خوردن» و «تکان خوردن» دو نمود ساده و استمراری بیشتری کاربرد را داشته‌اند. کاربرد فعل «غوطه خوردن» نیز در نمود استمراری بیشتر بوده است. بنابراین، نمود استمراری که مشخصه رویدادهای جاری است، برای افعال این دسته مشخصه بارزی محسوب می‌شود. در رابطه با مشخصه شمار، می‌توان دریافت که شمار مفرد در همه افعال این گروه کاربرد نسبتاً متناسبی داشته که البته در فعل «تکان خوردن» بیشترین میزان کاربرد را دارد. افعال «غوطه خوردن» و «تاب خوردن» نیز نسبت به فعل «تکان خوردن» شمار جمع بیشتری داشته‌اند. بررسی شخص دستوری نیز به وضوح نشان می‌دهد که بغیر از موارد نامعلوم، سوم شخص در کلیه افعال کاربرد غالب بوده است. مشخصه آخر ساختوازی، مربوط به حالت نفی این افعال است. بررسی فراوانی کاربردها نشان می‌دهد که کلیه نمونه‌های فعل «تاب خوردن» و نیز اکثر کاربردهای «ترک خوردن» و «غوطه

خوردن» به صورت تصدیقی به کار رفته‌اند در حالی که عمده کاربردهای فعل «تکان خوردن» منفی بوده است.



شکل ۴-۲۰. توزیع مشخصه‌های ساختوازی در افعال مرکب با معنای «حرکت/تغییر شکل»

در بررسی مشخصه‌های نحوی افعال گروه «حرکت/تغییر شکل» (شکل ۴-۲۱) در می‌یابیم که در رابطه با مشخصه تعدی، تنها فعل «غوطه خوردن» به صورت متعدی به کار رفته است و سایر افعال کاربرد لازم داشته‌اند. در واقع فعل «غوطه خوردن» برای تکمیل معنای خود، اکثراً نیاز به مفعول حرف اضافه‌ای «در» داشته است.



شکل ۴-۲۱. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «حرکت/تغییر شکل»

در خصوص مشخصه شمار فاعل، مشاهده می‌شود که اکثریت فاعل‌های به کار رفته در افعال «تکان خوردن» و «ترک خوردن» با شمار مفرد و فاعل‌های افعال «غوطه خوردن» و «تاب خوردن» شمار جمع و مفرد تقریباً یکسانی داشته‌اند.

در رابطه با حروف اضافه به کار رفته در این افعال، همانطور که قبلاً اشاره شد حرف اضافه «در» در فعل «غوطه خوردن» کاربرد بیشتری داشته است. مواردی از کاربرد حروف اضافه «با»، «از» و «در» نیز در فعل «تکان خوردن» دیده می‌شود. در فعل «تاب خوردن» حروف اضافه «روی»، «در»، «به» و «تا» کاربرد داشته‌اند. به طور کلی، استعمال حرف اضافه مکانی «در» در این افعال به طور مشترک دیده می‌شود. برخی نمونه‌های پیکره‌ای عبارتند از:

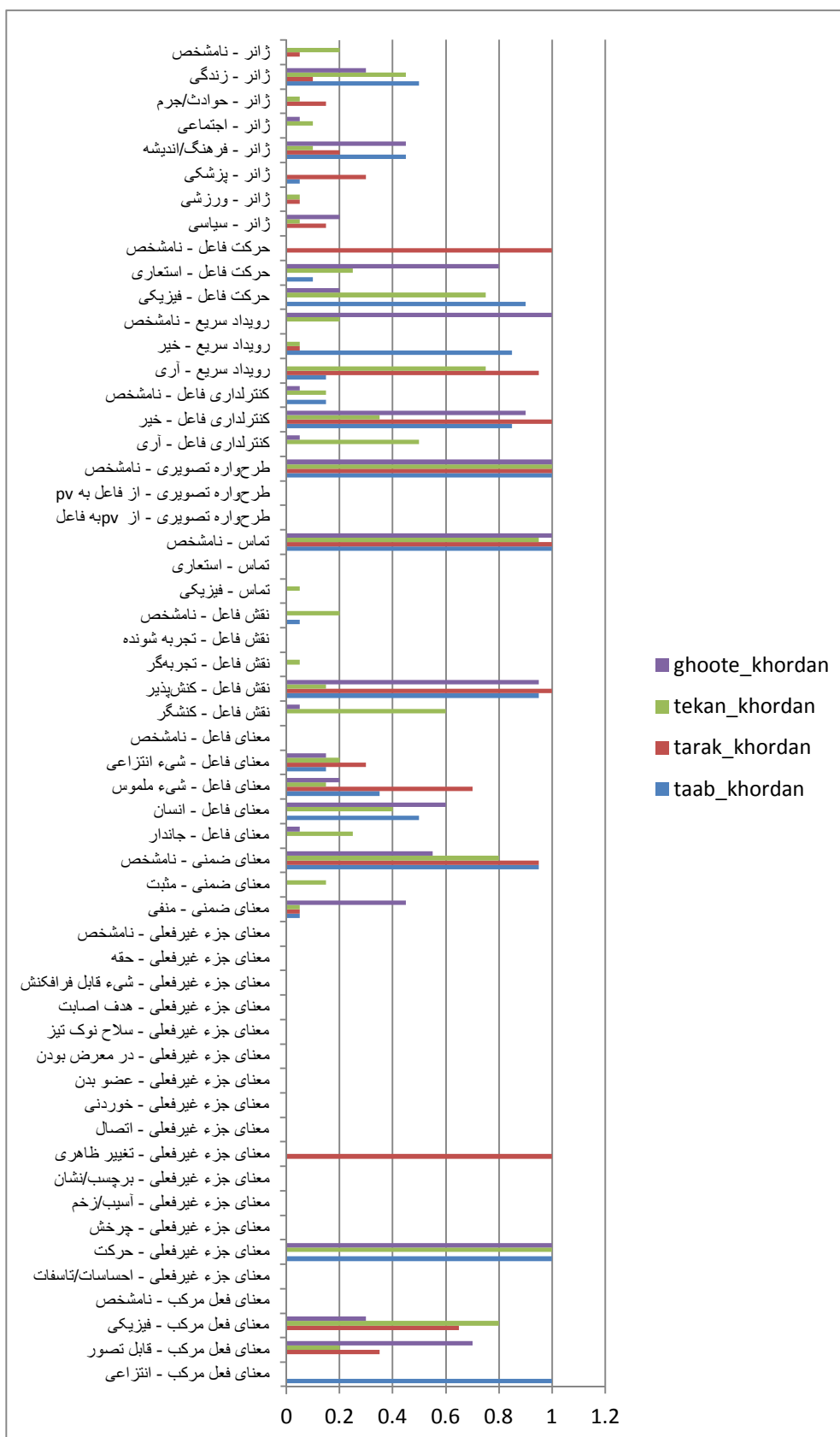
- حتی یک اینچ از جای خود تکان نمی خورد، نه به چپ نه به راست...
- یک مرد رنگ پریده با فهرست بلندبالایی از لغات متفاوت روی صندلی لهستانی اش تاب می خورد...
- فرش دستباف ایران کالایی کاربردی است که در گذر تاریخ و در گستره پرتنوع جغرافیای ایران با غوطه خوردن در فرهنگ رنگین و بی انتهای عشایر، قومیت‌ها و روستانشینان ایران تبدیل به کالایی هنری شده...

در اکثریت افعال این گروه، اتصال جزء غیرفعلی به جزء فعلی به صورت بلافصل بوده و تنها نمونه‌هایی از کاربرد منفصل در افعال «غوطه خوردن» و «تکان خوردن» دیده می‌شود.

- ... هر چه هست اطفال بجد خوانی اند که ملا نشده، در توهم علامگی غوطه ها می خورند و در آن دنیای وهمی برای خود عالمی دارند و از هفت دنیا آزادند.
- ... صنعت توریسم در این کشور تحریم زده تکانی خورده است...

همچنین اکثر افعال این زیرخوشه فاقد وابسته جزء غیرفعلی بوده‌اند. جزء غیرفعلی فعل «تکان خوردن» در دو مورد دارای وابسته بوده است که نمونه آن در بالا آمده است.

مشخصه‌های معنایی افعال این گروه در شکل ۴-۲۲ به تصویر کشیده شده است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که از میان این چهار فعل، معنای فیزیکی دو فعل «تکان خوردن» و «ترک خوردن» بیش از معنای قابل تصور آنها بوده است. فعل «غوطه خوردن» نیز معنای قابل تصور بیشتری نسبت به معنای فیزیکی‌اش داشته است. نمونه‌های به کار رفته برای فعل «تاب خوردن» انتزاعی تشخیص داده شده‌اند.



شکل ۴-۲۲. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «حرکت/تغییر شکل»

درباب معنای جزء غیر فعلی مشاهده می‌شود که برای سه فعل «غوطه خوردن»، «تکان خوردن» و «تاب خوردن» معنای «حرکت» و برای فعل «ترک خوردن» تغییر ظاهری مشخص شده است. همچنین بررسی معنای ضمنی این افعال نشان می‌دهد که فعل «غوطه خوردن» بیشترین میزان معنای ضمنی منفی را نسبت به دیگر افعال داشته است. همچنین تنها فعلی که دارای معنای ضمنی مثبت بوده است، فعل «تکان خوردن» است:

- در حالی که در شهر وین ۴۰ سال جمعیت تکان نخورده ولی در ۴۰ سال اخیر جمعیت تهران

از یک میلیون به ۱۰ تا ۱۲ میلیون رسیده است. (معنای ضمنی مثبت)

- ... [او] کودکی نمی‌کند او کودکی است که در دنیای هزار رنگ بزرگ ترها غوطه

می‌خورد و دست و پنجه نرم می‌کند. کودکی که ادای بزرگ ترها را در می‌آورد و دلش

برای کودکی غنچ می‌رود. (معنای ضمنی منفی)

بررسی داده‌های مربوط به ماهیت فاعل (معنای فاعل) نشان می‌دهد که «تاب خوردن»، «غوطه خوردن» و «تکان خوردن» عمدتاً دارای فاعل انسانی بوده‌اند. فعل «ترک خوردن» عمدتاً دارای فاعلی با مشخصه شیء ملموس بوده است. همچنین افعال «غوطه خوردن» و «تکان خوردن» تنها افعالی هستند که دارای فاعل جاندار غیرانسان بوده‌اند.

بررسی داده‌های مربوط به نقش معنایی فاعل نشان می‌دهد که فاعل افعال «تاب خوردن»، «ترک خوردن» و «غوطه خوردن» عمدتاً به صورت کنش‌پذیر ظاهر شده‌اند. نکته جالب توجه در این است که فاعل فعل «تکان خوردن» در اکثر مواقع به صورت کنشگر ظاهر شده است و خود اراده انجام کنش داشته است.

ویژگی‌های مربوط به «طرح واره تصویری» و «تماس» نامشخص بوده‌اند. در رابطه با ویژگی «کنترل‌داری فاعل» همانطور که اشاره شد، اکثر موارد فعل «تکان خوردن» بر رویداد کنترل داشته‌اند و اکثریت سایر افعال فاقد این ویژگی بوده‌اند:

- سر جای خود ماند، براق و هوشیار به اطراف نگریست. حتی یک اینچ از جای خود تکان

نمی‌خورد، نه به چپ نه به راست... (فاعل دارای کنترل)

درباب مشخصه سرعت رویداد، سریع‌ترین افعال از این منظر عبارتند از «ترک خوردن» و «تکان خوردن» که رویداد فعل در آن‌ها سریع‌تر از سایر افعال این گروه بوده است. فعل «تاب خوردن»

کندترین فعل در این گروه محسوب شده است. همچنین به لحاظ مشخصه حرکت، افعال «تکان خوردن» و «تاب خوردن» بیش از سایرین حرکت فیزیکی داشته‌اند. اکثر کاربردهای فعل «غوطه خوردن» استعاری بوده است.

در نهایت بررسی ژانر گفتمانی افعال مربوطه نشان می‌دهد که فعل «غوطه خوردن» و «تاب خوردن» عمدتاً در ژانرهای فرهنگ/اندیشه و زندگی کاربرد داشته است. بیشترین کاربردهای ژانر پزشکی و جرم/حوادث متعلق به فعل «ترک خوردن» بوده است.

۴-۲-۵. زیرخوشه «دچار آسیب شدن»

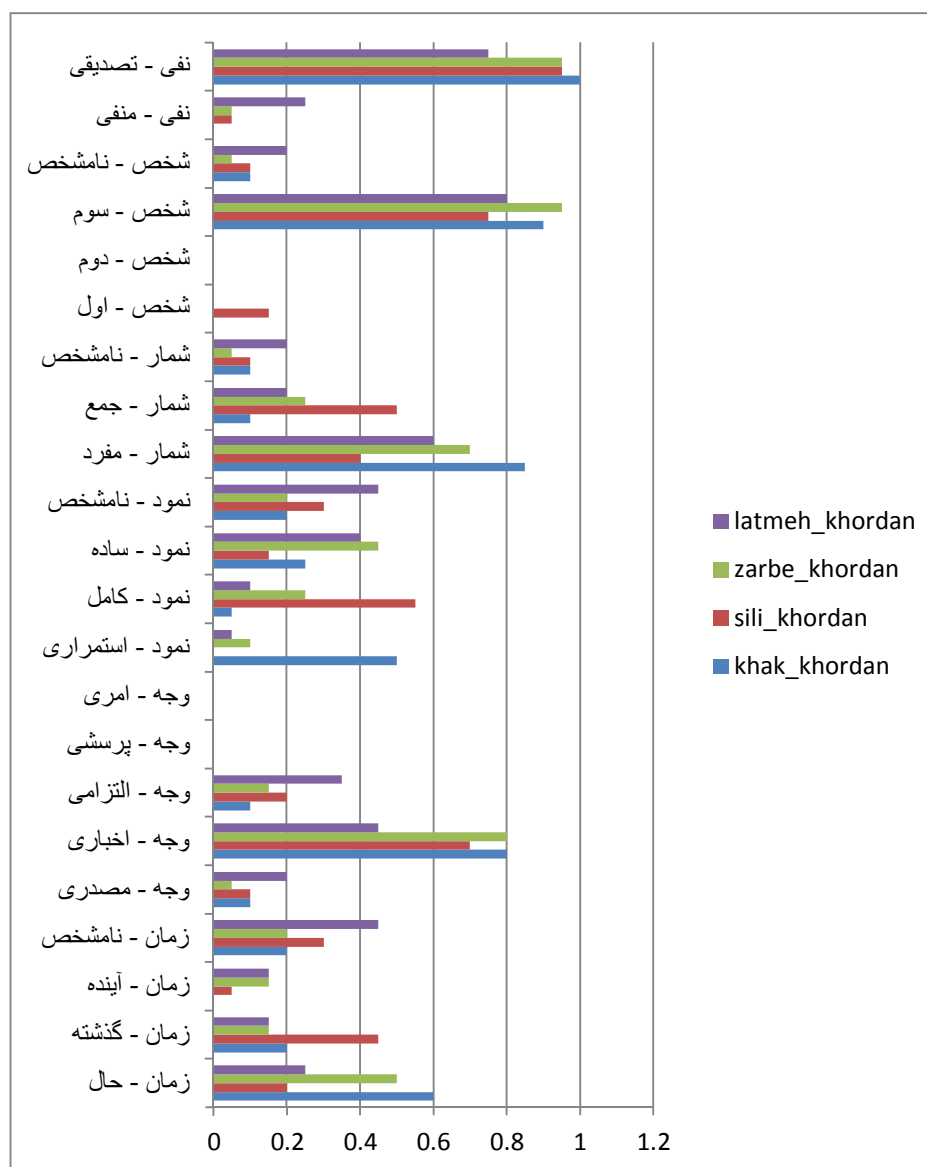
یکی دیگر از زیرخوشه‌های خوشه اصلی (۲) افعال مرکبی را در خود جای داده است که معنای نوعی آسیب‌دیدگی را القاء می‌کنند. این افعال عبارتند از: ضربه خوردن، سیلی خوردن، لطمه خوردن، و خاک خوردن. در نگاه اول به نظر می‌رسد که سه فعل نخست از کنش فیزیکی و محتوای تصویری نیرومندی برخوردار باشند و نیز قرابت معنایی بیشتری نسبت به «خاک خوردن» داشته باشند. در ادامه، به بررسی ویژگی‌های ساختوازی، نحوی، و معنایی هر یک از این افعال خواهیم پرداخت تا وجه تشابه و تفاوت آن‌ها مشخص شود.

شکل ۴-۲۳ مشخصه‌های ساختوازی افعال این گروه را نشان می‌دهد. بررسی زمان دستوری کاربردهای پیکره‌ای افعال این گروه مشخص می‌سازد که این افعال کمابیش تقریباً در تمام زمان‌های دستوری به کار رفته‌اند. افعال «خاک خوردن» و «ضربه خوردن» بیش از سایرین در زمان حال کاربرد داشته‌اند، در حالی که زمان فعل «سیلی خوردن» بیشتر معطوف به گذشته بوده است. همچنین به غیر از فعل «خاک خوردن» سایر افعال هر چند اندک در زمان آینده نیز کاربرد داشته‌اند. پاره‌ای از کاربردها نیز نامشخص بوده‌اند که نشان می‌دهد یا کاربرد مصدری داشته‌اند و یا کاربرد التزامی.

بررسی وجه دستوری نیز نشان می‌دهد بیشترین کاربرد در وجه اخباری و التزامی و مصدری بوده است. این افعال در وجه پرسشی و امری کاربرد نداشته‌اند. در بررسی نمود دستوری، توزیع کاربرد برخی افعال جالب توجه است. مثلاً اینکه فعل «خاک خوردن» عمدتاً به صورت استمراری و فعل «سیلی خوردن» عمدتاً به صورت نمود کامل به کار رفته است. بنابراین می‌توان گفت که فعل «خاک خوردن» عمدتاً در وصف رویدادهای در حال جریان کاربرد دارد. همچنین بررسی بافت کاربردی

فعل «سیلی خوردن» نشان می‌دهد که این فعل بیشتر برای توصیف ناهنجاری‌های اجتماعی کاربرد داشته و نمود دستوری آن به شکل کامل ظاهر شده است:

- ... از این تعداد ۶۷ نفر آنها از دست شوهران بدرفتار خود سیلی خورده بودند.
- ... تولید محصولات الکترونیک و واجد تکنولوژی پیشرفته کاهش شدیدی پیدا کرده است و سرمایه‌ها در این بخش خاک می‌خورد.



شکل ۴-۲۳. توزیع مشخصه‌های ساختوازی در افعال مرکب با معنای «دچار آسیب شدن»

در بررسی مشخصه شمار دستوری مشاهده می‌شود که افعال «خاک خوردن»، «ضربه خوردن» و «لطمه خوردن» به صورت مفرد به کار رفته‌اند. کاربردهای جمع فعل «سیلی خوردن» بیش از کاربردهای مفرد آن است. این فزونی کاربرد شمار جمع می‌تواند با توصیف ناهنجاری‌ها و خشونت اجتماعی که بیشتر به آن اشاره شد مرتبط باشد. درباب مشخصه شخص دستوری، داده نشان می‌دهد که سوم شخص بیشترین کاربرد را در افعال داشته است، هر چند مواردی نیز از روایت اول شخص برای فعل «سیلی خوردن» مشاهده می‌شود. در نهایت بررسی مشخصه نفی نشان می‌دهد که اکثر کاربرد افعال بصورت تصدیقی بوده است. افعال «سیلی خوردن»، «ضربه خوردن» و «لطمه خوردن» کاربردهای منفی نیز داشته‌اند که بیشترین تعداد آنها متعلق به فعل «لطمه خوردن» بوده است.

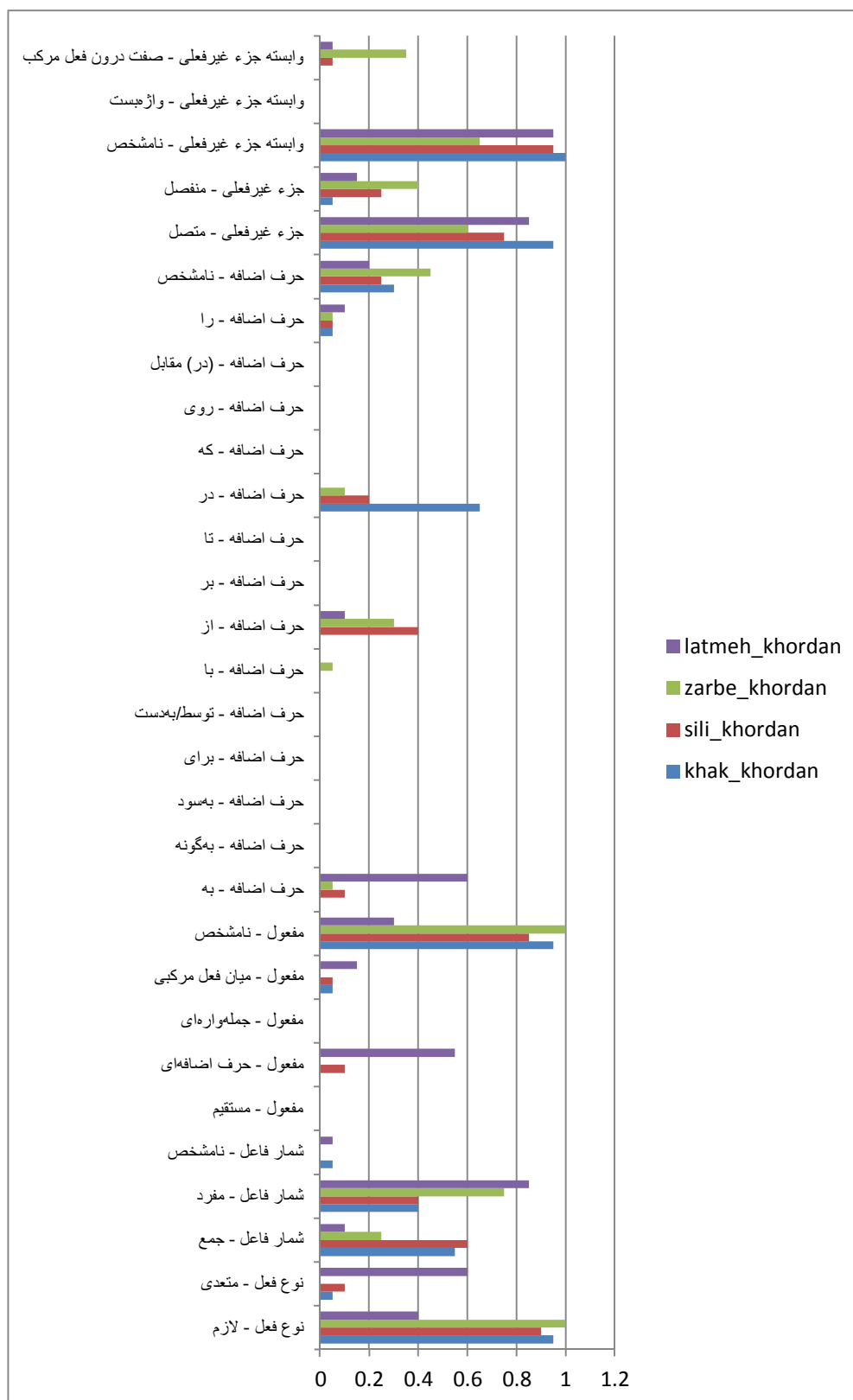
شکل ۴-۲۴ فراوانی کاربردهای مربوط به مشخصه‌های نحوی افعال گروه موردبررسی را نشان می‌دهد. توزیع کاربردها در مشخصه «نوع فعل» نشان می‌دهد که در اکثر موارد افعال به صورت لازم به کار رفته‌اند (به استثناء فعل «لطمه خوردن») و تنها در موارد اندکی افعال «خاک خوردن» و «سیلی خوردن» کاربرد متعدی داشته‌اند. کاربرد متعدی فعل «لطمه خوردن» بیشترین بوده است:

- موسیقی در حیات فرهنگی ما نقش اساسی دارد و هر سیلی که به موسیقی ما بخورد، سیلی ای است که به فرهنگ ما خورده است.
- این امر برای صادرکنندگان که کالاهای آنان باید خاک موسسه استاندارد را بخورند تا نشان اجباری کیفیت را اخذ کنند، دوچندان است.
- ... احتیاج به مربی صبورتری دارد تا به شخصیت او در جمع لطمه نخورد...

بررسی مشخصه شمار فاعل نشان می‌دهد که افعال «سیلی خوردن» و «خاک خوردن» بیشتر به صورت جمع و افعال «ضربه خوردن» و «لطمه خوردن» عمدتاً به صورت مفرد به کار رفته‌اند.

همچنین بررسی مشخصه نوع مفعول نشان می‌دهد که افعال «سیلی خوردن» و «لطمه خوردن» به صورت مفعول حرف اضافه‌ای و مفعول درون-فعل-مرکبی (به همراه فعل «خاک خوردن» به کار رفته‌اند. نمونه این کاربردها در مثال بالا آورده شده است.

بررسی حروف اضافه‌ای که با این افعال به کار رفته‌اند، حاکی از تنوع حرف اضافه‌هاست. بیشترین کاربرد حرف اضافه «از» برای افعال «سیلی خوردن» و «ضربه خوردن» بوده است. حرف اضافه «در» بیشتر در فعل «خاک خوردن» استفاده شده و حرف اضافه «به» بیشترین کاربرد را در فعل «لطمه خوردن» داشته است.



شکل ۴-۲۴. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «دچار آسیب شدن»

مشخصه نحوی بعدی، شیوه اتصال جزء غیر فعلی به فعل است. در اکثر نمونه‌های به کار رفته در پیکره، جزء غیر فعلی متصل به فعل بوده است. در سایر موارد، بین جزء غیر فعلی و فعل انفصال رخ داده است که بیشترین میزان آن مربوط به فعل «ضربه خوردن» است. بررسی مشخصه وابسته غیر فعلی نیز نشان می‌دهد که فراوانی صفت درون-فعل-مرکبی برای فعل «ضربه خوردن» بیشتر بوده و احتمالاً مهمترین عامل در وجود انفصال میان جزء غیر فعلی و فعلی بوده است:

- ... درباره کسی است که از همسرش جدا شده و آن قدر ضربه روحی خورده که به نظرش همه زن‌ها بد هستند و روی همین حساب با خودش عهد بسته که دیگر عروسی نکند.

در شکل ۴-۲۵، توزیع مشخصه‌های معنایی افعال آمده است. درباب ویژگی معنای فعل مرکب نکته قابل تاملی دیده می‌شود و آن این است که افعال «خاک خوردن»، «لطمه خوردن» و «ضربه خوردن» کمتر در معنای فیزیکی و بیشتر در معنای غیرفیزیکی (قابل تصور) به کار رفته‌اند. فعل «لطمه خوردن» تماماً کاربرد غیرفیزیکی در پیکره داشته است و فعل «ضربه خوردن» عموماً در معنای غیرفیزیکی به کار رفته است. فعل «سیلی خوردن» هر چند که بیشتر با معنای فیزیکی به کار رفته است، اما کاربردهای قابل تصور آن با فاصله اندکی از کاربردهای فیزیکی قرار دارند. نمونه‌های زیر مواردی از کاربردهای قابل تصور این افعال است:

- اما به جای افزایش فروش، این صنعت ضربه سختی خورد و تجارت آن متوقف شد.
- یک تغییر جهت سریع و بعد یک بغل پای حسابشده کافی بود تا لورکوزن اولین سیلی را از آرسنال بخورد.
- هیات مدیره کانون وکلا به قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی پایبند است و لطمه خوردن به قوه قضائیه را صدمه به حیثیت کانون وکلا می‌داند.

معنای جزء غیر فعلی در این افعال به گونه‌ای است که در سه فعل «سیلی خوردن»، «ضربه خوردن» و «لطمه خوردن» معنای آسیب دارد اما در فعل «خاک خوردن» بیشتر معنای «در معرض قرار داشتن» می‌دهد. همچنین بررسی معنای ضمنی این افعال نشان می‌دهد که به غیر از فعل «ضربه خوردن» بقیه افعال معنای ضمنی منفی داشته‌اند که بیشترین میزان متعلق به فعل «خاک خوردن» است. افعال این گروه فاقد معنای ضمنی مثبت بوده‌اند و در برخی موارد معنای ضمنی خاصی از آنها برداشت نشده است.



شکل ۴-۲۵. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «دچار آسیب شدن»

مشخصه بعدی مربوط به ویژگی‌های معنایی عناصری است که در نقش فاعل این افعال مرکب ظاهر شده‌اند. فاعل در کلیه این افعال (به استثناء فعل «سیلی خوردن» که فاعل آن اکثراً انسان بوده است) ماهیت انتزاعی داشته است. فاعل فعل «ضربه خوردن» در نقش انسان نیز ظاهر شده اما فراوانی آن کمتر از فاعل انتزاعی بوده است. برای دو فعل «خاک خوردن» و «لطمه خوردن» نیز فاعل ملموس مشاهده می‌شود که مقدارشان کمتر از فاعل‌های انتزاعی همین افعال بوده‌اند.

اکثریت قریب به اتفاق افعال این گروه در نقش کنش‌پذیر ظاهر شده‌اند و تنها دو فعل «ضربه خوردن» و «لطمه خوردن» در مواردی نقش «تجربه‌گر» را داشته‌اند. نقش تجربه‌گر در مواردی اتفاق افتاده است که این دو فعل معنای روانشناختی داشته‌اند و فاعل این افعال نوعی ناملایمت روحی را تجربه کرده‌اند:

- ... وی در ادامه از اولیا درخواست کرد برای این که بچه‌ها از نظر تحصیلی لطمه نخورند، جای خالی امتحانات مرتب و پی‌درپی، ماهانه، نیم‌ثلث، میان‌ثلث و ثلث مدرسه را پر کنند.

- ... فیلمنامه‌ای است که "استیوینگ" نوشته و درباره کسی است که از همسرش جدا شده و آن قدر ضربه روحی خورده که به نظرش همه زن‌ها بد هستند و روی همین حساب با خودش عهد بسته که دیگر عروسی نکند.

بررسی مشخصه تماس نشان می‌دهد به غیر از فعل «سیلی خوردن» که اکثریت کاربردهای آن فیزیکی است، در بقیه افعال تماس عمدتاً به صورت استعاری بوده است. مثلاً کاربردهای «لطمه خوردن» در پیکره تماماً استعاری بوده است.

بررسی فراوانی مشخصه طرح‌واره تصویری نشان می‌دهد که جهت طرح‌واره تصویری در تمامی افعال این گروه از عنصر غیرفعلی (pv) به سوی فاعل است. همچنین کاربردهای مربوط به مشخصه کنترل‌داری نیز نشان می‌دهد که در اکثر موارد فاعل فاقد کنترل و اراده در کنش فعل بوده است.

مشخصه بعدی، مربوط به سرعت رویداد فعل می‌شود که توزیع مختلفی در افعال دارد. سریع‌ترین رویداد مربوط به فعل «سیلی خوردن» است که البته تنها برای معانی فیزیکی آن صادق است. رویداد افعال «ضربه خوردن» و «لطمه خوردن» عمدتاً به صورت غیرسریع اتفاق افتاده است و رویداد «خارک خوردن» نامشخص بوده است. افعال این گروه به غیر از ژانر پزشکی و زندگی در تمامی ژانرهای گفتمانی به کار برده شده‌اند. بیشترین میزان کاربرد دو فعل «لطمه خوردن» و «خاک خوردن» در ژانر

فرهنگ و اندیشه بوده است. «سیلی خوردن» بیشتر در ژانر اجتماعی کاربرد داشته است. کاربرد فعل «ضربه خوردن» نیز بیشتر در ژانر سیاسی بوده است.

۴-۲-۶. زیرخوشه «اثر و رد نوشتاری»

افعالی که در ذیل این گروه جای گرفته‌اند عبارتند از: رقم خوردن، برگشت خوردن، خط خوردن. جزء غیرفعلی این افعال اسمی است که با نوشتن یا اثر نوشتاری مرتبط می‌شود، اما با این حال معنای کلی فعل مرکب را نمی‌توان به‌طور دقیق از معانی اجزای سازنده آن پیش‌بینی کرد. در ادامه به ویژگی‌های ساختوازی، نحوی و معنایی می‌پردازیم.

شکل ۴-۲۶ مشخصه‌های ساختوازی افعال این گروه را نشان می‌دهد. طبق اطلاعات این نمودار، فعل «خط خوردن» عمدتاً در زمان گذشته و دو فعل «رقم خوردن» و «برگشت خوردن» عمدتاً در زمان حال کاربرد داشته‌اند. همچنین توزیع فراوانی داده‌ها در مشخصه مربوط به وجه و نمود افعال نشان می‌دهد که عمدتاً در وجه اخباری و نمود ساده به کار رفته‌اند.

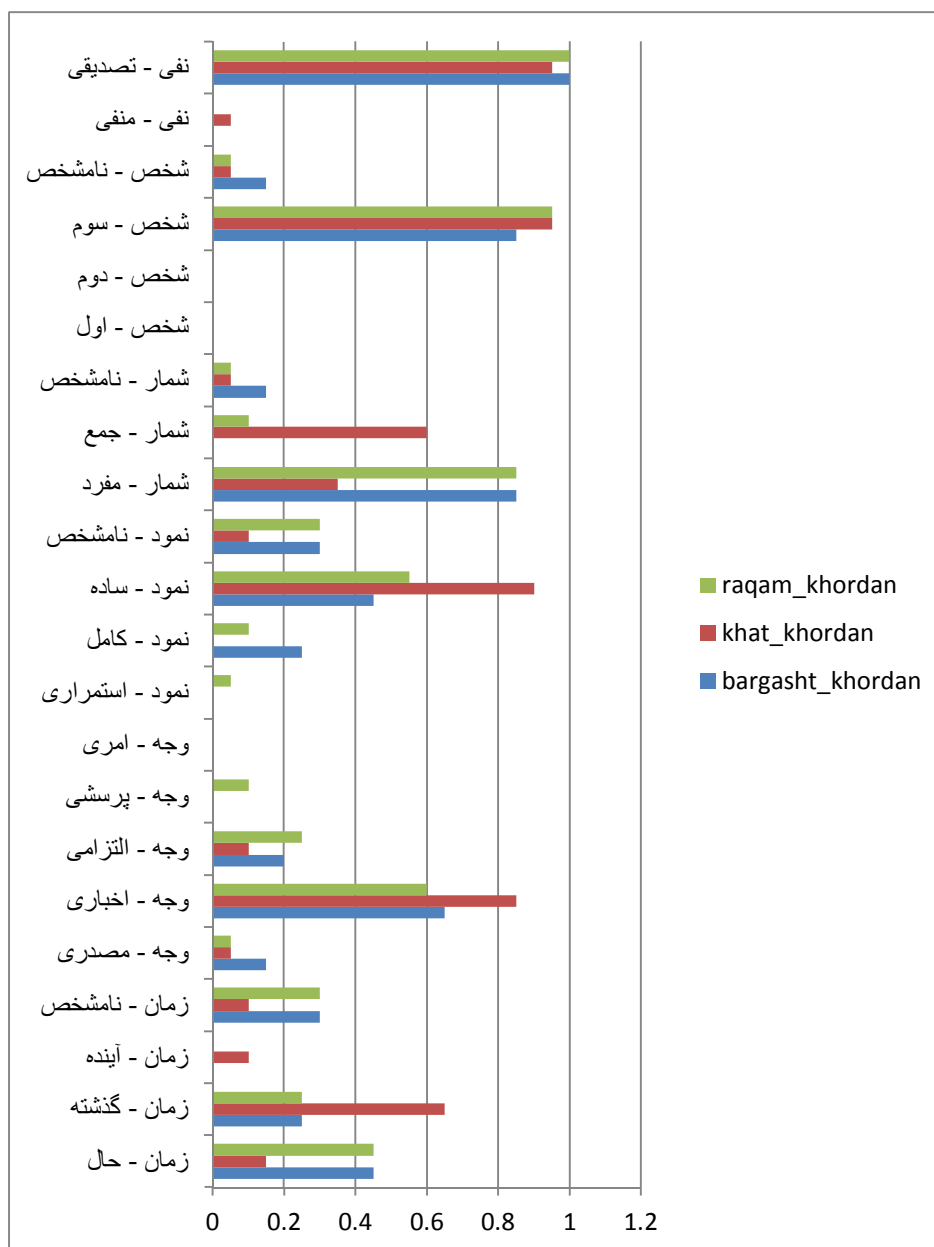
همچنین بررسی شمار افعال حاکی از آن است که افعال «برگشت خوردن» و «رقم خوردن» اکثراً به صورت مفرد و فعل «خط خوردن» به صورت جمع به کار رفته است. بررسی پیکره نشان می‌دهد که فعل «خط خوردن» عمدتاً در ژانر ورزشی مورد استفاده داشته و در رویدادهای به کار رفته که جمعی از بازیکنان از فهرستی «خط خورده‌اند». به همین دلیل کاربرد شمار جمع در این فعل بیشتر بوده است:

- از جمع نفرات دعوت شده هفت بازیکن خط می‌خورند.

در بررسی مشخصه شخص مشخص می‌شود که اکثریت کاربردها به صورت سوم شخص بوده است. در تعداد محدودی از نمونه‌ها نیز مشخصه «شخص» نامعلوم بوده است، که احتمالاً به صورت مصدری به کار رفته‌اند.

آخرین مشخصه ساختوازی مربوط به مشخصه نفی است، که اطلاعات شکل ۴-۲۶ نشان می‌دهد اکثر موارد کاربرد در پیکره به صورت تصدیقی یا غیرنفی بوده است. تنها یک نمونه از فعل «خط خوردن» در پیکره به صورت منفی به کار رفته است:

- ۲۰ نفر دعوت شده به اردوی تیم فوتبال جوانان به هندوستان خواهند رفت و هیچ بازیکنی از تیم خط نخواهد خورد.

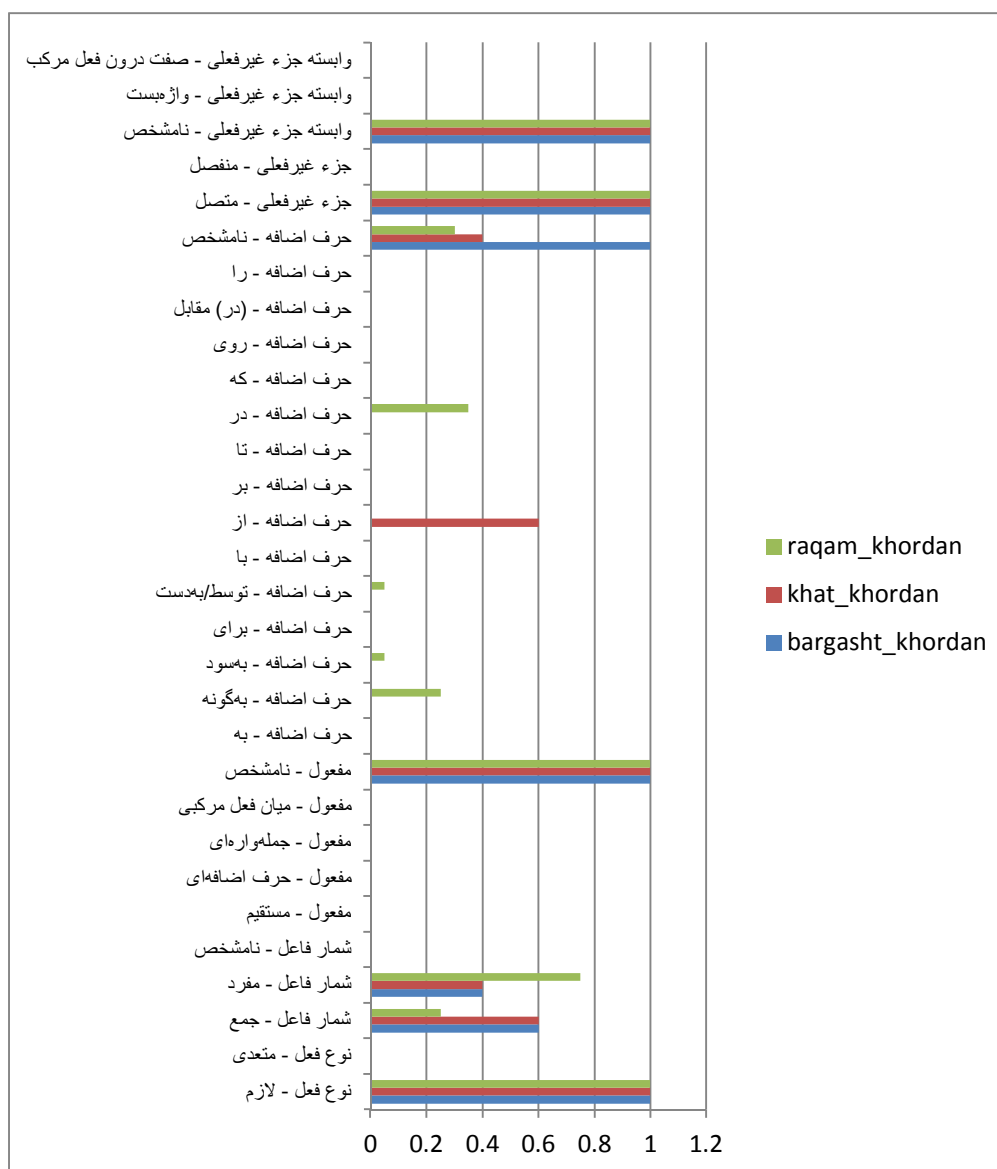


شکل ۴-۲۶. توزیع مشخصه‌های ساختوازی در افعال مرکب با معنای «اثر و رد نوشتاری»

شکل ۴-۲۷ فراوانی کاربردهای مشخصه‌های نحوی افعال این گروه را نشان می‌دهد. اولین مشخصه «نوع فاعل» است که نشان می‌دهد تمامی افعال این مجموعه فعل لازم هستند و نیاز به هیچگونه مفعولی نداشته‌اند. بررسی مشخصه شمار فاعل نشان می‌دهد که شمار فاعل افعال «برگشت خوردن» و «خط خوردن» اکثراً جمع بوده است در حالی که فعل «رقم خوردن» عمدتاً فاعل مفرد داشته است.

افعال این گروه فاقد مفعول بوده‌اند، از این رو تمامی فراوانی‌ها در مشخصه «مفعول» برچسب نامشخص را نشان می‌دهد.

در باب نوع حروف اضافه به کاررفته با این افعال، داده‌ها نشان می‌دهد که فعل «رقم خوردن» بیشترین تنوع استفاده از حروف اضافه را داشته است و حروف اضافه «در»، «به گونه‌ای»، «توسط/به دست» و «به سود» به ترتیب بیشترین فراوانی را داشته‌اند. فعل خط خوردن نیز صرفاً با حرف اضافه «از» آمده است.



شکل ۴-۲۷. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «اثر و رد نوشتاری»

مشخصه دیگر نحوی، نحوه اتصال جزء غیر فعلی به فعل است که در تمامی افعال این گروه به صورت متصل و بدون انفصال آمده است. اجزاء غیر فعلی افعال این گروه همچنین فاقد هر گونه وابسته بوده‌اند.

در نهایت شکل ۴-۲۸ فراوانی مشخصه‌های معنایی افعال گروه «اثر و رد نوشتاری» را نشان می‌دهد. اولین مشخصه، «معنای فعل مرکب» است که برای هر سه فعل گروه به صورت «انتزاعی» مشخص شده است. همچنین در هر سه فعل نیز معنای جزء غیر فعلی معنای «برچسب/نشان» است.

بررسی معنای ضمنی افعال این گروه نشان می‌دهد که اکثر افعال معنای ضمنی خاصی نداشته‌اند. فعل «رقم» خوردن هم دارای معنای ضمنی منفی و هم دارای معنای ضمنی مثبت بوده که تعداد معانی منفی آن بیشتر از معانی مثبت بوده است. فعل «خط خوردن» نیز تنها در یک نمونه دارای بار معنایی منفی بوده است:

- در چنین روزهایی همه خود را به عنوان مهم ترین حامی تیم ملی می دانند و اگر شکستی رقم بخورد، حذفی صورت بگیرد، آن زمان است که همه چیز دگرگون می شود. (منفی)

فاعل افعال این گروه به لحاظ معنایی متنوع هستند. در افعال «خط خوردن»، «برگشت خوردن» و «رقم خوردن» فاعل در اکثر مواقع به ترتیب انسان، شیء ملموس و شیء انتزاعی بوده است. همچنین نقش فاعل در جملاتی که این افعال به کار رفته‌اند، نقش کنش پذیر بوده است.

بررسی مشخصه «تماس» در افعال این گروه نشان می‌دهد که طبق داده‌های شکل ۴-۲۸، تماس‌ها عمدتاً از نوع استعاره‌ای بوده‌اند. به عبارت دیگر معنی بافتی این افعال به گونه‌ای است که به استثناء موردی از فعل «خط خوردن» هیچگونه تماس فیزیکی را نمی‌توان از آن برداشت کرد:

- اگر چک شما مجدداً برگشت بخورد از این به بعد فقط با پول نقد با شما معامله می کنیم.
- ... قرار است این تیم از هفته آینده به اردوی شبانه روزی برود. از جمع نفرات دعوت شده هفت بازیکن خط می خورند.

فراوانی مربوط به مشخصه جهت طرح‌واره تصویری نشان می‌دهد که در تمامی افعال این گروه، جهت طرح‌واره از سوی عنصر غیر فعلی به سمت فاعل بوده است. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد که در تمامی افعال فاعل تقریباً فاقد کنترل در رویداد فعل بوده است. رویداد افعال این گروه همچنین در اکثر موارد به سرعت اتفاق افتاده است. فقط در فعل «رقم خوردن» مواردی در پیکره مشاهده شده که معنای رویداد سریع از آنها برداشت نشده است:



شکل ۴-۲۸. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «اثر و رد نوشتاری»

- حالا همه چیز به روز یکشنبه موکول می شود تا ببینیم در تقابل سنتی این دو تیم بزرگ چه نتیجه ای رقم می خورد. (سریع)

- در اردوگاه آوارگان جنین شدیدترین نبردهای هفته های اخیر رقم خورد... (غیرسریع)

مثلاً در مثال نخست، نتیجه مسابقه دو تیم مدنظر بوده است و فعل رقم خوردن به نتیجه نهایی دلالت دارد. از این رو مشخص شدن نتیجه در یک لحظه و پس از پایان بازی اتفاق می افتد که رویداد سریع است. اما در مثال دوم، رویداد فعل «رقم خوردن» ناظر بر نبردهایی است که در اردوگاه آوارگان رخ داده است و در بازه ای از زمان بطور غیرلحظه ای اتفاق افتاده اند. بنابراین نمی توان از آن رویدادی سریع متصور بود.

همچنین طبق داده های شکل ۴-۲۸، فاعل این افعال فاقد هرگونه حرکت هستند که با برچسب «نامشخص» مشخص شده اند. آخرین مشخصه معنایی، ژانر گفتمانی این افعال است. فعل رقم خوردن به ترتیب فراوانی عمدتاً در ژانرهای ورزشی، سیاسی، فرهنگ/اندیشه و زندگی کاربرد داشته است. اکثر کاربردهای فعل «خط خوردن» در ژانر ورزشی بوده و مشخصاً به بازیکنانی اشاره داشته که از فهرستی خط خورده اند. فعل «برگشت خوردن» نیز عمدتاً در مورد چک های بانکی کاربرد داشته که به دلیل تعریف نشدن مقوله خاص برای آن در جدول به صورت «نامشخص» برچسب خورده است.

۴-۲-۲-۷. زیرخوشه «فریب»

زیرخوشه دیگری که مستقیماً از زیرخوشه ۲-۲ خوشه اصلی (۲) منشعب شده است و اعضای کم تعدادی دارد خوشه موسم به «فریب» است. این زیرخوشه دارای دو فعل «فریب خوردن» و «گول خوردن» است که دلالت بر نوع کنش غیرارادی و روان شناختی دارند. کنش این افعال رویدادی را توصیف می کند که طی آن کنش پذیر معمولاً انسانی به باوری مغایر با واقعیت بیرونی هدایت می شود.

شکل ۴-۲۹ مشخصه های ساختوازی افعال این گروه را نشان می دهد. فعل «فریب خوردن» بیشتر در زمان حال کاربرد داشته درحالی که فعل «گول خوردن» تقریباً فراوانی های یکسانی در زمان حال و گذشته داشته است. بررسی مشخصه وجه این افعال نیز نشان می دهد که وجه اخباری در فعل «فریب خوردن» بیشتر کاربرد داشته و فعل «گول خوردن» بیشتر در وجه التزامی به کار رفته است. بیشترین کاربرد هر دو فعل در نمود ساده بوده است.

همچنین به لحاظ شمار دستوری، شمار جمع در هر دو فعل بیش از شمار ساده کاربرد داشته است. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد که فراوانی سوم شخص از سایر شخص‌های دستوری در هر دو فعل بیشتر بوده است.

آخرین مشخصه ساختواژی، «نفی» است که توزیعی تکمیلی در دو فعل دارد. به این ترتیب که فعل «گول خوردن» عمدتاً به صورت منفی و فعل «فریب خوردن» عمدتاً به صورت تصدیقی در پیکره ظاهر شده است. این مشخصه فعل «گول خوردن» به همراه شمار بالای وجه التزامی آن می‌توان حاکی از آن باشد که اکثراً در بافت‌های آرزویی به کار رفته است:

– الان غرورم ذره ای برایم ارزش نداره جوان نباید گول غرورش را بخوره...



شکل ۴-۲۹. توزیع مشخصه‌های ساختواژی در افعال مرکب با معنای «فریب»

شکل ۴-۳۰ مشخصه‌های نحوی افعال زیرخوشه «فریب» را نشان می‌دهد. در مشخصه «نوع فعل» مشاهده می‌شود که تمامی کاربردهای دو فعل «لازم» بوده است و این افعال نیاز به مفعول اجباری نداشته‌اند. همچنین شمار فاعل غالباً جمع و سپس مفرد بوده است. بررسی مشخصه مفعول نشان می‌دهد که تعداد مفعول‌های میان-فعل-مرکب در این افعال فراوان بوده است. توضیح اینکه در کل تحلیل‌های پیکره‌ای، «مفعول» عنوانی پوششی برای مفعول‌های اجباری (برای افعال متعدی) و نیز دیگر عناصر زبانی بوده که نقش مکمل را در جمله بازی می‌کرده‌اند و وجودشان اجباری نبوده است:

- الان غرورم ذره ای برایم ارزش نداره جوان نباید گول غرورش را بخوره...

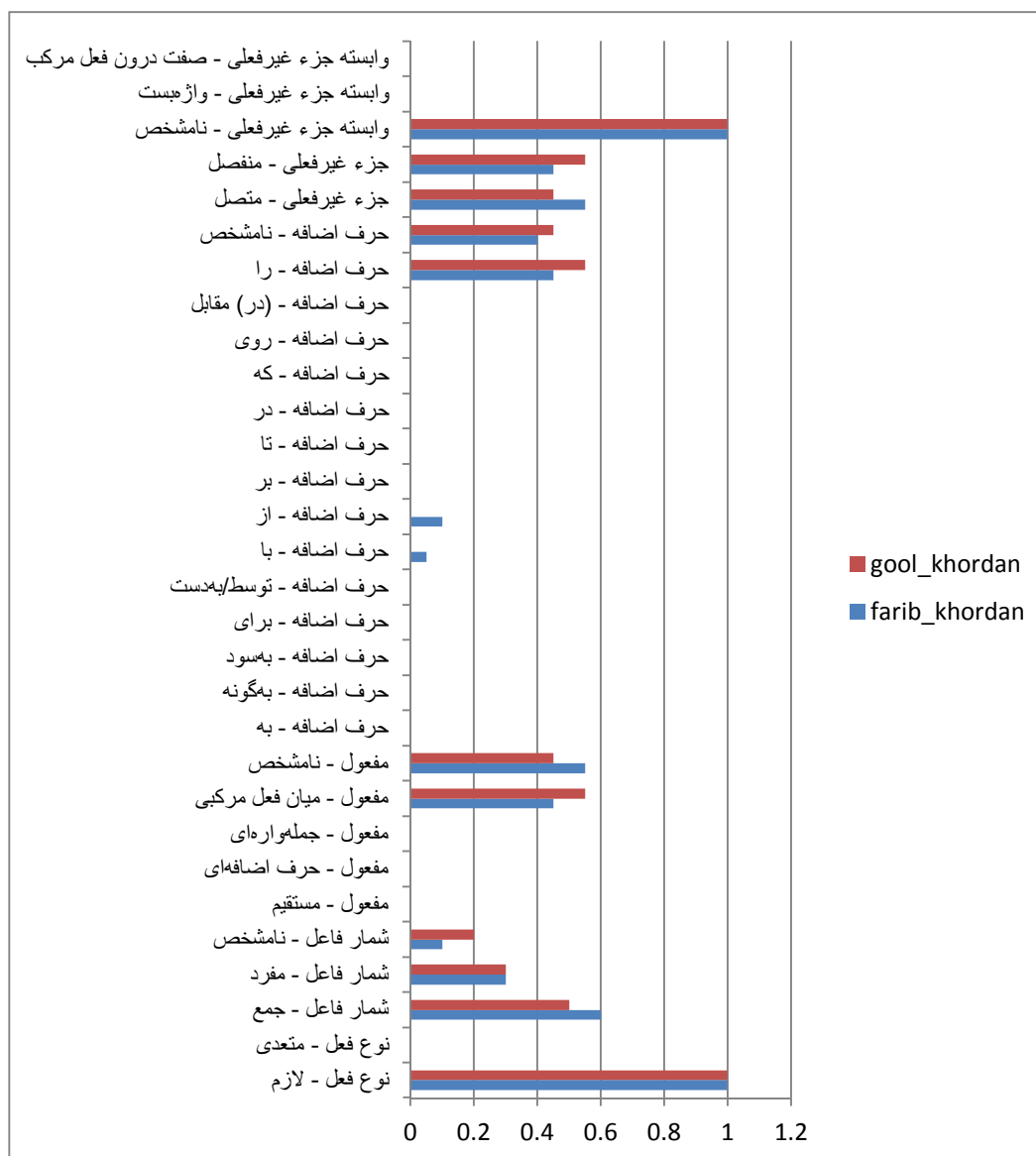
در جمله بالا، کلمه «غرورش» در میان فعل مرکب «گول خوردن» آمده است و نقش مفعول (در اینجا مکمل) را ایفا می‌کند.

بررسی حروف اضافه به کار رفته در افعال این گروه نشان می‌دهد که حرف اضافه «را» بیشترین کاربرد را داشته است. حروف اضافه «از» و «با» هم در موارد اندکی به همراه فعل «فریب خوردن» به کار رفته‌اند. فراوانی حرف اضافه «را» در داده‌ها نشان می‌دهد که افعال زیرخوشه «فریب» عمدتاً به صورت منفصل (نظیر نمونه بالا) به کار رفته‌اند و حرف اضافه «را» بعد از عنصری که میان فعل مرکب واقع شده به کار رفته است. همچنین با بررسی شیوه اتصال جزء غیر فعلی به فعل می‌توان این مسئله را به روشنی دریافت. داده‌های نحوه اتصال جزء غیرفعلی نشان می‌دهد که حدود نیمی از کاربردهای پیکره‌ای این افعال به صورت منفصل بوده است. مشخصه آخر مربوط به «وابسته جزء غیرفعلی» است که در این افعال مشاهده نشده است.

در نهایت توزیع کاربردهای مربوط به مشخصه‌های معنایی زیرخوشه «فریب» در شکل ۴-۳۱ آمده است. مشخصه معنایی نخست، معنای فعل است که تقریباً برای هر دو فعل به صورت «انتزاعی» برچسب خورده است. مشخصه معنای جزء غیرفعلی برای هر دو فعل با برچسب «حقه» مشخص شده است. در بررسی مشخصه معنای ضمنی مشاهده می‌شود که هر دو فعل اکثراً در معنای ضمنی منفی به کار رفته‌اند و معنای ضمنی منفی برای فعل «فریب خوردن» بیشتر از فعل «گول خوردن» بوده است:

- قبول زحمت شهرداری، گول خوردن نیست قبول مسئولیت و خدمت در نظام مقدس جمهوری اسلامی گول خوردن نمی‌باشد... (معنای ضمنی منفی)

- ... او تنها کسی نبود که فریب این عرب پولدار را می‌خورد. سوفی خود را ملامت می‌کرد که چرا سخنان عرب متمول را در هتل مجللی در لندن باور کرده است. (معنای ضمنی منفی)



شکل ۴-۳۰. توزیع مشخصه‌های نحوی در افعال مرکب با معنای «فرب»

مشخصه بعدی مربوط به ویژگی معنایی فاعل این افعال است که تقریباً در تمامی موارد فاعل انسان بوده است، به استثناء یک مورد که جاندار غیرانسان فاعل فعل «گول خوردن» بوده است. نقش فاعل در تمامی داده‌ها به صورت کنش‌پذیر مشخص شده و نوع تماس از نوع استعاری بوده است.

در افعال این گروه می‌توان نوع حرکت طرح‌واره‌ای را تصور کرد که از جزء غیرفعلی به سمت فاعل است و فاعل را متاثر ساخته است. بنابراین برای هر دو فعل جهت طرح‌واره تصویری از جزء غیرفعلی



شکل ۴-۳۱. توزیع مشخصه‌های معنایی در افعال مرکب با معنای «فریب»

به سوی فاعل است. مشخصه دیگر، کنترلداری فاعل است که در کاربرد این افعال مشاهده می‌شود در آنها فاعل هم صاحب کنترل بوده و هم فاقد آن. هر چند به طور پیش فرض، فاعل این افعال اراده‌ای در گول خوردن یا فریب خوردن ندارد و در واقع گول خوردن نوعی فرآیند غیرارادی است، اما در داده‌های پیکره فاعل در مواردی در رویداد فعل دارای کنترل تشخیص داده شده که آرزو یا خواسته‌ای نسبت به فاعل در جریان بوده که مبادا فریب بخورد:

- فریب این هیاهوهای کاذب را که متأسفانه احساسات مردم را به آن سمت سوق داد، نخوریم... (فاعل دارای کنترل)
- زندان مرکز انواع و اقسام افراد خلافتکار است. من در این محیط هرگز گول نمی‌خورم.
چون به محیط و افراد واقفم... (فاعل دارای کنترل)

مشخصه معنایی دیگر، سرعت رویداد است که بررسی کاربردهای دو فعل تفاوت معنایی را نشان می‌دهد. به طور کلی داده‌های پیکره نشان می‌دهد که رویداد فعل «گول خوردن» سریع‌تر از فعل «فریب خوردن» بوده است:

- مرتضی مجیدی در ابتدای سخن و شروع گزارش گفت که ما گول خوردیم و نمی‌دانستیم
که این طرح ترور از قبل پیش بینی شده است و هدف این بود که ما سرمان به سنگ بخورد... (رویداد سریع)
- الان غرورم ذره ای برایم ارزش نداره جوان نباید گول غرورش را بخوره... (سرعت رویداد نامشخص)

علت تفاوت میان رویداد سریع یا نامشخص بین افعال این گروه را می‌توان اینگونه توضیح داد که در مواقعی که رویداد به صورت مشخص (مثلاً همانند مثال نخست با زمان مشخص دستوری) بیان شده است، رویداد سریع و در سایر موارد نامشخص تشخیص داده شده است. موارد فعل «گول خوردن» دارای جملات مشخصی به لحاظ زمان و جزئیات رویداد نسبت به «فریب خوردن» بوده است و به همین دلیل سریع بودن رویداد آن مشهود است.

در افعال این گروه فاعل فاقد هر گونه حرکت است. همچنین بررسی ژانر گفتمانی این افعال نشان می‌دهد که هر دو فعل در ژانر سیاسی و حوادث/جرم بیشترین کاربرد را داشته‌اند. در ژانر سیاسی، فراوانی کاربردهای «فریب خوردن» بیشتر از «گول خوردن» بوده و در ژانر جرم شمار «گول خوردن» اندکی بیش از «فریب خوردن» بوده است.

۴-۲-۲-۸. زیر خوشه [نامشخص]

آخرین مجموعه از خوشه اصلی ۲ و زیرخوشه ۲-۲، گروهی است که افعال «گل خوردن»، «کتک خوردن»، «محک خوردن» و «شکست خوردن» را در بر گرفته است. اعضای این زیرخوشه معنای واحد و منسجمی را در کنار یکدیگر به ذهن القا نمی کنند. البته این بدان معنا نیست که افعال مرکب ذیل این خوشه، هیچ وجه معنایی مشترکی با یکدیگر ندارند، بلکه منظور این است که عنصر غیرفعلی این عناصر به طبقه ای با خصوصیات معنایی مشترک متعلق نیستند. چنانچه به نمودار تحلیل خوشه ای نظری بیان داریم در خواهیم یافت که این خوشه کلی چهارفعلی به دو زیرخوشه دوفعلی تقسیم شده است. در این دو زیرخوشه، دو فعل «گل خوردن» و «کتک خوردن» در یک زیرخوشه مجزا و دو فعل «محک خوردن» و «شکست خوردن» در خوشه مجزای دیگری جای گرفته اند.

در دو فعل «گل خوردن» و «کتک خوردن» شاید بتوان این شباهت معنایی را متصور شد که در هر دو فاعل (که نقش کنش پذیر را دارد) تحت تاثیر کنشی بی اختیار و بیرونی قرار گرفته و از آن متاثر شده است. در مورد دو فعل «محک خوردن» و «شکست خوردن» چندان نمی توان تشابه معنایی بارزی یافت. نکته ای در این اینجا حائز اهمیت است که نگارنده در بررسی نمونه های پیکره دریافته است: اینکه این دو فعل عمدتاً در ژانر گفتمانی ورزشی کاربرد داشته اند. در واقع این عمدتاً تیم ها بوده اند که محک خورده اند یا شکست خورده اند. این عامل در کنار عوامل دیگر می تواند در نزدیک کردن وجوه معنایی این دو فعل نقش داشته باشد. از آنجا که پژوهش فعلی بر اساس داده های محدود پیکره ژورنالیستی همشهری به دست آمده، تحلیل های دقیق تر نیاز به پژوهش های عمیق تر در پیکره های زبانی عمومی تر دارد.

فصل پنجم

نتیجه گیری

در این پژوهش با استفاده از رویکرد پیکره‌بنیاد افعال مرکب دارای فعل سبک «خوردن» استخراج و معانی آنها در قالب خوشه‌های مشترک معنایی طبقه‌بندی شد. فرض بنیادینی که مبنای استفاده از روش پیکره‌ای برای استخراج معانی مشابه قرار گرفت، فرضیه توزیعی هریس در زبان‌شناسی است که عناصر زبانی با بافت‌های کاربردی مشابه را دارای معنای مشابه می‌داند. در این فصل سوالات پژوهش مجدداً بازطرح شده و پاسخ آنها در سایه نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها بررسی خواهد شد. در نهایت برخی از محدودیت‌های پژوهش ذکر شده و پیشنهادهایی برای رفع آنها در پژوهش‌های آتی ارائه خواهد شد.

۵-۲ پاسخ به پرسش‌های پژوهش

در ابتدای این طرح سه پرسش به عنوان مسئله محوری این پژوهش طرح شد که عبارت بودند از:

- الف) در رویکرد ساخت‌بنیاد و پیکره‌ای به معنی، معانی مختلف یک واژه بر چه اساسی در قالب حوزه‌های معنایی مشابه طبقه‌بندی می‌شوند؟
- ب) در رویکرد پیکره‌ای و ساخت‌بنیاد چگونه می‌توان معنا یا معانی سرنمونی (مرکزی) یک واژه را تشخیص داد؟
- ج) تفکیک معانی براساس رویکرد ساخت‌بنیاد و پیکره‌ای چه تفاوتی با تفکیک‌های به‌دست‌آمده از روش‌های سنتی و غیرپیکره‌ای دارد؟

پاسخ پرسش الف: بررسی نمودار تحلیل خوشه‌ای ۴-۱ و همچنین تحلیل‌های جزئی فصل ۴ نشان می‌دهد که معانی مختلف فعل سبک «خوردن» بر اساس جزئیات بافتی آنان به مقوله‌های مشابه معنایی تقسیم می‌شود. این جزئیات بافتی در این پژوهش به صورت مشخصه‌های ساختوازی، نحوی و معنایی نمود یافتند و هر کدام بُعدی به ابعاد معانی این فعل سبک افزودند.

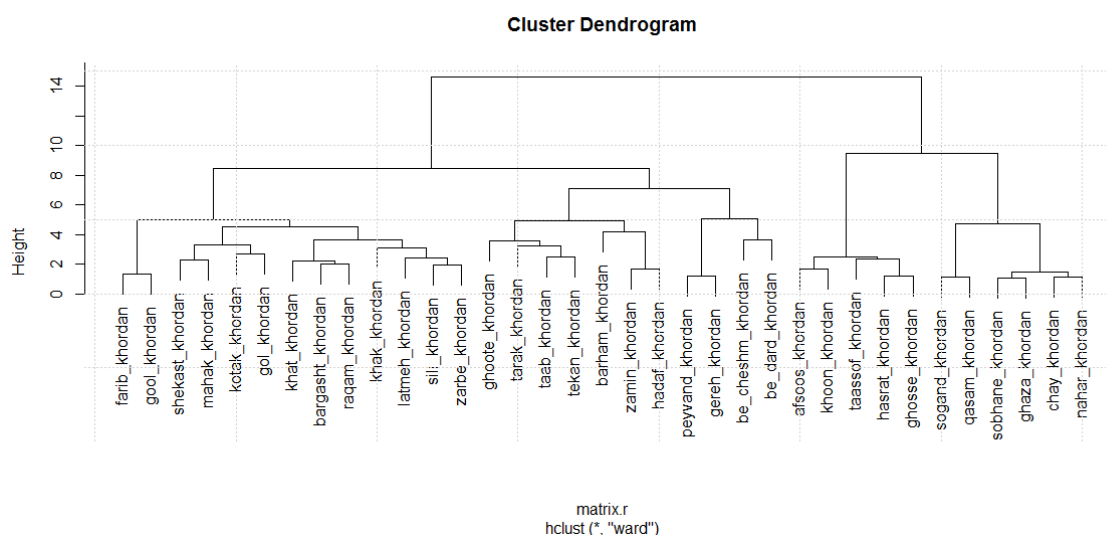
نکته جالب توجه در تحلیل داده‌ها این است که مشابه‌بودن جزئیات بافتی و کاربردی افعال عمده‌تاً با هم مقبولگی اجزاء غیرفعلی آنان مرتبط بوده است. مثلاً در افعال «ناهار خوردن»، «صبحانه خوردن»، و «غذا خوردن» جزء غیرفعلی به حوزه معنایی «خوراکی» متعلق است. پس از تحلیل داده‌ها مشاهده شد که این افعال در یک خوشه قرار گرفته‌اند که نشان از مشابهت بافت کاربردی آنان دارد. دسته‌بندی

این افعال تحت یک خوشه نه بر اساس مشابَهت جزء غیرفعلی آنان بلکه بر اساس مشابَهت بافت کاربردی‌شان صورت گرفته است.

پاسخ پرسش ب:

گریز (۲۰۰۶) معیار «نخستین خوشه تشکیل شده» را برای تشخیص پیکره‌ای معنای سرنمونی در نظر می‌گیرد. وی همچنین معیارهایی نظیر بسامد بالای رخداد و نیز کمترین محدودیت کاربردی را نیز در تعیین معنای سرنمون مدنظر قرار می‌دهد. در پژوهش حاضر چنانچه بخواهیم معیار بسامد رخداد بالا را لحاظ کنیم، می‌توانیم از اطلاعات جدول ۳-۳ بهره‌گیریم که به منظور استخراج افعال مرکب با جزء فعلی «خوردن» تهیه شد. در این فهرست پربسامدترین فعل مرکب، فعل «(به) چشم خوردن» با ۲۲۴۸ نمونه و سپس فعل «شکست خوردن» با ۱۳۶۱ نمونه است. پس از آن‌ها فعل «غذا خوردن» با ۵۸۲ نمونه در رتبه سوم قرار می‌گیرد.

یک گزینه این است معنای «خوردن» در پربسامدترین فعل مرکب فهرست یعنی «(به) چشم خوردن» را به عنوان معنای سرنمونی فعل سبک «خوردن» در نظر بگیریم. این فعل در تقسیم‌بندی خوشه‌ها در مقوله «دریافت حسی» جای دارد. گزینه دیگر می‌تواند این باشد که هم بسامد بالای رخداد فعل و هم معیار «نخستین خوشه تشکیل شده» در نمودار خوشه‌بندی را لحاظ کنیم. نمودار خوشه‌بندی افعال مرکب «خوردن» برای سهولت بررسی در شکل ۵-۱ آمده است.



شکل ۵-۱. نمودار تحلیل خوشه‌ای ۳۵ فعل مرکب با جزء فعلی «خوردن»

بررسی شکل ۵-۱ نشان می‌دهد که فعل مرکب «(به) چشم خوردن» جزو افعال تشکیل‌دهنده نخستین خوشه در نمودار نیست. پس از این فعل، فعل مرکب «شکست خوردن» پربسامدتر است که آن هم جزو نخستین افعال خوشه‌بندی شده نیست. بررسی شکل ۵-۱ نشان می‌دهد که افعال مربوط به معنای «بلعیدن» جزو اولین افعالی هستند که نخستین خوشه را شکل داده‌اند. بنابراین چنانچه دو معیار «تشکیل نخستین خوشه» و «پربسامدترین معنا» را با هم در نظر بگیریم، معنای «بلعیدن» را باید معنای سرنمونی فعل «خوردن» در نظر بگیریم، چرا که سومین فعل پربسامد در پیکره مورد بررسی بوده و نیز جزو افعالی است که نخستین خوشه را در شکل ۵-۱ تشکیل داده است.

یکی دیگر از معیارهای تعیین معنای سرنمون، بررسی محدودیت‌های کاربردی فعل مربوطه به لحاظ تعداد برچسب‌های آی.دی به کاررفته است. در واقع گریز بر اساس شواهد شناختی (لیکاف، ۱۹۸۷) معتقد است که اگر معنایی دارای بیشترین تنوع کاربردی به لحاظ ملاحظات صوری و معنایی باشد (یعنی برچسب‌های آی.دی بیشتری برای توصیف الگوی رفتاری آن به کار رفته باشد) آن معنا غیرنشاندار^{۷۴} محسوب شده و می‌تواند به عنوان معنای سرنمون مطرح باشد. وضعیت افعال موردبررسی در پژوهش حاضر به لحاظ تعداد برچسب‌های آی.دی به کاررفته برای توصیف معانی افعال به صورت جدول ۵-۱ می‌باشد.

جدول ۵-۱. تعداد برچسب‌های آی.دی به کاررفته برای هر یک از افعال مرکب موردبررسی

تعداد برچسب آی.دی به کاررفته	فعل مرکب
۶۳	تکان خوردن
۵۶	شکست خوردن
۵۵	خون (دل) خوردن
۵۵	سوگند خوردن
۵۵	سیلی خوردن
۵۵	ضربه خوردن
۵۴	تاسف خوردن
۵۴	غذا خوردن
۵۴	قسم خوردن
۵۴	لطمه خوردن
۵۳	چای خوردن
۵۳	غصه خوردن
۵۳	غوطه خوردن
۵۲	افسوس خوردن

⁷⁴ unmarked

۵۲	گول خوردن
۵۱	زمین خوردن
۵۱	فریب خوردن
۵۱	ناهار خوردن
۵۰	صبحانه خوردن
۴۹	پیوند خوردن
۴۹	تاب خوردن
۴۸	حسرت خوردن
۴۷	خاک خوردن
۴۷	محک خوردن
۴۷	گره خوردن
۴۷	هدف خوردن
۴۶	به درد خوردن
۴۶	رقم خوردن
۴۵	گل خوردن
۴۴	برهم خوردن
۴۴	ترک خوردن
۴۲	کتک خوردن
۴۱	خط خوردن
۳۸	به چشم خوردن
۳۴	برگشت خوردن

با توجه به داده‌های جدول ۵-۱، فعل «تکان خوردن» دارای بیشترین تنوع برچسب آی.دی در میان افعال مورد بررسی در این پژوهش است. همچنین داده‌های جدول نشان می‌دهد که فعل «برگشت خوردن» دارای کمترین برچسب‌های مورد استفاده بوده است. با نگاهی به تحلیل‌های انجام‌شده از توریع مشخصه‌های ساختوازی، نحوی و معنایی این افعال در فصل ۴ می‌تواند تنوع به کارگیری برچسب‌های آی.دی در این دو فعل را نشان دهد. اما فارغ از داده‌های کمی، تفاوت معنایی میان فعل «تکان خوردن» و «برگشت خوردن» به لحاظ شمی نیز قابل دریافت است. فعل «تکان خوردن» به لحاظ معنایی کاربردهای متنوع فیزیکی و استعاری دارد که در آنها فاعل می‌تواند بر رویداد کنترل داشته یا نداشته باشد. اما کاربرد عمده فعل «برگشت خوردن» تنها به حوزه معنایی اقتصادی محدود است و تنوع کاربردی چندان در آن دیده نمی‌شود.

در جمع‌بندی به نظر می‌رسد سه رویکرد مذکور برای تعیین معنای سرنمونی، معنای واحدی را ارائه نمی‌دهند. هر چند بر اساس معیار «بسامد کاربرد» و «تشکیل اولین خوشه»، معنای «بلعیدن» را می‌توان

به عنوان معنای سرمونوی این فعل سبک در این پیکره خاص برشمرده، اما به نظر می‌رسد تا انجام پژوهش‌های جامع‌تر آتی نتایج فعلی چندان قابل اتکا نباشد.

پاسخ پرسش ج:

برای پاسخ به این پرسش، برخی نتایج حاصل از این پژوهش را با یکی از مطالعات متاخر شناختی در باب فعل مرکب فارسی مقایسه می‌کنیم.

یکی از نمونه‌های رویکرد شناختی به چندمعنایی در زبان فارسی، بررسی چندمعنایی در افعال مرکب فارسی بوده است (Family, 2006). افعال مرکب به افعالی گفته می‌شود که از یک جزء غیرفعلی و یک جزء فعلی (فعل سبک^{۷۵}) تشکیل می‌شوند و معنای واحدی را می‌سازند: نظیر «گریه کردن»، «ضربه خوردن»، «رنگ زدن» و غیره. فامیلی پس از بررسی انواع ساخت‌های فعل سبک فارسی در چارچوب دستور ساختی^{۷۶} زبان‌شناسی شناختی، دسته‌بندی‌ای از آنها ارائه می‌دهد. بر اساس دستور ساختی، وی نتیجه می‌گیرد که افعال مرکب فارسی حداصل بین واژگان (فرهنگ لغات ذهنی) و دستور زبان را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر این ساخت‌ها هم ویژگی‌های منحصر به فرد از خود بروز می‌دهند (که باید در واژگان ذهنی فهرست شوند) و هم زایایی دارند و می‌توان ساخت‌های جدیدی با استفاده از آنها ساخت. فامیلی استدلال می‌کند که افعال مرکب (یا به گفته وی «ساخت‌های فعل سبک») برخی خصوصیات معنای مرکزی فعل سبک مربوطه خود را حفظ می‌کنند، و بر این اساس افعال مرکبی را که دارای جزء فعلی بخصوصی هستند بر اساس شباهت معنایی‌شان به خوشه‌های معنایی مجزا و به هم مرتبط تقسیم می‌کند و آنها را جزایر فعلی^{۷۷} می‌نامد.

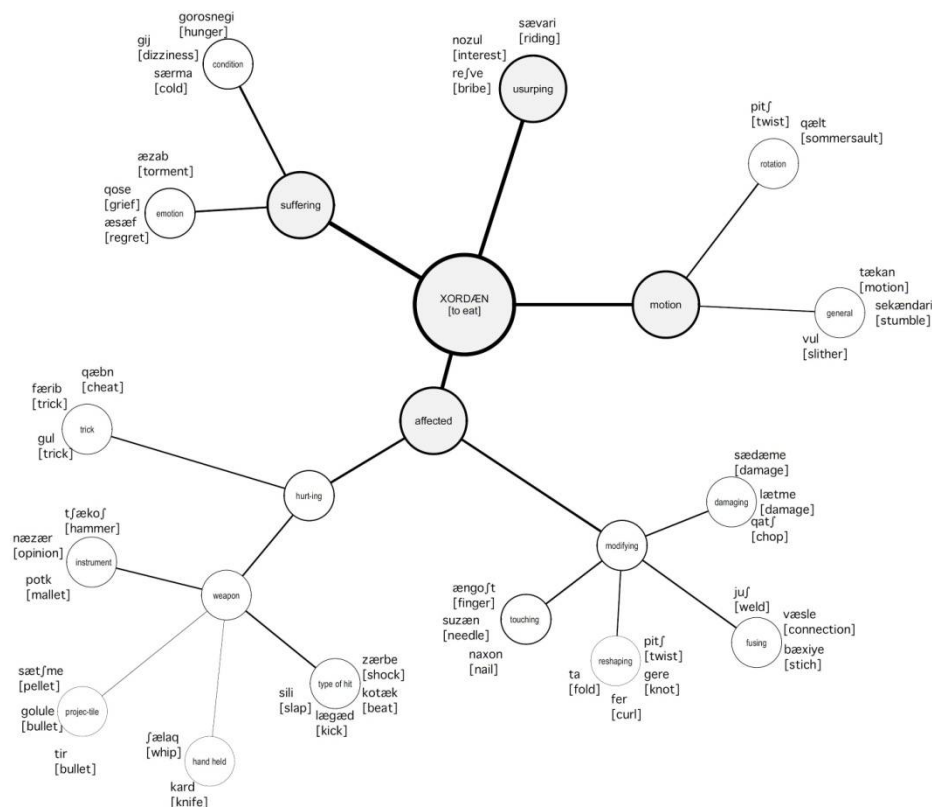
برای نمونه، مطابق با شکل ۵-۲ وی معانی فعلی نظیر «خوردن» را که در افعال مرکب با اجزاء غیرفعلی گوناگون به کار می‌رود، به چهار دسته تقسیم می‌کند که هر یک از چهار دسته نیز خود به خوشه‌های ریزتر یا جزایر فعلی تقسیم می‌شوند. این چهار دسته معنایی عبارتند از «حرکت» (motion)، «تأثیرپذیرفته» (affected)، «رنج بردن» (suffering) و «به زور گرفتن» (usurping). این چهار خوشه

⁷⁵ light verb

⁷⁶ construction grammar

⁷⁷ verb islands

معنایی خود به زیرخوشه‌های ریزتری نیز تقسیم شده‌اند و جزئیات معنایی بیشتری را در قالب جزایر فعلی مقوله‌بندی کرده‌اند.



شکل ۵-۲. مقوله‌بندی معانی مختلف افعال مرکب با جزء فعلی «خوردن» (Family, 2006)

در پژوهش فامیلی، اگرچه رویکردی شناختی و نوین به معناشناسی افعال مرکب فارسی در پیش گرفته شده است و هم‌سویی‌هایی نیز با نتایج پژوهش فعلی دارد، با این حال کاستی‌هایی به‌لحاظ روش شناختی دیده می‌شود. نخست، پژوهشگر از منابع مختلفی برای جمع‌آوری داده‌های خود استفاده کرده است، اما در مقوله‌بندی داده‌ها به جزایر معنایی، استفاده از روشی نظام‌مند مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد معانی افعال مرکب بر اساس شم زبانی پژوهشگر در قالب مشابه یا غیرمشابه ارزیابی شده‌اند و در خوشه‌های معنایی قرار داده شده‌اند. مثلاً در خوشه «تاثیرپذیرفته (affected) ← آزدن (hurting) ← سلاح (weapon)» سه فعل مرکب «چکش خوردن»، «نظر

خوردن» و «پتک خوردن» قرار گرفته‌اند که به نظر می‌رسد رابطه معنایی منسجمی میان فعل انتزاعی «نظر خوردن» با دیگر اعضای زیرخوشه «سلاح» برقرار نباشد. نکته دوم، عدم لحاظ بسامد کاربرد اجزاء غیرفعلی افعال مرکب در تحلیل است که موجب شده است اجزای غیرفعلی پربسامد با اجزای فعلی کم‌بسامد (یا فاقد بسامد) در مقوله‌بندی هم‌نشین شوند. مثلاً در شکل ۲، معانی مربوط به «بلعیدن» و افعال مرکبی چون «صبحانه خوردن» و «ناهار خوردن» که طبق معیارهای پیکره‌ای باید جزو افعال مرکب محسوب شوند، دیده نمی‌شوند. و یا در خوشه مربوط به «رنج بردن»، به جزء غیرفعلی نظیر «عذاب» اشاره شده که در کنار فعل سبک «خوردن» فعل مرکب نامانوس «عذاب خوردن» را می‌سازد که بسامد پیکره‌ای آن صفر است یا در صورت وجود بسیار نادر است.

طبق داده‌های پیکره و بر اساس نمودار ۴-۱ تحلیل خوشه‌ای (فصل ۴)، فعل سبک «خوردن» ابتدا به دو انشعاب عمده تقسیم می‌شود که انشعاب شماره ۱ یکی از معانی اصلی فعل یعنی «بلعیدن» را دربر می‌گیرد که در تحلیل Family (2006) دیده نمی‌شود. در درون همین انشعاب افعالی چون «غصه خوردن» و بخصوص «قسم خوردن» نیز به لحاظ استعاره گونه‌ای بسط‌یافته از معنای اصلی یعنی «بلعیدن» هستند. انشعاب ۲ نیز به دو زیرخوشه عمده ۱-۲ و ۲-۲ تقسیم می‌شود که با بررسی این دو زیرخوشه می‌توان دریافت که فاعل افعال خوشه ۱-۲ عمدتاً به‌طور استعاره یا حقیقی دارای مشخصه «حرکت» هستند. مثلاً «تاب خوردن»، «تکان خوردن» و «غوطه خوردن» از یک سو و «زمین خوردن»، «هدف خوردن» و «برهم خوردن» از سوی دیگر در یک خوشه قرار دارند که در همگی خصوصیت حرکت کنش‌پذیر دیده می‌شود. در خوشه ۲-۲ معنای افعال عمدتاً القاء‌کننده زیان و صدمه است که برخی از آنها عبارتند از «ضربه خوردن»، «سیلی خوردن»، «لطمه خوردن» و «خاک خوردن» که در یک خوشه جای دارند.

پژوهش حاضر از منظری دیگر نتایج به‌دست آمده از پژوهش Family (2006) را تایید می‌کند که درخور توجه است: اینکه افعال مرکب بر اساس شباهت معنایی‌شان به دسته‌های معنای مجزا و به هم مرتبط (جزایر فعلی) تقسیم می‌شوند. در پژوهش کنونی ملاحظه شد که افعال مرکب بر اساس مشخصه‌های توزیعی‌شان در پیکره، به گروه‌های معنایی مجزا و به هم مرتبطی نظیر «بلعیدن»، «سوگند»،

«اندوه» و غیره تقسیم شدند. با اینکه این همسویی با پژوهش (Family 2006) مشاهده می‌شود، اما آنچه پژوهش فعلی را از پژوهش فامیلی متمایز می‌کند شیوه به‌دست آوردن افعال مرکب و نحوه اتصال معانی آنها به یکدیگر در قالب شبکه معنایی است. نگارنده معتقد است رویکرد پیکره‌ای بستری را برای تحلیل‌های زبانی فراهم می‌کند که نقش شم زبانی در آن به حداقل می‌رسد و نتایج تحلیل‌ها از عینیت بیشتری برخوردار است.

۳-۵ پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آتی

در پژوهش حاضر، با استفاده از رویکردی پیکره‌ای یکی از مسائل نظری زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفت که علاوه بر نتایج درخور توجه آن، دارای محدودیت‌هایی نیز بود. در ادامه به برخی از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش اشاره شده و پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آتی ارائه شده است:

- پیکره: نتایجی که از تحلیل ساخت‌های فعل مرکب «خوردن» در این پژوهش به‌دست آمد، نتایجی است که می‌توان آن را به پیکره مورد استفاده یعنی پیکره همشهری تعمیم داد. بنابراین یکی از محدودیت‌های این پژوهش، استفاده از پیکره‌ای ژورنالیستی است که تعمیم نتایج برگرفته از آن را به کل زبان فارسی دشوار می‌سازد. پیشنهاد می‌شود، در پژوهش‌های آتی حداقل امکان از پیکره‌ای استفاده شود که صرفاً ماهیت ژورنالیستی و خبری نداشته باشند و در برگیرنده تمام گونه‌های نوشتاری اعم از خبری، داستانی، گفتگوهای بازنویسی شده و غیره باشد.
- تعداد نمونه‌ها: در این پژوهش ۳۵ فعل مرکب فارسی و برای هر فعل ۲۰ نمونه از پیکره مورد بررسی قرار گرفت که تعداد اندکی محسوب می‌شود. در واقع تمرکز این پژوهش بر پوشش تعداد بیشتری از افعال مرکب بود تا امکان طبقه‌بندی معانی مشابه در طیف بزرگی از افعال وجود داشته باشد و این امر با توجه به محدودیت زمان طبیعتاً بر کاهش تعداد نمونه‌های مورد بررسی تاثیرگذار بوده است. از آنجا که فرایند خوشه‌بندی افعال مرکب فرایندی آماری است اندک بودن تعداد نمونه‌ها باعث افزایش نویز در داده‌ها و انحراف نتایج می‌شود.
- افعال مرکب: در این پژوهش به افعال مرکبی پرداخته شد که جزء فعلی آنها «خوردن» بود. پژوهش‌های آتی می‌توان به بررسی دیگر افعال سبک فارسی نظیر «زدن»، «کردن»، «کشیدن» و غیره پردازند.

- AleAhmad, A., Amiri, H., Darrudi, E., Rahgozar, M., & Oroumchian, F. 2009. Hamshahri: A standard Persian text collection. *Journal of Knowledge-Based Systems*, 22(5), 382-387.
- Anthony, L. 2011. AntConc (Version 3.2.2.1) [Computer Software]. Tokyo, Japan: Waseda University. Retrieved from http://www.antlab.sci.waseda.ac.jp/antconc_index.html
- Atkins, B. T. S. 1987. Semantic ID tags: corpus evidence for dictionary senses. *Proceedings of the Third Annual Conference of the UW Center for the New Oxford English Dictionary*, 17-36.
- Barjasteh, D. 1983. Morphology, syntax, and semantics of Persian compound verbs: A lexicalist approach. University of Illinois at Urbana-Champaign, Ph.D. dissertation.
- Brugman, C. 1981. The Story of Over. MA thesis, University of California at Berkeley.
- Church, K. and Hanks, P. 1990. Word association norms, mutual information and lexicography. *Computational Linguistics*, 16, 1: 22-29.
- Dabir-Moghaddam, M. 1997. Compound verbs in Persian. *Studies in Linguistic Sciences*, 27, 25-59.
- Divjak, D. & Gries, S. T. 2006. Ways of trying in Russian: clustering behavioral profiles. *Corpus Linguistics and Linguistic Theory*, 2, 23-60.
- Family, N. 2006. Explorations of semantic space: The case of light verb constructions in Persian. PhD Dissertation, EHESS, Paris, France.

- Family, N. 2009. Lighten up: The acquisition of light verb constructions in Persian. *Proceedings of The 33rd Annual Boston University Conference on Language Development*. Somerville, MA: Cascadilla Press, 139-150.
- Goldberg, A. 1995. *Constructions: A Construction Grammar Approach to Argument Structure*. The University of Chicago Press.
- Goldberg, A. 2003. Constructions: A new theoretical approach to language. *TRENDS in Cognitive Sciences*, 7, 219-224.
- Goldberg, A. 2003. Words by default: the Persian Complex Predicate Construction. Elaine Francis and Laura Michaelis (eds.) *Mismatch: Form-Function Incongruity and the Architecture of Grammar*. CSLI Publications. 83-112.
- Gries, S. T. 2006. Corpus-based methods and cognitive semantics: The many meanings of to run. In St. Th. Gries and A. Stefanowitsch (eds.). *Corpora in Cognitive Linguistics: Corpus-based Approaches to Syntax and Lexis*, 57–99. Berlin and New York: Mouton de Gruyter.
- Gries, S. T. 2010. Behavioral profiles: A fine-grained and quantitative approach in corpus linguistics. *The Mental Lexicon*, 5, 323-346.
- Hanks, P. 1996. Contextual dependency and lexical sets. *International Journal of Corpus Linguistics*, 1, 75-98.
- Hilpert, M. 2006. Keeping an eye on the data: Metonymies and their patterns. In A. Stefanowitsch and S. Th. Gries (eds.), *Corpus-Based Approaches to Metaphor and Metonymy*, Mouton de Gruyter, 123-151.
- Jensen, K. E. 2013. Clusterizor: An R-based cluster analysis program for linguistic analysis. [Computer programme].
- Karimi, S. 1997. Persian complex verbs: Idiomatic or compositional. *Lexicology*, 3, 273-318.

- Karimi-Doostan, M.R. 1997. Light Verb Constructions in Persian. Ph.D. dissertation, University of Essex.
- Lakoff, George. 1987. *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal About the Mind*. Chicago: University of Chicago Press.
- Mohammad, J. and Karmi, S. 1992. Light verbs are taking over: Complex verbs in Persian. In *Proceedings of the Western Conference on Linguistics (WECOL)* 5, 195-212.
- Mosavi Miangah, T. 2007. Solving the polysemy problem of Persian words using mutual information statistics. *Proceedings of the Corpus Linguistics Conference (CL2007)*, University of Birmingham, UK.
- O'Donnell, M. B. & Ellis, N. 2010. Towards an inventory of English verb argument constructions. *Proceedings of the NAACL HLT Workshop on Extracting and Using Constructions in Computational Linguistics*, Los Angeles, California.
- Stubbs, M. 1995. Collocations and semantic profiles: On the cause of the trouble with quantitative studies. *Functions of Language*, 2.
- Tabaian, H. 1979. Persian compound verbs. *Lingua*, 47, 189-208.
- Tyler, Andrea and Vyvyan Evans. 2003. *The Semantics of English Prepositions: Spatial Scenes, Embodied Meanings and cognition*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Xiao, R. & McEnery, T. 2006. Collocation, semantic prosody, and near synonymy: A cross-linguistic perspective. *Applied Linguistics*, 27, 103-129.

ABSTRACT

In this research, Persian light verb constructions (LVCs) containing XORDAN (“eat” or “hit”) preverbs (PVs) have been analysed from a corpus-based perspective. In Persian LVCs, a light verb like XORDAN can have various PVs such as Zarbe (“hit”), Ghaza (“food”), Zamin (“ground”), etc. The combination of PVs with XORDAN light verb would cause the light verb XORDAN to have different meanings. The classification of these senses based on corpus data has been addressed in this study. A 50 million token corpus was randomly sampled from Hamshahri corpus. The corpus data were analyzed using AntConc corpus program and statistically significant PVs of the light verb XORDAN were extracted. Then 35 PVs based on their frequency were selected and for each LVC 20 instances were extracted from the corpus. Using the behavioral profile analysis, morphological, syntactic and semantic features of the instances were ID-tagged in a table. The table of the behavioral profiles was submitted to hierarchical cluster analysis. The analysis of the clusters obtained showed that senses of the LVCs sharing semantically similar PVs are clustered together based on their similar usage behavior in the corpus.

Keywords: corpus linguistics, light verb constructions (complex predicates), behavioral profile analysis, Persian, cluster analysis



**Iranian Research Institute
for Information Science and Technology**

Research Project

**A Corpus Construction-Based
Approach to Word Sense Classification
in Persian**

By:

Ramin Golshaie

Autumn 2014